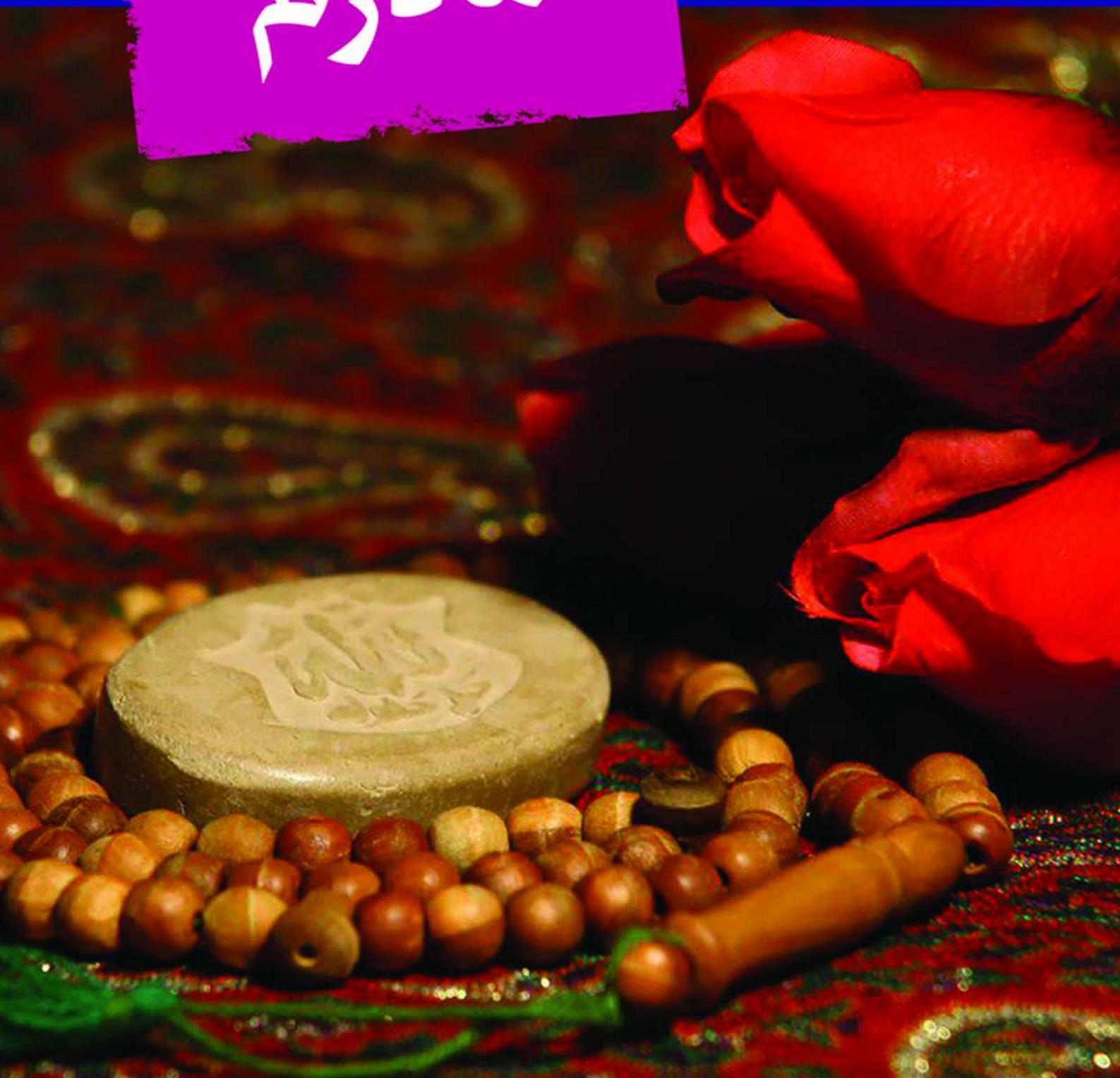


دعای مادرم

شرح ادعیه حضرت فاطمه علیها السلام

دکتر مهدی خدامیان آرانی

مجموعه آثار / ۷۳



فهرست

| | |
|----------|----------------------------|
| ۹..... | سخن اوّل..... |
| ۱۵..... | دعای بعد از نماز ظهر..... |
| ۳۵..... | دعای بعد از نماز عصر..... |
| ۵۷..... | دعای بعد از نماز مغرب..... |
| ۷۷..... | دعای بعد از نماز عشاء..... |
| ۹۱..... | دعای بعد از نماز صبح..... |
| ۱۱۳..... | دعای حاجت..... |
| ۱۱۷..... | متن عربی ادعیه |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدا را شکر که ما فاطمه^{علیها السلام} را بسیار دوست داریم، سالروز ولادتش، جشن می‌گیریم، در ایام شهادتش، لباس سیاه به تن می‌کنیم و بر مصیبت‌های او، اشک می‌ریزیم. از مظلومیت او برای ما سخن‌ها گفته‌اند و چقدر به جاست که با یادآوری ستم‌هایی که به او شد، راه خود را از دشمنان او جدا کنیم. بر این باورم که دشمنان برنامه‌ریزی کرده‌اند تا ما کمتر با اندیشه‌های فاطمه^{علیها السلام} آشنا شویم و برای همین است که ما از گوهرهای ارزشمندی که در سخنان اوست، کمتر اطلاع داریم. به راستی جامعه چقدر با دعاهای آن حضرت (که بعد از نمازهای روزانه می‌خواند)، آشنایی دارد؟ این دعاها، گنجینه‌ای بزرگ از معارف آسمانی است، هرکس می‌خواهد در عرفان حقیقی به جایی برسد، باید از این دعاها بپره بگیرد، افسوس که جوانان ما، مناجات‌های افرادی که از خطابه دور نیستند را حفظ هستند و

آن‌ها را به خوبی می‌شناستند، ولی با مناجات‌ها و راز و نیازهایی که حضرت فاطمهؓ با خدا داشته‌اند، بیگانه‌اند. این جلوه‌ای از مظلومیّت جانسوز دختر پیامبر است!

خدا به من توفیق داد تا این دعاها را به وسیله این کتاب منتشر کنم، روش من این بود که دعاها را به چند قسمت تقسیم نمودم و هر قسمت را ابتدا ترجمه نمودم و سپس به شرح قسمت‌های مهم آن پرداختم، در پایان کتاب هم متن عربی دعاها را آورده‌ام.

امیدوارم که حضرت فاطمهؓ این تلاش را قبول کند و اگر در روز قیامت پاداشی به من بدهد، آن را تقدیم همه کسانی می‌کنم که در نشر این کتاب، گام بر می‌دارند، باشد که از این راه، این دعاها را مادرم فاطمهؓ از غربت بیرون بیاید. ان شا الله

مهردادی خُدّامیان آرانی

مهرماه ۱۳۹۵ هجری شمسی

سخن اول

هر وقت گرفتار می‌شوم و همه درها به رویم بسته می‌شود، نماز استغاثه به حضرت فاطمه^{علیها السلام} را می‌خوانم، می‌دانم که آن بانوی مهریان، پیش خدا خیلی آبرو دارد، توسل به کسی که عصاره همه خوبی‌هاست، رهگشای من بوده است.

من باور دارم که خدا دوست دارد که با توسل به آن بانو به در خانه‌اش رو کنم، پس وضو می‌گیرم، رو به قبله می‌ایستم دو رکعت نماز می‌خوانم، بعد از نماز سر به سجده می‌گذارم، به آن بانوی مهریانی‌ها توسل می‌جویم و بارها می‌گوییم: «یا فاطمه».

از جوانی هر وقت، گرفتاری داشتم این‌گونه عمل می‌کردم، وقتی می‌خواستم ازدواج کنم، وقتی که خانه‌ای برای سکونت می‌خواستم و نداشتیم... من با توسل به حضرت فاطمه^{علیها السلام} بیشتر حاجت‌های خود را از خدا

گرفته‌ام.

زندگی ام سر و سامان گرفته بود، ولی گمشده‌ای داشتم، دنیای من خوب بود ولی آرامش را گم کرده بودم. روزی از روزها با خود فکر کردم که چرا من گرفتار دنیا شده‌ام، احساس کردم که دنیا دل مرا ربوده است و من اسیر آب و گل شده‌ام.

در خلوت خود بیشتر فکر کردم، گویا من خودم را گم کرده بودم... من خیلی ضرر کردم، می‌توانستم رشد کنم، تا ملکوت خدا پر بکشم، ولی دل به چه بسته بودم؟ به دنیایی که به هیچ‌کس وفا نکرده است، عاشق بی‌وفاترین چیزها شدم.

من دچار غفلت شده بودم، از پوچی‌ها و بی‌خبری‌ها، وamanده شده بودم. از رنگ‌هایی که بوی آسمان نمی‌دهند، دلگیر بودم، از حرف‌هایی که نتیجه‌ای جز گمراهی ندارد، خسته شده بودم.

به کجا باید فار می‌کردم؟ از چه کس و چه چیزی باید فار می‌کردم؟
از دوستانی که به زنجیر دنیا در آمده‌اند؛
از هیاهوها؛
از مسابقه دنیاخواهی... .

کجاست آن چشم‌آرامش؟ چه کسی به من بی‌پناه، پناه می‌داد؟ من چه باید می‌کردم؟

مدّتی که فکر کردم، به این نتیجه رسیدم: «باید برای این گرفتاری خود، نماز استغاثه به حضرت فاطمه علیها السلام را بخوانم!». برخاستم، وضو ساختم و به

* نماز ایستادم... .*

* * *

باید در خانه خدا بروی و با او آشتب کنی و درد خویش را به او بگویی! اگر
تو با او رفیق بودی، کارت به اینجا نمی‌رسید که این‌گونه درمانده شوی.
چرا تو در تشنگی می‌سوزی در حالی که آب در چند قدمی توست. چرا روح
خود را این همه رنج می‌دهی در حالی که چشم‌هه سار آرامش در کنار توست؟
در هیاهوی بی‌پایان زمان به کجا می‌روی؟ صدای‌های پر از فریب، تو را به
چه دعوت می‌کند؟ قدری فکر کن، کجا می‌روی؟
بدان تمام آنچه تو دل به آنها بسته‌ای، هیچ می‌باشند، برای چه دنبال
هیچ‌ها می‌دوی، پایان این گام‌های شتابان تو، واقعاً کجاست؟
باید به سوی خدای خود رو کنی، همان خدایی که همه ما را آفرید و
هزاران نعمت به ما داد. تو که می‌دانی مرگ حق است، به قیامت باور داری،
پس چرا قیامت را از یاد برده‌ای؟ جمعی از دوستان تو، پیش از تو از این دنیا
رفتند، آنان اکنون هم‌آغوش خاک شده‌اند، به آنان فکر کن، به زودی تو هم
همانند آنان دستت از این دنیا کوتاه می‌شود. لحظه‌ای اندیشه کن! نکند

* . دو رکعت نماز خواندم و بعد از پایان نماز، سر به سجده گذاشتم و صد مرتبه گفتمن:
«یافاطمَهُ»، سپس طرف راست صورت خود را به زمین گذاشتم و صد مرتبه گفتمن: «یافاطمَهُ»
سپس طرف چپ صورت را به زمین گذاشتم صد بار گفتمن: «یافاطمَهُ»، سپس سر به سجده
گذاشتمن و صد و ده بار گفتمن: «یافاطمَهُ» و بعد از آن دعا کردم و با خدا راز و نیاز نمودم. (مکارم
الاخلاق ص ۳۳۰).

روزی چشم بگشایی و کار از کار گذشته باشد و فرصت تو به پایان رسیده باشد! مبادا دیر شود و تو آن قدر در غفلت بمانی که تنها توشهات، حسرت و پشیمانی باشد!

برخیز و تا فرصت داری با خدای مهربان خویش نجوا کن! فقر و بیچارگی خود را به او عرضه کن که بسی مهربان است و بخشنده! با خدای خویش سخن بگو! به او بگو که چقدر نیازمند او هستی! در خانه او بنشین و گداشی کن!

بانوی من!

من نمی‌دانم با خدای خود چگونه سخن بگویم، گرفتار غفلت شده‌ام. محبت دنیا، دلم را سیاه کرده است. شما در اوج پاکی و طهارت هستی، خدا به شما مقام عصمت داده است، اما من در سیاهی‌ها، غوطه‌ور شده‌ام! جهل و نادانی بیچاره‌ام کرده است، اگر من می‌دانستم و در وادی معرفت بودم که کارم به اینجا نمی‌رسید!

در سجده بودم، به پهنانی صورت اشک ریخته بودم، و چنین زمزمه می‌کردم: «یا فاطمه!»، می‌دانستم توسل به بانوی مهربانی، حتماً گره‌گشا است.

سر از سجده برداشتیم، بوی باران می‌آمد، پنجره مرا به سوی خود فرا می‌خواند، برخاستم، زیر باران رفتیم، من چقدر دوست دارم زیر باران خیس

شوم و مهربانی خدا را حس کنم.

به داخل اتاق آمدم، کنار بخاری ایستادم، نگاهم به قفسه کتاب خیره ماند،
ناخودآگاه به سمت جلد ۸۳ کتاب «بحار الانوار» رفتم، آن را برداشتیم، کتاب
را گشودم و چنین دیدم: «این دعاها را حضرت فاطمه^{علیها السلام} بعد از نمازهای
خود می‌خواند».

دققت کردم، دیدم در آنجا پنج دعا نوشته شده است، آن حضرت برای هر
کدام از نمازهای ظهر، عصر، مغرب، عشا و صبح، دعای جداگانه‌ای
داشته‌اند.

مقداری از آن دعاها را خواندم، روح سرگشته من، آرام و آرام‌تر شد، من به
اقیانوسی از آرامش رسیده بودم! چه معانی بلندی در این کلمات نهفته بود،
به راستی که این دعاها، قطعه‌ای از آسمان بود که آن را در روی زمین یافته
بودم، من گمشده خویش را در این دعاها پیدا کرده بودم.

هر سطری از آن را که می‌خواندم، بیشتر تعجب می‌کردم، بیش از سی
سال بود که در حوزه علمیه بودم و در این مدت به تحصیل، تدریس و
تألیف پرداخته بودم، پس چرا این دعاها را تا به حال نشنیده بودم؟ چرا از
این گوهرهای ارزشمند بی‌خبر بودم؟

* * *

باید قلم در دست گیرم و از این دعاها بنویسم، این نوشتمن در واقع باید
برای دل خودم باشد، برای کمال و رشد خودم باید بنویسم، باید عهد کنم
که این دعاها را از یاد نبرم، باید مسیر زندگی خود را بر اساس این دعاها

ترسیم کنم.

اگر حضرت فاطمهؓ را دوست دارم، باید تمام تلاش خود را به کار گیرم
تا پیامهای مهمی را که آن حضرت در این دعاها بیان کرده‌اند به جامعه
برسانم. پیامهای آسمانی آن حضرت را باید از غربت بیرون آورم.

این درد بزرگی است که جامعه ما از این پیامها بی‌خبر مانده است! چرا
جوانان ما با افکار بلند حضرت فاطمهؓ بیگانه‌اند؟ چرا مناجات‌های
افرادی که از خطابه دور نیستند را می‌شناسند و آن را حفظ می‌کنند، اما این
دعاهای حضرت فاطمهؓ را یک‌بار هم نخوانده‌اند؟

چرا راه دوری می‌روم؟ چرا دنبال متهم می‌گردم! من خودم نیز متهم
هستم!

من بر خطای خود اعتراف می‌کنم و می‌خواهم جبران گذشته‌ها را بنمایم،
شکر خدا هنوز فرصت دارم، پس قلم را در دست می‌گیرم و این را آغاز
می‌کنم.

اگر خدا به من توفیق دهد و این کتاب را به پایان ببرم، وظیفه خود را انجام
داده‌ام، من ابزاری به غیر از قلم ندارم، آن وقت نوبت دوستان من است که
این راه را ادامه بدهند و با تلاش آنان، کاری خواهیم کرد کارستان!

دعای بعد از

نماز ظهر

□ ترجمه دعا

خدایا! تو را تسپیح می‌کنم، تو آن خدایی هستی که پاک و منزه هستی! تو خدای یکتا هستی و هیچ همتایی نداری، تو هیچ کدام از ویژگی‌ها و صفات مخلوقات خود را نداری.

من نباید تو را به چیزی تشبیه کنم و همهٔ صفات و ویژگی‌هایی را که در بین مخلوقات می‌بینم، باید از تو دور بدانم.

وقتی من به تو فکر می‌کنم، اوّل باید از عمق وجودم اعتراف کنم که تو بالاتر از هر چیزی هستی که به ذهن من می‌آید.

اگر برای تو جسم فرض کنم، اگر برای تو، مکان و زمان فرض کنم، این خدایی است که من در ذهن خود ساخته‌ام. تو خدای یگانه‌ای، تو بودی که زمان و مکان را آفریدی، تو بالاتر از آن هستی که به زمان یا مکان وصف

شوی. همهٔ ویژگی‌هایی که من در آفریده‌ها می‌بینم، برای تو عیب و نقص حساب می‌شود، تو از هر عیب و نقصی پاک و منزه هستی! تو به هیچ کس ظلم نمی‌کنی. جاهم نیستی، ناتوان نیستی، هرگز از بین نمی‌روی!

تو از هر عیبی به دور هستی، صاحب عزت و شکوه هستی، تو همیشه بر جهان، قدرت داری، همه‌کاره این جهان تو هستی!

خدایا! من تو را حمد و ستایش می‌کنم، تو بودی که به من نعمت علم و آگاهی دادی، تو توفیق دادی تا کارهای نیک انجام دهم، دل مرا مشتاق خود قرار دادی. از تو ممنونم که مرا تسليم قرآن قرار دادی تا دستورات تو را که در آن کتاب آسمانی آمده است، اطاعت کنم، ممنون تو هستم که مرا به دین خود هدایت کردی و نور ایمان را در دل من قرار دادی و مرا از کفر و شرک نجات دادی!

اکنون که در حق من لطف کرده‌ای و این خوبی‌ها را به من داده‌ای، من به لطف تو محتاج‌ترم، پس لطف خودت را در حق من کامل کن! من از تو می‌خواهم که مناجات کسانی که زیاد توبه می‌کنند را به من عطاکنی تا من هم همانند آنان از گناهانم توبه کنم، آنان چگونه به درگاه تو رو می‌کنند، اشک می‌ریزند، با چه سخنانی تو را راضی می‌کنند، به من توفیق بده همانند آنان به درگاه تو زاری کنم و مثل آنان از تو عذرخواهی کنم، توبه‌کنندگان واقعی بعد از توبه به عمل رو می‌آورند و گذشته خود را جبران می‌کنند، به من هم توفیق جبران گذشته را عنایت کن!

خدایا! کسانی که در راه تو تلاش می‌کنند به نجات و رستگاری می‌رسند،

مرا هم مانند آنان به نجات و رستگاری برسان و ثواب آنان را به من عطا کن!

خدایا! مؤمنان به وعده‌های تو باور دارند و فقط به تو توکل می‌کنند، از تو می‌خواهم کاری کنی که همانند آنان وعده‌های تو را باور کنم و به تو توکل کنم، آری، هر کس که به تو توکل کند او را یاری می‌کنی.

خدایا! از تو راحتی در هنگام مرگ و آرامش در هنگام حسابرسی روز قیامت را می‌خواهم!

عده زیادی از مرگ می‌ترسند، آنان مرگ را پایان خود می‌دانند، ولی من از تو می‌خواهم مرا منتظر مرگ قرار بدهی! وقتی یکی از عزیزان من به سفر برود، من چشم انتظار آمدن او هستم، هر لحظه با خود می‌گوییم: او کی از سفر باز می‌گردد؟ خدایا! تو کاری کن که این گونه، چشم انتظار مرگ باشم.

* * *

□ شرح دعا

لحظه‌ای درنگ می‌کنم و به این جمله فکر می‌نمایم:

«وَاجْعَلِ الْمُوْتَ خَيْرًا لِّغَائِبٍ أَنْتَظِرْهُ».

«خدایا! از تو می‌خواهم مرا منتظر مرگ قرار بدهی آن‌گونه که در انتظار آمدن بهترین عزیزانم هستم!»

به راستی فاطمه^{علیها السلام} دنیا و مرگ را چگونه می‌بیند؟ من که مثل بقیه مردم در جستجوی دنیای بیشتر هستم، فکر می‌کنم با ثروت بیشتر به آرامش می‌رسم، اما زهی خیال باطل! دنیا به هیچ کس آرامش نداده است، دنیا

(این عروسِ هزار داماد) دل‌ها را می‌فریبد و به هبیج کس وفا نمی‌کند، وقتی
به آن می‌رسم، از من جدا می‌شود، و مرا رها می‌کند و با دلی پر از حسرت،
تنها می‌مانم!

حضرت فاطمه^{علیها السلام} می‌خواهد من اهل معرفت شوم، خودم و دنیا را
بشناسم، اگر بفهمم مسافری هستم که باید به وطن خود بازگردم، دیگر
اسیر دنیا نمی‌شوم.

کدام وطن؟ وطن من کجاست؟

باید بدانم که خدا روح مرا ابتدا در عالم ملکوت آفرید، سپس روح مرا به
این دنیایِ خاکی آورد، عالم ملکوت بسیار بالاتر و برتر از این دنیای خاکی
است، این دنیای خاکی پستترین جایگاه است، ولی چرا خدا، روح انسان را
در این جسم مادی قرار داد؟ چرا انسان را به این دنیای خاکی آورد؟ علت
این کار خدا چه بود؟

خدا روح انسان‌ها را در ملکوت آفرید، روح در آنجا قدرتی عجیب و
استعدادی شگرف داشت، خدا می‌دانست که اگر روح انسان‌ها در ملکوت
بماند، دچار غرور می‌گردد و این غرور سبب می‌شود تا انسان‌ها از کمال و
سعادت فاصله بگیرند.

در عالم ملکوت، هیچ محدودیتی وجود نداشت، هر چه روح انسان
می‌خواست برای او آمده بود، آن دنیا، دنیایی برتر بود و زمینه سختی‌ها و
بالها در آنجا وجود نداشت.

خدا انسان را به این دنیای مادی آورد، دنیایی که در آن، انسان با

محدودیت‌ها و مشکلات رویرو می‌شود، در این دنیا زمینهٔ پختگی انسان فراهم می‌شود.

در این دنیا، انسان به گرسنگی، تشنگی، فقر و بیماری مبتلا می‌شود، این سختی‌ها، درمان غرور روح انسان است. انسانی که در دنیای ملکوت، پادشاهی می‌کرد، در این دنیا برای سیر کردن شکم خویش، باید کار کند، زحمت بکشد و... همهٔ این‌ها باعث می‌شود تا غرور او درمان شود. این‌گونه بود که روح انسان اسیر این دنیای خاکی شد. این برنامه‌ای است که خدا برای سعادت روح انسان قرار داده است. این راز بزرگ زندگی دنیا است. وقتی به این شناخت برسم، دیگر می‌فهمم که برای راحتی و آسایش به این دنیا نیامده‌ام، من به اینجا آمده‌ام تا دردم درمان شود و بار دیگر به ملکوت بازگردم.^۲

وقتی دانستم که روح من از جنس ملکوت است، درد جدایی از عالم ملکوت را حس می‌کنم، می‌فهمم از اصل خویش دور افتاده‌ام، آن وقت در انتظار مرگ می‌نشینم و مرگ را زیبا می‌بینم، زیرا این مرگ است که مرا به وطن اصلی‌ام باز می‌گرداند، دل من از همهٔ این دنیای خاکی بالاتر و بزرگ‌تر است، من اینجایی نیستم، وقتی آسمانی بشوم، آرام می‌شوم.



□ ترجمهٔ دعا

خدایا! وقتی مرگ من فرا می‌رسد، وقتی که می‌خواهم از این دنیا بروم، آن ساعتی که دیگر هیچ‌چیز به من نفعی نمی‌رساند، رحمت خودت را روزی‌ام کن و رضایت خود را به من ارزانی دار!

خدایا! قبل از آن که جانم را بگیری، بشارتی از بزرگواری خودت به من برسان، من منتظر آن مژده‌ای هستم که فقط تو بر آن توانایی و قلب مرا آرام می‌کند و جانم را خشنود می‌سازد و چهره‌ام را نورانی می‌کند. مگر آن مژده تو چه می‌کند؟ به من در آن لحظه آرامش می‌دهد و هر کس که مرا می‌بیند به حالم غبطه می‌خورد، سختی جان دادن را بر من آسان می‌کند و مرا از خیر و برکت مرگ بپرهمند می‌سازد.

خدایا! وقتی که جانم گرفته شد، پس روح مرا همراه و همدم ارواح پاک

قرار بده، مرا با بندگان خوبت همراه کن و اعمال مرا قبول کن!
خدایا! وقتی تنهای تنها در قبر قرار گیرم امیدم به رحمت توست، آن
هنگام که در قبر توانایی هیچ کاری را نداشته باشم و مردم مرا به حال خود
رها کرده باشند، نیاز به بزرگواری تو دارم.

* * *

□ شرح دعا

لحظه‌ای به فکر فرو می‌روم:
«وَبُشِّرَى مِنْ كَرَامَتِكَ قَبْلَ أَنْ تَتَوَفَّ فِي نَفْسِي».
«خدایا! قبل از آن که جانم را بگیری، بشارتی از بزرگواری خودت به من
برسان».«

فاطمه از کدام بشارت سخن می‌گوید؟
آیات آخر سوره فجر را به یاد می‌آورم:
﴿يَا أَيُّهَا النَّفُسُ الْمُطْمَئِنَةُ...﴾.

خدا در لحظه جان دادن مؤمن به او چنین می‌گوید: «ای روح آرام یافته و
طمئن! در حالی که تو از لطف من خشنودی، من هم از تو خشنودم، به
سوی ثواب و پاداشی که برای تو آماده کرده‌ام، باز آی! به جمع بندگان خوب
من در آی! و به بهشت من داخل شو!».

چقدر این سخن آرامش‌بخش و زیباست! لطف و صفا و آرامش از این
سخن می‌بارد، خدا از بنده‌اش دعوت می‌کند تا به بهشتی که نهرهای آب از
زیر درختان آن، جاری است وارد شود، خدا بهشت و دیدارش را برای او

آماده کرده است و از او راضی و خشنود است و این بالاترین نعمت است،
مؤمن نیز از لطف و کرم خدا، غرق خوشحالی است، چه لذتی از این بالاتر و
بهتر!

اکنون ماجرای «سُدیر» را نقل می‌کنم: او یکی از یاران امام صادق علیه السلام بود،
روزی نزد آن حضرت رفت و چنین گفت:

— آقای من! آیا مؤمن، مرگ را بد می‌داند؟

— ای سُدیر! به خدا قسم مؤمن مرگ را بسیار دوست دارد.

— آقای من! چگونه می‌شود که مؤمن از مرگ نمی‌هراسد؟ در آن لحظه
چه اتفاقی روی می‌دهد؟

— ای سدیر! خدا فرمان می‌دهد تا یکی از فرشتگان از طرف خدا پیامی را
به مؤمن برسانند. پیام خدا همان آیات آخر سوره فجر است: «ای روح
آرام یافته! به سوی ثواب و پاداشی که برای تو آماده کرده‌ام، باز آی!...».

— آیا مؤمن این صدا را می‌شنود؟

— آری. خدا از مؤمن دعوت می‌کند تا در بهشت وارد شود و همنشین
خوبان شود، اینجاست که مؤمن، مرگ را در کام خود شیرین می‌یابد و
عاشق مرگ می‌شود.^۳

آن روز سُدیر به فکر فرو رفت، او دانست که وقتی آن بشارت به گوش
مؤمن برسد، دیگر هیچ‌چیز بهتر و لذت‌بخش‌تر از جان دادن نیست!



□ ترجمهٰ دعا

خدایا! مرا با نور ایمان در زندگی دنیا و آخرت ثابت‌قدم گردان، مرا به حال خود رها نکن که به تو ایمان دارم. تو ستم‌کاران را به حال خود رها می‌کنی و بر هر کاری توانا هستی!

خدایا! از تو می‌خواهم وقتی قیامت برپا شود و برای حسابرسی سر از قبر بردارم، آن روز را براب من مبارک گردانی، همان روزی که تو فرمان می‌دهی و اسرافیل در صور خود می‌دمد و همه زنده می‌شوند و ترس و هراس، آنان را فرا می‌گیرد، پس رحمت را بر من ارزانی دار! در روز قیامت، تاریکی همه جا را فرا می‌گیرد، پس نوری از رحمت خود به من عطا کن تا مسیر مرا روشن سازد و باعث آرامش من شود و مرا به بهشت تو رهنمون سازد.

خدایا! مرا در بالاترین مرتبه بهشت جای بده و مرا همنشین محمد ﷺ که

(بنده و فرستاده توست) قرار بده! مرا با کسانی که نعمت را بر آنان ارزانی نموده‌ای همنشین ساز، آنان همان پیامبران، صدیقان و شهدا و نیکوکاران هستند و به راستی که بهترین دوستانند!

خدایا! بر محمد که آخرین پیامبران توست، درود و صلوات بفرست، بر همه پیامبران و همه فرشتگان درود بفرست، خدایا! بر خاندان پاک محمد و امامان هدایتگر درود بفرست که تو پروردگار جهانیان هستی!

خدایا! تو ما به وسیله محمد ﷺ هدایت کردی، به خاطر او بر ما مهربانی کردی، تو ما را با او گرامی داشتی و برتری دادی و شرافت بخشیدی و یاری کردی و از هلاکت نجات دادی، پس از تو می‌خواهم که بر او درود و صلوات بفرستی!

خدایا! از تو می‌خواهم تا مقام پیامبر را بالاتر ببری، نور او را کامل‌تر کنی، پیروان دین او را زیادتر گردانی و بر شکوه دین او بیفزایی و نعمت خود را بر او بیشتر گردانی تا آنجا که او خشنود گردد، برترین مقام در بهشت به او عطا کنی و «مقام شایسته» که همان مقام شفاعت است را به او عنایت کنی! خدایا! ما را از پیروان راه پیامبر قرار بده، در روز قیامت، از حوض کوثر او سیراب گردان و در گروه او محشور کن!

خدایا! ما را بر دین او بمیران! به ما توفیق بده تا به دستورات او عمل کنیم و در این راه شک نکنیم.

تو کسی هستی که در خانه‌ات را به روی کسانی که تو را می‌خوانند، باز گذاشته‌ای! ای خدایی که هر کسی که به تو امید دارد، یاری می‌کنی! ای

کسی که گناهان بندگانست را می‌پوشنانی! تو دلی را که غمگین و افسرده شده است شفا می‌دهی و آن را شاد می‌کنی! از تو می‌خواهم که در روز قیامت، آبروی مرا به خاطر گناهانم، نریزی و در آن روز، مهربانی خودت را از من دریغ مکن!

ای کسی که امید و آرزوی هر درمانده و بیچاره‌ای هستی! ای کسی که می‌توانی گناهان و خطاهای مرا به لطف خودت جبران کنی، از تو می‌خواهم خطاهای مرا ببخشی! قلب مرا از سیاهی‌های گناهان پاک کنی! خدایا! از تو می‌خواهم به من آمادگی نیکو برای بلاها عطا کنی که تو از همه بزرگوارتر هستی و آرزومندان را به آرزویشان می‌رسانی!

* * *

□ شرح دعا

با خودم می‌گوییم چرا فاطمه^{علیها السلام} این خواسته را از خدا دارد:
 «وَارْزُقْنِي حُسْنَ الِاسْتِعْدَادِ لِتُرْوِلِ الْبَلَايَا».
 «به من آمادگی نیکو برای بلاها عطا کن!».

من که از بلاها می‌ترسم، چقدر من با این تفکر بیگانه‌ام؟ من ادعا می‌کنم پیرو فاطمه^{علیها السلام} هستم، اما چقدر با اندیشه‌های او، فاصله دارم؟ من کجا ایستاده‌ام؟ چگونه زندگی می‌کنم؟ حس شرمندگی مرا فرا گرفته است!

وقت آن است که چشم‌هایم را بشویم، طور دیگر نگاه کنم، من به این دنیا آمده‌ام تا به سوی کمال بروم، دل انسان از همه جهان هستی بزرگ‌تر است، اما این دل، شیفتۀ دنیا می‌شود، من به این دنیا آمده‌ام تا حرکت کنم،

من مسافر هستم، دنیا منزل و مقصد من نیست، باید چند روزی در اینجا
بمانم، توشه‌ای برگیرم و بروم.

با کسی که عاشق دنیا شده است، چه باید کرد؟ چگونه باید او را از خماری
دنیاطلبی نجات داد؟

جواب این سؤال یک کلمه بیشتر نیست:
«بلا».

بلا، همچون تازیانه‌ای است که بر روح انسان می‌خورد و او را از خواب
غفلت بیدار می‌کند، خدا از روی مهربانی، بت‌های انسان را می‌شکند،
لیلی‌ها را از او می‌گیرد تا انسان به راه بیفتد، حرکت خود را فراموش نکند،
این بلاها و رنج‌ها، برای بیدار کردن انسان است!

انسان آمده است که برود، نیامده است که در این دنیا بماند، بلا که از راه
می‌رسد، دل انسان از دنیا جدا می‌شود، شتاب رفتن می‌گیرد.

وقتی پدری فرزندش را دوست دارد با دقّت برنامهٔ واکسن زدن کودکش را
پیگیری می‌کند، او حواسش را جمع می‌کند، مبادا وقت واکسن زدن کودکش
بگذرد. واکسن درد دارد، اما پدر خودش کودکش را به درمانگاه می‌برد تا به
او واکسن بزنند.

کودک وقتی این رفتار پدر را می‌بیند، گریه می‌کند، انتظار ندارد که پدر با او
این‌گونه رفتار کند. او پیش خود می‌گوید: «پس مهربانی پدرم کجا رفت». وقتی کودک بزرگ شد می‌فهمد که آن واکسن زدن، نشانهٔ مهربانی پدر بود.
خدا می‌داند که دل من اسیر دنیا می‌شود، من برای خود بت می‌سازم و

مشغول آن می‌شوم، خدا بلایی را می‌فرستد تا من بیدار شوم و من ناراحت می‌شوم و صبر خود را از دست می‌دهم و می‌گوییم: «پس مهربانی خدا کجاست؟».

هنگام بلا به خدا اعتراض می‌کنم، در حالی‌که خدا به خاطر این که مرا دوست داشت به بلا مبتلایم کرد، من خیال می‌کرم به این دنیا آمدہام تا در آسایش زندگی کنم و در رفاه باشم، دنیا مرا به خود مشغول کرده بود. وقتی من دلباخته دنیا شدم چگونه باید درمان شوم؟ من چگونه باید به راه برگردم؟

من اسیر دنیا شده بودم، پول، ریاست، قدرت و شهرت دنیا، آرزوی من شده بود. این عشق به خاک و خاکی‌ها، بیماری من بود.

خدا مرا دوست داشت، ناگهان کاخ آرزوهایم را خراب کرد و بلا را برایم فرستاد و ناله من بلند شد که مهربانی خدا کجاست؟

من در فکر ساختن این دنیا بودم و خدا در فکر ساختنِ من! او بزم مرا به هم زد و بت آرزویم را شکست، شاید من برخیزم و بیدار شوم. او با دست‌های مهربانش، آرزوهای مرا خراب کرد تا آباد شوم، او بت‌های مرا شکست تا من بزرگ شوم.

وقتی بلا فرا می‌رسد، گاه من این بلا را نشانه خشم و ستم خدا می‌دانم و اینجاست که دیگر هیچ انسی با خدا نخواهم داشت، گاه من آن بلا را نشانه مهربانی او می‌دانم و بلا را تازیانه راه می‌یابم، اینجاست که به زندگی به گونه‌ای دیگر می‌نگرم، با خدا انس می‌گیرم و از کار او خشنودم، می‌دانم او

با بلا مرا از خطر بزرگی نجات داد، او مرا از عشق به دنیا جدا نمود و مرا متوجه راه نمود، من به اینجا آمدہام که توشه برگیرم، نیامدهام که بت بسازم و به آن دلخوش گردم، دیر یا زود، مرگ من فرا می‌رسد، فرصت من محدود است، من باید از خواب غفلت و خماری عشق دنیا بیدار می‌شدم، این بلا بود که مرا هشیار کرد و مستی دنیا را از من گرفت.

به راستی من در این دنیا به دنبال چه هستم؟
خوشی و راحتی.

من به این دنیا آمدہام تا پخته شوم، بلا و سختی ببینم و از عیب‌ها و نقص‌ها پاک شوم، من مسافری هستم، آمدہام بروم، هیچ چیز در دنیا ثابت نمی‌ماند، بهار می‌آید و می‌رود، پاییز هم می‌آید و می‌رود، بنای دنیا بر اساس تغییر است، من هم در حرکت هستم، این‌ها با خوشی و راحتی نمی‌سازد.

وقتی من خودم را شناختم، راهم را شناختم، به استعداد خود ایمان آوردم، سختی‌ها و بلاها را هدیه‌ای می‌دانم که مرا از خودم و از دنیای خودم جدا می‌کند و نقص‌ها و عیب‌های مرا به من نشان می‌دهد، هر بلایی که سراغم می‌آید، ضعفی را برایم آشکار می‌کند و زمینه رهایی از اسارت‌ها و دل‌بستگی‌ها می‌گردد و مرغ روح مرا آزاد می‌کند.

این‌گونه است که انسان در بلاها فقط صبر نمی‌کند، بلکه به مرحله‌ای بالاتر می‌رود، او شکرگزار می‌گردد، در اوج بلاها، زبان به شکر خدا باز می‌کند، زیرا او بلا را نعمت می‌بیند، چه چیز بهتر از نعمت رهایی!



□ ترجمه دعا

خدايا! تو مولاى من هستى، تو بودى که به من توفيق دادى و اجازه دادى
با تو سخن بگويم، پس دعایم را مستجاب کن و با رحمت خود مرا از آتش
عذابت نجات بده و در بهشت ساکن گردان!

خدايا! کمکم کن تا به «عروة الوثقى» که همان رسیمان محکم توست
چنگ بزنم، از تو می خواهم عاقبت مرا ختم به خیر کنى و تا زمانی که
زندام را از فتنهها حفظ کنى، ای خدايی که همه خوبیها از توست، عزت
و شکوه از آن توست، به من لطف کن تا هرگز کاری نکنم که دشمنان و
حسودان، مرا شماتت کنند، خدايا! اجازه نده که حاکمان کینه توز و شیطان بر
من مسلط شوند، من به رحمت تو امید دارم ای کسی که از همه مهربان تر
هستى!

باور دارم که هر تغییری در این جهان با اجازه توست، هر قدرتی که می‌بینم از تو قدرت گرفته است، تو خدای بلند مرتبه هستی، از تو می‌خواهم تا بر محمد و آل محمد، سلام و درود فراوان بفرستی!

* * *

□ شرح دعا

فاطمه^{علیها السلام} در این دعا از خدا چنین می‌خواهد:
 «وَاجْعَلْنِي مُسْتَمْسِكًا بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى».

«خدایا! کمک کن تا به «عُرْوَةُ الْوُثْقَى» که همان ریسمان محکم توست چنگ بزنم».

در واقع آن حضرت به آیه ۲۵۶ سوره بقره اشاره می‌کند:
 «فَمَنْ يَكْفُرُ بِالظَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى...».
 «هر کس به طاغوت کافر شود و به تو ایمان آورد، به دستاویزی استوار که گسستنی نیست، چنگ زده است».

پیام این آیه برای من چیست؟ فاطمه^{علیها السلام} می‌خواهد چه درسی در اینجا به من بدهد؟

طاغوت، هر کس یا هرچیزی است که باعث گمراهی انسان‌ها می‌شود، شیطان، بُت‌ها، ستمگران و رهبران دروغین همهٔ این‌ها طاغوت هستند و من اوّل باید دل از آنان برکنم، باید از آن‌ها جدا شوم، تا بتوانم به خدا برسم، این تنها راه رسیدن به خداست، باید از طاغوت بیزاری بجویم.

اگر در دره‌ای عمیق و هولناک گرفتار شوم و بخواهم نجات پیدا کنم، باید

به دستاویز محکمی چنگ بزنم، دستاویزی که هرگز گسسته نشود، باید
طناب محکمی پیدا کنم.

اگر این طناب محکم نباشد ممکن است مرا تا مقداری از قعر درّه بالا آورد،
اما در میانه راه پاره شود و به درّه سقوط کنم.

عشق به این دنیا و جلوه‌های آن، همانند درّه‌ای عمیق است، اگر من
بخواهم از قعر این درّه به قله سعادت و رستگاری برسم، باید از هرچه مرا از
یاد خدا غافل می‌کند، جدا شوم و به خدا ایمان بیاورم.

اگر قلب خود را از محبت طاغوت‌های زمان خود خالی کنم و ایمان آورم،
خدا نجاتم می‌دهد. بدون کمک خدا نمی‌توانم نجات پیدا کنم، نیاز به
سرپرستی دارم که مرا راهنمایی کند.

حجت خدا در هر زمانی، همان «عروة الوثقى» است، ریسمان محکم خدا
که هر کس به آن چنگ زند، نجات پیدا می‌کند. امروز اگر ایمان واقعی
داشته باشم و پیرو مهدی ﷺ باشم خدا مرا یاری می‌کند و از تاریکی‌ها به
سوی نور می‌برد، لحظه به لحظه مرا از نالمیدی و اضطراب به سوی امید و
آرامش می‌برد، نور ایمان در قلب من زیاد و زیادتر می‌شود.^۴

از طرف دیگر، کسانی که به خدا ایمان ندارند و از طاغوت‌ها پیروی
می‌کنند، لحظه به لحظه از آرامش دور می‌شوند، شیطان و رهبان گمراه،
آنان را به سوی تاریکی‌ها می‌برند. کسی که پیرو طاغوت‌ها شد، سرانجام
گرفتار عذاب دوزخ خواهد شد، عذابی که هرگز پایانی ندارد.

دعای بعد از
نماز عصر

□ ترجمه دعا

خدایا! تو را تسپیح می‌گوییم، تو آن خدایی هستی که پاک و منزه هستی! از همه نقص‌ها به دوری! تو دانایی! جهل و نادانی در وجود تو راه ندارد، به آنچه در دل‌های بندگانت می‌گذرد، آگاهی داری، تو از گناهان بندگان باخبری، هیچ چیز در آسمان و زمین بر تو پوشیده نیست.

من تو را حمد و ستایش می‌کنم، ممنون تو هستم که به من توفیق دادی نعمت‌هایت را شکر کنم و مرا از کفران نعمت‌ها دور کردی، تو بودی که معرفت خودت را به من دادی و من به خاطر آن، خوبی‌های تو را انکار نکردم، همه خیرها و برکتها از توسّت، تو سرچشمه خیرها و برکتها هستی!

تو انسان‌ها را آفریدی، راه رستگاری را به آنان نشان دادی، حق بر همه

آشکار شد، اگر به بندگانت مهربانی کنی، از جود و بخشش توست، اگر آنان را مجازات کنی به خاطر گناهان خود آنان است، تو خدایی هستی که هرگز به کسی ظلم نمی‌کنی!

تو را ستایش می‌کنم که بلندمرتبه هستی و قدرت و پادشاهی تو بر جهان، پایدار است، تو همه کاره جهان هستی و پایه‌های قدرت تو استوار است و هرگز سست نمی‌شود، تو بخشنده و مهربانی! به بندگان خودت نعمت‌های فراوان می‌دهی!

حمد و ستایش مخصوص توست، تو آن خدایی هستی که هیچ‌کس نمی‌تواند حقیقت تو را درک کنده، چشم‌ها نمی‌توانند تو را ببینند، زبان‌ها از وصف تو ناتوانند، با قدرت خیال هم نمی‌توان تو را به تصور کشید زیرا قدرت و پادشاهی تو بالاتر و برتر از هر قدرتی است.

* * *

□ شرح دعا

این سخن فاطمه^{علیها السلام} درس خداشناسی به من می‌دهد:

«فَلَمْ تُدْرِكْهُ الْأَبْصَارُ».

«خدا را نمی‌توان با چشم دید».

به راستی من چگونه خدایی را که نمی‌بینم، پرستش کنم؟ نمی‌شود من برای خدایی نماز بخوانم که او را نمی‌بینم!

خدای من بالاتر و والاتر از این است که با چشم دیده شود، خدا از دیده‌ها پنهان است، هیچ‌کس نمی‌تواند او را ببیند و حقیقت او را بفهمد. اگر خدا را می‌شد با چشم دید، دیگر او خدا نبود، بلکه یک آفریده بود. عذّه‌ای،

بت‌هایی را به جای خدا قرار داده‌اند، بت فقط، یک قطعه سنگی که تراشیده شده باشد، نیست! گاه صورت زیبا، خانه‌گران قیمت، پست و مقام، شهرت... بت می‌شود، دیده‌ام که گاهی ثروت، نقش خدا را در زندگی بعضی‌ها بازی می‌کند، خدای قلب آن‌ها را می‌توان با چشم دید، ولی «الله» را هرگز نمی‌توان با چشم دید!

هر مخلوقی یک روزی نابود می‌شود، دیر یا زودش فرقی نمی‌کند، آن کس که شیفتۀ «لیلی» شده است، آیا پنجاه سال دیگر دوست دارد به صورت لیلی نگاه کند؟ یا این‌که صورت او پر از چین و چروک شده است، صد سال دیگر چه؟ از آن لیلی، فقط مشتی استخوان باقی مانده است! صورتی که «مجنون» دلباخته آن شده بود، اسکلتی شده است که همه از آن می‌ترسند!

وقتی دل انسان دلباخته چیزی می‌شود که پایان دارد، در آغاز، انسان خیلی خوشحال است، از این دلبستگی لذت می‌برد، آن چیز، بت او می‌شود و همه فضای قلب او را پر می‌کند، اما وقتی آن بت از بین می‌رود، دل آدمی هم از بین می‌رود! وقتی من با چشم خود می‌بینم که بت من نابود می‌شود، خودم هم نابود می‌شوم، آن روز می‌فهمم باید دلباخته کسی می‌شدم که هرگز پایانی نداشته باشد.

آری! بت‌هایی را که می‌توان دید، نابودشدنی است. من باید خدایی را بپرسیم که با چشم دیده نمی‌شود، باید افتخار کنم که فقط خدای پنهان را می‌پرسیم، خدایی که هرگز دیده نمی‌شود، زیرا او هرگز نابود نمی‌شود، او همیشه بوده و خواهد بود.

* * *

فاطمه علیها السلام در این دعا، چنین می‌گوید:

«لَمْ يَتَوَهَّمْهُ أَعْبِتَارٌ».

«خدا را نمی‌توان با خیال تصوّر کرد».

آری، آن خدایی که فاطمه علیها السلام آن را می‌پرسید، خدایی است که نمی‌توان با عقل بشری، او را درک کرد، شاید من در ذهن خود تصوّری از خدا داشته باشم، ولی خدا غیر از آن چیزی است که در ذهن من است!
خدا به هیچ‌چیز شبیه نیست، من نباید در ذهن خود، خدا را به چیزی تشبیه کنم، عقل بشر نمی‌تواند به ذات خدا پی‌برد. هر تصوّری را که از حقیقت خدا در ذهن خود ساخته‌ام، حقیقتِ خدا، غیر از آن است! خدا چیزی است که حدّ و اندازه‌ای ندارد و نمی‌توان با عقل آن را درک نمود.^۵

خدا بالاتر و والاتر از این است که به تصوّر ذهن انسان در آید. من فقط می‌توانم او را با صفاتی که خودش در قرآن گفته است، بشناسم، من می‌دانم که خدا بخشنده و مهربان است، شنونده و بیناست، از همه چیز باخبر است، همیشه بوده و خواهد بود، پایان ندارد همان‌گونه که آغاز نداشته است.... .
من این صفات خدا را در قرآن می‌خوانم و نسبت به خدای خود شناخت پیدا می‌کنم، همه این‌ها که گفتم صفات خداست، اما ذات خدا چگونه است؟ این را هرگز نمی‌توانم بفهمم، هر چه که در ذهن خودم برای ذات خدا تصوّر کنم، باید بدانم که خدا غیر از آن است!



□ ترجمه دعا

خدایا! تو از حال و روز من، باخبری، سخنم را می‌شنوی، می‌دانی چه حاجتی دارم، راز دل مرا می‌دانی، من نیازمند تو هستم، حاجت خود را از تو می‌خواهم، به تو التماس می‌کنم، من فقیر و نیازمند درگاه تو هستم، بنده‌ای خطاکارم و تو خدای بخشندۀ و مهربان هستی!

خدایا! من غیر از تو، خدایی نمی‌شناسم که از او بخواهم گناهم را ببخشد، تو از عذاب کردن من، بی‌نیاز هستی و من به مهربانی تو نیازمندم! من به تو نیازمندم و تو از من بی‌نیازی! تو بر من قدرت داری و من در مقابل تو ناتوانم! من تو را به فقری که به تو دارم و به بی‌نیازی که تو به من داری، می‌خوانم، من تو را به قدرتی که به من داری و ناتوانی که من دارم می‌خوانم، پس دعایم را اجابت کن و رحمت خود را بر من نازل کن!

خدایا! آنچه از سختی‌ها مرا به هراس آورده است، تو آن را برایم آسان کن،
هر کاری که من در انجامش ناتوانم، به من قدرت انجامش را عطا کن، مرا
بر دشمنانم پیروز گردان، ای خدایی که از همه مهربان‌تر هستی! نگرانی و
غصه‌هایم را بر طرف کن و سختی‌ها را برایم آسان نما!

خدایا! از تو می‌خواهم تا خودبینی، ریا، تکبّر، ظلم‌کردن، حسد، ضعف،
شک، سستی، بیماری، شکست در برابر دشمن، مکر، نیرنگ را از من دور
کنی، خدایا! بلایی را (که در دین من باشد) از من دور کن و فساد را از گوش
و چشم و تمام اندامم دور کن و مرا به آنچه دوست می‌داری و تو را خشنود
می‌سازد موفق بدار!

خدایا، بر محمد و آل محمد درود بفرست و گناهان مرا ببخش، و
عیب‌های مرا از دیگران بپوشان، ترس مرا ایمنی ببخش و مصیبت‌های مرا
جبران فرمای! فقر مرا به بی‌نیازی تبدیل کن، لغزش‌های مرا ببخش، کارهای
مرا سر و سامان بده، همه امور زندگی مرا کفایت فرمای!

* * *

□ شرح دعا

اکنون به این جمله فکر می‌کنم:

«فَأَشْأَكَ بِقُقْرِي إِلَيْكَ».

«خدایا! من تو را به فقری که به تو دارم می‌خوانم».

چقدر این جمله زیباست، وقتی انسان فقیر و بیچاره می‌شود، در نگاه
دیگران، پست جلوه می‌کند، اما فقر در درگاه خدا به انسان آبرو می‌دهد و

انسان را عزیز می‌کند، هر کس بیشتر این نیاز را درک کند، پیش خدا آبروی بیشتری دارد.

تا قبل از این‌که با این دعا آشنا شوم، خیال می‌کردم که اگر بخواهم خدا جواب مرا بدهد، باید کارهای خوب خود را به درگاه خدا ببرم، مثلاً بگوییم: خدایا! من فلان کار خوب را انجام داده‌ام، از فلان بیچاره دستگیری کرده‌ام، پس به خاطر آن دعایم را مستحباب کن! ولی امروز فهمیدم که من باید فقر خود و بیچارگی خود را به درگاه خدا ببرم، باید از خدا بخواهم که به خاطر فقرم و بیچارگی‌ام به من رحم کند.

فاطمه^{علیها السلام} به ما یاد می‌دهد وقتی می‌خواهیم به در خانه خدا برویم، به نماز، روزه و اعمال خوب خود تکیه نکنیم، این اعمالی که من انجام داده‌ام، خیال می‌کنم قبول شده است، ولی من چه می‌دانم، اگر عملی با ریا همراه باشد، خدا آن عمل را دشمن می‌دارد، اگر عمل من بدون ریا باشد، چه بسا من دچار خودبینی بشوم و آن عمل را تباہ کنم.

آری، همه کارهای خوب من در خطر است، ولی فقر و بیچارگی من در چه خطری است؟ این جزئی از هویت من است، من در مقابل خدا، هیچ هستم، سراسر فقر و نداری هستم.

من همیشه خیال می‌کردم که فقر، بیچارگی و نداری است، اما امروز فهمیدم که فقر در درگاه خدا، یک سرمایه است! فاطمه^{علیها السلام} به من این‌گونه یاد می‌دهد که بهترین سرمایه‌ام را (که همان نیازمندی من به خداست) به درگاه خدا ببرم.



□ ترجمه دعا

خدايا! کارهايم را به تو واگذار کردهام، خود را در پناه تو قرار داده ام، به خود ستم کرده ام، برای همين خودم را به تو سپرده ام، از گناهانم می ترسم، به لطف تو اميد دارم، تو آن خدایی هستی که هیچ کس را ناالمید نمی کنی.

تو را به حق ابراهیم، موسی، عیسیٰ ﷺ می خوانم، تو را به حق محمد ﷺ که برگزیده توست می خوانم که از من روی برنگردان، بزرگواری کن و توبه مرا بپذیر، به اشک چشم من نگاه کن، به خاطر این اشکها به من رحم کن و خطای مرا ببخش و مغفرت خودت را به من عطا کن ای که از همه بر من مهریان تری!

خدايا! از کسی که بر من ستم روا می دارد انتقام بگیر، در مقابله با دشمن،

مرا یاری کن!

خدایا! مصیبت مرا در دینم قرار مده، و دنیا را مهمترین هدف من و نهایت
علم من قرار نده!

خدایا! دینم را که مهمترین سرمایه‌ام است را اصلاح کن! دنیایم را که راه
به دست آوردن معاشم است، اصلاح کن! آخرتم را که سرانجامم به سوی
آن است، اصلاح کن! زندگی مرا راهی برای دست آوردن همه خوبی‌ها قرار
بده! مرگم را راه راحتی از سختی‌ها قرار بده!

تو آن خدایی هستی که بخشنیدن و عفو را دوست داری، پس مرا ببخش و
عفو کن!

مرا تا آن زمان زنده بدار که می‌دانی زنده ماندنم، برایم خیر و برکت دارد،
مرگ مرا زمانی برسان که می‌دانی مرگ برایم نیکو و شایسته است.

از تو می‌خواهم کاری کنی که در آشکار و نهان از تو خشیت و ترس داشته
باشم! کاری کن که در غضب و خوشحالی از انصاف و عدالت خارج نشوم.
خدایا! در فقر و بی‌نیازی به من میانه روی در هزینه‌ها را عطا کن! از تو
نعمت همیشگی و شادمانی که هرگز به غم تبدیل نشود می‌خواهم.

خدایا! کاری کن تا به آن چه تو برایم تقدیر کرده‌ای، راضی باشم! از تو
می‌خواهم لذت دیدار خودت را به من ارزانی داری و مرا در کارهایم هدایت
کنی، از شرّ نفسم به تو پناه می‌برم!

* * *

□ شرح دعا

«أَسْأَلُكَ الرِّضَا بَعْدَ الْفَضَاءِ».

«خدايا! کاري کن تا به آن چه تو برایم تقدير کردهای، راضی باشم!».

به راستی «تقدير» چیست؟

خدا برای انسان‌ها، برنامه‌ریزی می‌کند، به این برنامه «تقدير» می‌گویند.
تقدير، همان سرنوشت هر انسان است که به آن «قضا و قدر» هم گفته
می‌شود.

این سخن پیامبر است: «هر کس به تقدير خدا ایمان نداشته باشد، خدا در
روز قیامت به او نظر رحمت نمی‌کند».^۶

به راستی، این سرنوشت (قضا و قدر) چیست؟ اگر خدا به ما اختیار داده
است و در انجام کارهای خود، اختیار داریم، پس دیگر سرنوشت (قضا و
قدر) چه معنایی دارد؟ اگر خدا زندگی ما را برنامه‌ریزی می‌کند، دیگر اختیار
ما چه معنایی دارد؟

یکی از یاران امام صادق علیه السلام درباره قضا و قدر از ایشان سؤال کرد، امام به
او فرمود:

– آیا می‌خواهی سرنوشت یا قضا و قدر را در چند جمله برایت بیان کنم؟

– آری. مولای من !

– وقتی روز قیامت فرا رسد و خدا مردم را برای حسابرسی جمع کند، از
قضا و قدر یا سرنوشت آن‌ها سؤال نمی‌کند، بلکه از اعمال آنان سؤال

می‌کند.

من باید در این جمله فکر کنم. منظور از این سخن چیست؟
خدا در روز قیامت هنگام حسابرسی از من سؤال می‌کند: «چرا دروغ گفتی؟
چرا تهمت زدی؟ چرا به دیگران ظلم کردی؟».

این سؤالات درستی است، زیرا خدا از کارهایی سؤال می‌کند که من انجام
داده‌ام، اما خدا هرگز در روز قیامت به من نمی‌گوید: «چرا مریض شدم؟
چرا عمر تو کوتاه بود؟ چرا در ایران به دنیا آمدی؟»، زیرا این‌ها چیزهایی
است که به سرنوشت (قضا و قدر) برمی‌گردد.

روشن است که منظور از مرگ و بیماری در اینجا، چیزی است که من
خودم باعث آن نبوده‌ام. اگر من خودم باعث بیماری یا مرگ خودم بشوم،
این دیگر تقدیر نیست، بلکه عمل خود من است. (کسی که خودکشی
می‌کند، خودش چنین اراده کرده است).

اکنون دانستم که زندگی من دو محدوده جداگانه دارد:
* محدوده اول: محدوده عمل.

در این محدوده همه کردارها و رفتارهای من جای می‌گیرد (نماز خواندن،
کمک به دیگران، روزه گرفتن، دروغ گفتن، غیبت کردن و...).
محدوده دوم: محدوده قضا و قدر.

در این محدوده سرنوشت من جای می‌گیرد (مدّت عمر من، بیماری و
سلامتی من، بالاهای سختی‌ها و...).

خدا در روز قیامت فقط و فقط درباره محدوده اول از من سؤال می‌کند،
زیرا من مسؤول کردار و رفتار خود هستم. خدا هرگز عمل مرا برنامه‌ریزی و
تقدیر نمی‌کند، این خود من هستم که با اختیار خود، عمل و کردار خود را
شکل می‌دهم.

ولی خدا به حکمت خویش، روزی عدّهای را کم و روزی عدّهای را زیاد
می‌کند، عدّهای در بیماری و سختی هستند و عدّهای هم در سلامتی.
عدّهای در جوانی از دنیا می‌روند و عدّهای دیگر در پیری، این‌ها از قضا و
قدَر است.^۷

حضرت فاطمه علیها السلام به ما یاد می‌دهد که به تقدیر خدا راضی و خشنود
باشیم و بدانیم خدا به حکمت خویش، جز خوبی برای ما تقدیر نمی‌کند.
کسی که با اندیشه فاطمه علیها السلام آشنا است دیگر امور زندگی خود و دیگران را
به «شانس» نسبت نمی‌دهد، نمی‌گوید: «دوستم چه شانس خوبی دارد»،
«من چقدر بدشانس هستم»، او این امور را تقدیر خدایی می‌بیند که جز
خوبی برای بندگانش نمی‌خواهد.



□ ترجمه دعا

خدايا! من با گناه بر خود ستم کرده‌ام، از تو می‌خواهم گناهانم را ببخشی
که کسی غیر از تو گناهان را نمی‌بخشد!

خدايا! قبل از آنکه بلا به سراغم بیاید، عافیت به من ارزانی دار، اگر بلایی
بر من نازل شد، صبر بر آن را به من بده، از تو می‌خواهم مرگ من، سفر به
سوی مهربانی تو باشد.

خدايا! تو و همه فرشتگان و هر کس در آسمان‌ها و زمین است را به
گواهی می‌گیرم که جز تو خدایی نیست. تو شریک و همتایی نداری!
شهادت می‌دهم که محمد ﷺ بند و فرستاده توست.

خدايا! من از تو حاجت‌های خود را می‌خواهم و به درگاه تو گدایی می‌کنم
که حمد و ستایش، مخصوص توست و معبدی جز تو وجود ندارد، تو

آسمان‌ها و زمین را آفریدی، تو قبل از وجود هر موجودی، بوده‌ای و همه
چیز را تو خلق کردی و بعد از آن‌که همه موجودات از بین می‌روند، تو باقی
خواهی بود.

خدایا! چشم امیدم به سوی رحمت توست، دست خود را به سوی کرم تو
دراز کرده‌ام، مرا ناامید مکن در حالی که به تو امید دارم!

خدایا! من از تو طلب بخشش می‌کنم، مرا عذاب نکن در حالی که من از تو
می‌خواهم مرا ببخشی! گناهانم را ببخش، چرا که تو به همه چیز من،
آگاهی، مرا عذاب مکن چرا که تو بر من قدرت داری! من تو را به رحمت و
مهربانی‌ات سوگند می‌دهم و از تو می‌خواهم مرا ببخشی، ای که از همه
کس بر من مهربان‌تری!

* * *

□ شرح دعا

«فَاعْفُ عَنِّي ... فَاعْفُ لِي».

حضرت فاطمه^{علیها السلام} از خدا «عفو» و «مغفرت» را می‌طلبد، در زبان فارسی
ما این دو واژه را «بخشیدن» معنا می‌کنیم، ولی میان آنها، تفاوتی وجود
دارد که با یک مثال، آن را بیان می‌کنم:

فرزندي هنگام بازی با توب، شیشه خانه را می‌شکند، او می‌ترسد و فرار
می‌کند. بعد از مدتی، او پشیمان می‌شود و به خانه بر می‌گردد و از پدرش
عذرخواهی می‌کند، پدر او را می‌بخشد، اما با شیشه شکسته چه باید کرد؟
فرزند از پدر می‌خواهد تا اثر اشتباه او را برطرف کند. پدر از دوستش

می خواهد تا پنجره خانه را شیشه کند، بعد از مذتی همه چیز درست می شود.

با بازگشت فرزند به خانه و پشمیمانی او، پدر او را «عفو» می کند، ولی وقتی پدر آن شیشه را درست کرد، «مغفرت» معنا پیدا می کند.^۸

خدا به ما فرمان داده است تا نافرمانی او را نکنیم، افسوس که ما فریب شیطان را خوردیم و گناه کردیم، وقتی ما پشمیمان می شویم، از خدا می خواهیم ما را ببخشد و «عفو» کند، ولی وقتی از او می خواهیم تا آثار گناه ما را از بین ببرد، از خدا «مغفرت» خواسته ایم.

* * *

در این دعا، فاطمه علیها السلام «خشیت از خدا» را طلب می کند و می گوید:

«أَسْأَلُكَ حَشْيَتَكَ فِي الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ».

«خدایا! کاری کن که در آشکار و نهان از تو خشیت داشته باشم».

بعضی ها «خشیت» را «ترس» معنا می کنند، در حالی که «خشیت از خدا» به معنای «ترس از خدا» نیست، آری، واژه «خوف» به معنای «ترس» است، «خوف از خدا» یعنی «ترس از خدا».

نکته مهم این است، بین «خوف از خدا» و «خشیت از خدا» تفاوت وجود دارد.

بگذار این گونه برایت بگوییم: شخصی به جنگل می رود، ناگهان صدای شیری به گوش می رسد. ترس وجود او را فرا می گیرد و فرار می کند، زیرا خطری او را تهدید می کند. اینجا «خوف» معنا پیدا می کند.

ولی شخصی که در جاده رانندگی می‌کند، از پلیس راه نمی‌ترسد، او مواطن است تا تخلف نکند، زیرا اگر پلیس متوجه تخلف او شود او را جریمه می‌کند، راننده وقتی پلیس را می‌بیند بیشتر دقّت می‌کند، در واقع او از سرانجام کار خودش می‌ترسد که نکند جریمه شود.

در زبان عربی، هنگامی که آن شخص از شیر ترسید از واژه «خوف» استفاده می‌کنند ولی برای آن حالتی که راننده در مقابل پلیس راه دارد، واژه «خشیت» را به کار می‌برند.^۹

پس «خشیت» به معنای «خوف» نیست. حضرت فاطمه^{علیها السلام} در این دعا «خشیت از خدا» را می‌خواهد. قرآن می‌گوید هر کس علم داشته باشد از خدا خشیت دارد. یعنی مواطن است گناه نکند و از مسیر حق خارج نشود. او می‌داند که اگر گناه بکند خودش گرفتار می‌شود. یک انسان معمولی ممکن است از خدا بترسد؛ اما کسی که عالم و دانشمند است می‌داند خدا ترس ندارد و فقط اوست که به مقام «خشیت» می‌رسد، حضرت فاطمه^{علیها السلام} در این دعا از خدا این مقام را می‌خواهد.



□ ترجمه دعا

ای خدایی که رحمت تو، وسیع است و درود تو، بهترین درود است از تو
می‌خواهم بر محمد ﷺ بهترین درود را بفرستی که او بهترین بندۀ توست،
تو ما را به دست او از ندانی نجات دادی و به ساحل هدایت رساندی، پس
توفیقمان بده تا از او پیروی کنیم و رستگار شویم.
پروردگار!! حمد و ستایش، مخصوص توست، تو سرچشمۀ همه خوبی‌ها
هستی!

من تو را ستایش می‌کنم به اندازه آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان
آسمان‌ها و زمین است، تو را ستایش می‌کنم به اندازه آنچه آفریده‌ای از
عرش و بهشت و... .

تو را ستایش می‌کنم به اندازه ذرات آب و خاک! به اندازه آنچه دیده

می‌شود و آنچه دیده نمی‌شود!

خدایا درود و برکت و رحمت و نعمت خودت را بر محمد و خاندان پاکش
نازل کن همانگونه که درود و برکت و رحمت خود را بر ابراهیم و خاندان او
عطای کردی که تو بزرگواری!

خدایا! بالاترین مقام در بهشت را به محمد ﷺ ارزانی دار و در روز قیامت،
بهترین پاداش را به او عطا کن تا او را بر همگان برتری داده باشی! خدایا!
بر محمد و خاندان او درود بفرست، بر همه فرشتگان و پیامبران درود
بفرست!

سلام بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل!

سلام بر فرشتگان که نظام هستی را به اذن تو، مدیریت می‌کنند و جلوه
قدرت تو هستند.

سلام بر آن فرشتگان که به درگاه تو نزدیک‌تر از بقیه هستند!

سلام بر فرشتگانی که اعمال انسان‌ها را ثبت می‌کنند!

سلام بر فرشتگان بلند مرتبه!

سلام بر پدر و مادرمان، آدم و حوا!

سلام بر همه پیامبران!

سلام بر صدّیقان، شهداء و نیکوکاران!

تو را حمد و ستایش می‌کنم، باور دارم که هر تغییری در این جهان با اجازه
توست، هر قدرتی که می‌بینم از تو قدرت گرفته است، تو خدای بلند مرتبه
هستی! تو برای یاری من، کفایت می‌کنی و من بر تو توکل می‌کنم، از تو

می‌خواهم تا بر محمد و آل محمد، سلام و درود فراوان بفرستی!

* * *

□ شرح دعا

«سَلَامٌ عَلَى جَبْرِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ...».

«سلام بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل! سلام بر فرشتگان! سلام بر همه پیامبران...».

در اینجا حضرت فاطمه^{علیها السلام} به من یاد می‌دهد که وقتی با خدا سخن گفتم و حاجت خود را از او خواستم به همه پیامبران، فرشتگان و بندگان خوب خدا، سلام کنم، در واقع من با این کار به جلوه خوبی‌ها احترام می‌گذارم وقتی بر کسانی که نزد خدا عزیز و بزرگوار هستند، سلام می‌کنم، آنان نیز جواب این سلام را می‌دهند، هر چند من جواب آنان را نمی‌شنوم، این جواب آنان باعث می‌شود تا خیر و رحمت را به سوی خود جذب کنم.

دعای بعد از

نماز مغرب

□ ترجمه دعا

تو را حمد و ستایش می‌کنم، تو سرچشمہ همه خوبی‌ها هستی، خدایا! ما
هرگز نمی‌توانیم از عهده ستایش تو برآییم، ما نمی‌توانیم نعمت‌های تو را
بشماریم، ما هر چقدر هم تو را عبادت کنیم باز هم نمی‌توانیم حق تو را ادا
نماییم!

خدایی جز تو نیست، تو قبل از خلقت موجودات بوده‌ای، تو بعد از نابودی
آنان، خواهی بود، تو همیشگی و جاویدان هستی! تو ظاهر و باطن هستی،
تو زنده می‌کنی و می‌میرانی! تو بزرگ‌تر از آن هستی که کسی بتواند تو را
وصف کند، همه خوبی‌ها از آن توسط. هرگز نابود نمی‌شوی!
تو را ستایش می‌کنم که دانشمندان نمی‌توانند به علم تو برسند و جاهلان

نمی‌توانند با کارهای خود، حلم را از تو بگیرند و مدح‌کنندگان نمی‌توانند به شایستگی، تو را مدح کنند، همه از وصف تو ناتوانند و کسی نمی‌تواند به کمالات تو دست پیدا کند.

تو را ستایش می‌کنم ای خدایی که در آسمان و زمین، قدرت فراوان داری!
ای که عظمت و بزرگی داری! ای که شکوه و زیبایی داری!

ای که قدرت بی‌انتهای است! ای که مهربان هستی و به عدالت حکم می‌کنی! تو جهان را آفریدی، بلند مرتبه هستی، صاحب حکمتی! بی‌نیاز از همه کس هستی! حلم داری و دانایی! تو بر بندگان نعمت فراوان دادی، همه ویژگی‌های تو زیبایی است، مالک دنیا و آخرت، بهشت و جهنّم هستی!...
تو را ستایش می‌کنم که رازهای پنهان را می‌دانی، بر آنچه در دل‌ها می‌گذرد، آگاه هستی، هیچ‌کس نمی‌تواند از دست قدرت تو فرار کند، تو بر همه چیز توانایی! تو را ستایش می‌کنم که با قدرت تو، آسمان‌ها پابرجاست و زمین آرام است، ابرها در حرکتند!

تو برتر از همه‌ای، ای خدایی که تعداد قطرات باران و برگ‌های درختان را می‌دانی، تو در روز قیامت مردگان را زنده می‌کنی.

خدایا! من بنده تو هستم، در این دنیا، غریب هستم و نیازمندم و به تو پناه آورده‌ام، پس با من چگونه رفتار می‌کنی؟ من به درگاه تو آمده‌ام تا از من راضی شوی، تو حال و روز مرا می‌دانی، پس بر من رحم کن، دعا‌ایم را مستجاب کن و مرا ناامید مکن!

روزها در گذر است، سال‌ها می‌گذرد، گردش روزها و سال‌ها، همه چیز را به
نابودی می‌کشاند، اما تو همیشه بوده‌ای و خواهی بود و هرگز دگرگون
نمی‌شوی... .

* * *

□ شرح دعا

لحظه‌ای درنگ می‌کنم، به این جمله می‌اندیشم:

«یا مُحْصِيَ فَطْرُ الْمَطَرَ وَ وَرَقَ الشَّجَرِ».

«ای خدایی که تعداد قطرات باران، برگ‌های درختان را می‌دانی». این سخن، چه پیامی برای من دارد؟ عده‌ای که خود را «فیلسوف» خوانده‌اند بر این باور هستند که خدا علم به جزئیات این دنیا ندارد، یعنی خدا نمی‌داند که یک درختی که در منزل من است، چند برگ دارد، خدا نمی‌داند که امشب روی پشت‌بام منزل من، چند قطره باران باریده است. آنان می‌گویند علم خدا به صورت کلی است! خدا فقط می‌داند که درختان، برگ دارند و باران می‌بارد، آنان که چنین باوری دارند خود را در اوج قله معرفت خدا هم می‌دانند و خیال می‌کنند با علم فلسفه می‌توانند به خدا نزدیک‌تر شوند. وقتی من این سخن حضرت فاطمه^{علیها السلام} را می‌خوانم می‌فهمم که آن باور غلط است، فاطمه^{علیها السلام} این‌گونه خدا را صدا می‌زند: «ای خدایی که تعداد قطرات باران، برگ‌های درختان را می‌دانی!». خدا به همه جزئیات این دنیا علم و آگاهی دارد.

اکنون نگاهی به این دنیای بزرگ می‌کنم، هر روز چیزهای جدیدی
می‌بینم، دانه‌هایی که جوانه می‌زند، برگ درختی که روییده می‌شود و یا از
درخت جدا می‌شود، قطرات بارانی که می‌بارد، نسیمی که می‌وزد، موجی که
از سوی دریا به ساحل می‌رسد، صدای پرنده‌ای که به گوش می‌رسد... .
همه این‌ها را به چشم خود می‌بینم و می‌دانم که خدا از همه این‌ها باخبر
است، هیچ‌چیز از خدا پنهان نیست، او به همه ذرات دنیا آگاهی دارد.



□ ترجمهٔ دعا

خدایا! من از سختی روز قیامت به تو پناه می‌برم، می‌دانم که روز قیامت برای گناهکاران بسیار سخت خواهد بود، از تو می‌خواهم آن روز را بر من آسان گردانی! آن روز، گرمای خورشید بی‌داد می‌کند، پس مرا در سایه رحمت خودت قرار بده!

خدایا! گناهانم بیخش و از خطایم درگذر! بلاها را از من دور گردان، دین مرا از خطر گمراهی نجات بده!

من تو را می‌خوانم و اطمینان دارم که تو جواب مرا می‌دهی، می‌دانم که سخن مرا می‌شنوی، از تو می‌خواهم که امید مرا نالمید نکنی. من نیاز به رضایت تو دارم، من محتاج بخشش تو هستم، من تو را صدا می‌زنم و از رحمت تو نالمید نمی‌شوم.

خدایا! مرا در حالی که به تو ایمان دارم بمیران و مرا در گروه نیکوکاران
محشور کن، مرا به خودم وامگذار... .

به حالم در لحظه مرگ رحم کن! به تنها یی من در قبر رحم کن! به غربت
من در روز قیامت رحم کن! به فقر و نیازمندی ام در هنگام حسابرسی رحم
کن! من از آتش جهنم به تو پناه می برم، پس پناهم بده... .
آقای من! ای که در حق من نیکی کردی و با من مهربان بودی، به اشک
چشمم رحم کن و دیدار روی خودت را روزی ام کن و مرگ مرا مایه راحتی ام
قرار بده... .

* * *

□ شرح دعا

فاطمه علیها السلام از خدا چنین می خواهد:

«وَالنَّظَرُ إِلَى وَجْهِكَ فَأَرْزُقُنِي».

«دیدار چهره خودت را روزی ام کن».

به راستی منظور از «وجه الله» چه می باشد؟

واژه «وجه» به معنای «چهره» می باشد، مگر خدا، جسم است؟ مگر خدا
مانند انسان است که چهره داشته باشد که من در آرزوی دیدن چهره خدا
باشم؟

در اینجا ماجرایی از «اباصلت هروی» را نقل می کنم، او یکی از یاران
امام رضا علیه السلام بود. او اهل حدیث بود و زیاد مطالعه می کرد، هر وقت سؤالی به
ذهنش می رسید از امام رضا علیه السلام سؤال می کرد.

یک روز او به امام گفت:

– آقای من! حدیثی را شنیده‌ام و دوست دارم شما نظر خود را در مورد آن بفرمایید.

– ای اباصلت! حدیث خودت را بگو!

– مولای من! شنیده‌ام وقتی روز قیامت فرا برسد، افراد با ایمان وارد بهشت می‌شوند، آن‌ها وقتی در منزل و جایگاه خود قرار می‌گیرند، خدای خود را زیارت می‌کنند. آیا چنین سخنی درست است؟ آیا مؤمنان در بهشت خدا را می‌بینند؟ آیا می‌توان خدا را در بهشت با چشم دید؟

– ای اباصلت! خداوند پیامبرش، محمد ﷺ را بر همه فرشتگان و بر همه بندگان خود برتری داده است و اطاعت از محمد ﷺ را اطاعت از خودش معروفی کرده است. همچنین او دیدار محمد ﷺ را به منزله دیدار خودش قرار داده است. آیا این سخن را شنیده‌ای که پیامبر فرمود: «هر کس مرا زیارت کند، همانند این است که خدا را زیارت کرده است». در بهشت، مؤمنان در جای خود هستند، آن‌ها بعضی وقت‌ها اجازه دارند تا به جایگاه پیامبر نگاه کنند و آن حضرت را ببینند. این دیدار پیامبر برای مؤمنان، همانند دیدار خداوند است».

وقتی اباصلت این سخن را شنید به فکر فرو رفت، آری، خدا جسم نیست تا بتوان او را دید، اما خدا، دیدار پیامبر را همانند دیدار خودش قرار داده است تا هر کس که می‌خواهد خدا را ببیند، پیامبر را ببیند. پیامبر، بنده خداست، او بندگی خدا را به جایی رسانده است که از همه فرشتگان و

پیامبران سبقت گرفته است، مقام او از همه بالاتر و والاتر است، برای همین است هر کس او را ببیند، همانند این است که خدا را دیده است.

جواب امام برای اباصلت، خیلی جالب بود، برای همین فرصت را غنیمت شمرد و سؤال دیگری پرسید:

– آقای من! در حدیث دیگری شنیده‌ام که ثواب لا إله إلا الله این است که انسان می‌تواند به چهره خدا نگاه کند. نظر شما در مورد این حدیث چیست؟

– ای اباصلت! بدان که خدا چهره و صورت ندارد، هر کس بگوید که خدا مانند انسان‌ها چهره و صورت دارد، کافر شده است.

– پس منظور از این حدیث چیست؟

– خدا پیامبران و نمایندگان خود را به عنوان چهره خود (وجه الله) معروفی کرده است. یعنی هر کس دین خدا و معرفت و شناخت او را می‌خواهد، باید نزد پیامبران و نمایندگان خدا برود، فقط آن‌ها هستند که می‌توانند معرفت و شناخت واقعی را برای مردم بیان کنند. آنانی که لا إله إلا الله بگویند در روز قیامت می‌توانند با پیامبران و نمایندگان خدا همراه باشند و آنان را ببینند و این ثواب بزرگی برای اهل ایمان است. هیچ چشمی نه در دنیا و نه در آخرت نمی‌تواند خدا را ببیند، با این حال، خدا دوستان خود را به عنوان «چهره خود» معروفی کرده است.^{۱۰}

بار دیگر اباصلت به فکر فرو رفت، او فهمید که «وجه الله: چهره خدا»، لقب «حجت خدا» است. حجت خدا در هر زمانی، وجه خداست. وقتی من به دیدار بزرگی می‌روم، با کمال احترام رو بروی چهره آن شخص

می‌ایstem و سلام می‌کنم، هیچ وقت نمی‌روم به چهره او پشت کنم و سلام بنمایم.

در این زمان، حضرت مهدی علیه السلام حجت خداست، خدا او را به عنوان چهره خود معروفی کرده است، خدا می‌خواهد به بندگان خود بگوید که اگر با من کاری دارید باید ولایت مهدی علیه السلام را قبول داشته باشید و به او عشق بورزید، نمی‌شود کسی مهدی علیه السلام را فراموش کند و دم از عشق به خدا بزند؟ خدا این را قبول ندارد، خدا می‌خواهد به همه مردم بگوید اگر می‌خواهند به او نزدیک شوند باید علی علیه السلام و فرزندان او را دوست بدارند.

هر کس که لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ بگوید، در روز قیامت می‌تواند پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام را ببیند، اگر کسی اعتقاد به خدای یگانه داشته باشد روز قیامت می‌تواند پیامبر و حضرت علی و امام حسن و امام حسین و دیگر امامان علیهم السلام را ببیند و با آنان همنشین باشد و از شفاعت آن‌ها بهره‌مند شود.

* * *

اکنون دیگر می‌دانم منظور از «چهره خدا» چیست، حضرت فاطمه علیها السلام در دعای ظهر که شرح آن گذشت، چنین می‌گوید:

«أَسْأَلُكَ لَذَّةَ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ».

«بار خدایا! از تو لذت نظر به چهره خودت را می‌خواهم».

من چقدر به این دعا نیاز دارم، این جمله چقدر دید مرا به زندگی تغییر می‌دهد، من لذت را در زندگی مادی جستجو می‌کرم، اما اکنون آموختم که بالاترین لذت، لذت دیدار چهره خدا است، آنان که اهل معرفت هستند

وقتی به کربلا یا مشهد می‌روند، لذتی را در روح خود احساس می‌کنند که
اهل دنیا هرگز آن را نچشیده‌اند.

آنان که باتقوا شدند و عشق امام‌زمان در دل آنان نشست به دیدار او
می‌رسند، آنان چهره مولای خود را می‌بینند و به وصال او می‌رسند، خوش
به حال آنان که حقیقت عشق را دریافتند.

افسوس که من گرفتار غفلت شدم، حجت خدا را از یاد بردم، به لذت‌های
پست دنیا مشغول شدم و اصلاً درکی از لذت دیدار چهره خدا نداشتم! کاش
به این باور می‌رسیدم که زندگی بدون او، مرگ است و مرگ بدون معرفت
او، مرگ جاهلیّت است. به یاد دارم که چقدر برای حاجت‌های دنیای خودم،
دعا کردم و اشک ریختم، اما یک بار چنین خواسته‌ای نداشتم! یک بار به
دیدار حجت خدا فکر نکردم!

ولی هنوز دیر نشده است، باید بارها این دعا را بخوانم:
«أَسْأَلُكَ لَدَّةَ النَّظِيرِ إِلَى وَجْهِكَ».

باید دل را به عشق امام‌زمان پیوند بزنم و از غیر او دوری کنم، باید
زندگی ام، رنگ او را داشته باشد. کسی که عاشق می‌شود وقتی نام
معشوقش را می‌شنود، ناخودآگاه قلبش از شوق به تپش می‌افتد، این نشانه
عشق است، کاش من هم وقتی نام او را می‌شنیدم، این‌گونه قلبم به تپش
می‌افتد و همه وجودم، شوق دیدار او می‌شد. کاش ضربان قلبم، ندای «یا
مهدی» می‌گفت... .



□ ترجمه دعا

خدایا! من از گناهان خود به سوی تو فرار می‌کنم، پس مرا بپذیر! من از عدالت تو به بخشش تو پناه می‌برم، پس مرا دریاب! من از عذاب تو به مهربانی تو پناهنده می‌شوم، پس بر من مهربانی کن!

من به وسیله دین اسلام به تو نزدیک می‌شوم، پس مرا به خود نزدیک گردان و مرا از ترس روز قیامت ایمن دار و در سایه عرش خودت، جایم بده و مرا به سلامت از دنیا نجات بده، مرا از تاریکی‌ها به سوی نور ببر و در روز قیامت، رویم را درخشنان کن، مرا در آن روز شرمسار مکن!

خدایا! در سختی‌ها و بلاها به من صبر بده! تو بودی که یوسف علیه السلام را از بدی و گناه دور ساختی، پس مرا هم از گناه دور ساز! آن بلایی را که من طاقت آن را ندارم بر من نازل نکن! مرا به سوی بهشت رهنمون ساز و از

قرآن بهره‌مندم بگردان!

مرا در ایمان به خودت، ثابت قدم گردان و از شرّ شیطان نجاتم بده! با
قدرت خودت، مرا از گناه دور بگردان! مرا از آتش جهنم نجات بده و در
بهشت خود جای بده! دیدار خودت را نصیبم کن، مرا با پیامبرت، محمد ﷺ
محشور نما و از شیطان‌ها و دوستان آنان نجات بده!

* * *

□ شرح دعا

به این سخن فاطمه ؑ باید دقّت کنم:
«صَرَفْتَ عَنْ يُوسُفَ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءِ».

«خدایا! تو یوسف را از بدی و گناه پلیدی دور ساختی!». وقتی ماجراهی یوسف ؑ را می‌خوانم می‌بینم که یوسف ؑ چندین سال در گوشه زندان افتاد، او در زندان سختی‌های فراوان کشید، تا انسان زندان را تجربه نکند، نمی‌تواند زجرهای یک زندانی را درک کند، آنان که این زجر را کشیده‌اند می‌دانند که زندان، چیز بدی است.

در این دعا، فاطمه ؑ می‌گوید که خدا بدی را از یوسف ؑ دور کرد، در حالی که یوسف ؑ در زندان افتاد، پس معلوم می‌شود که فاطمه ؑ زندان رفتن یوسف ؑ را بد نمی‌داند.

آری، خدا بدی را از یوسف دور کرد، زمانی که زلیخا و دیگر زنان از یوسف می‌خواستند گناه کند، یوسف از خدا خواست تا او را یاری کند، این خدا بود که از یوسف گناه زنا را دور کرد.

یوسف ﷺ به زندان رفت، سختی کشید، ولی این سختی‌ها، بد نبود، چون
در راه بندگی خدا بود، خوبی بود، ظاهر آن، بلا و مصیبت بود، اما در حقیقت
همین زندان بود که او را از گناه نجات داد.

این سخن درس بزرگی برای من دارد، من باید از خدا بخواهم «بدی‌ها» را
از من دور کند، باید از او بخواهم که در مسیر بندگی او باشم، حال اگر در این
مسیر به بلا و سختی گرفتار شدم، آن را زیبا ببینم، سختی‌ها باعث رشد و
کمال من می‌شوند.



□ ترجمه دعا

خدایا! دشمنان و کسانی که به من کینه دارند، اگر قصد آزار مرا نمودند تو
شجاعان آنان را ضعیف کن، لشکریانشان را متفرق نما، سلاحهایشان را از
کار بینداز! بادهای تند و طوفان‌های سخت را بر آنان مسلط نما و ما را بر
نابودی آنان یاری کن!

خدایا! بر محمد و خاندان او، درود فرست...

سلام بر تو ای رسول خدا!

سلام بر تو ای امین خدا!

سلام بر تو ای محمد!

سلام و رحمت خدا بر تو باد!

خدایا! من باور دارم که محمد ﷺ با مؤمنان، مهربان و رئوف است، پس از

تو می خواهم بهترین‌ها را به او عطا کنی!
خدایا! دعای مرا اجابت کن که تو بهترین کسی هستی که از او حاجت
می طلبند، ای پروردگار جهانیان!

* * *

□ شرح دعا

فاطمه علیها السلام از خدای خویش چنین می خواهد:
«فَاجْبِّنَ شَجِيعَهُمْ، فُضَّ جَمْعَهُمْ...».

«خدایا! شجاعان لشکر دشمن را ضعیف کن، لشکر آنان را متفرق نما... ما را بر نابودی آنان یاری کن.»

عددهای که دم از عرفان می زند، سخن دیگری می گویند، آنان به من می گویند که وقتی انسان به اوج عرفان رسید همه انسان‌ها را دوست می دارد و با هیچ‌کس دشمنی نمی‌کند. محیی‌الدین عربی (که عددهای او را استاد عرفان می‌دانند) به جایی رسیده بود که هم به علی علیه السلام و هم به معاویه، عمر و ابوبکر، عشق می‌ورزید.^{۱۱}

ولی مکتب فاطمه علیها السلام چیز دیگر می‌گوید، او در حق دشمنان حق و حقیقت نفرین می‌کند، او به من می‌آموزد که با دشمنان باید دشمنی کرد. حضرت علی علیه السلام هم در قنوت نماز خود، دشمنان را لعنت می‌کرد، همه امامان معصوم علیهم السلام نیز این‌گونه بودند و دشمنان حق و حقیقت را با زبان لعنت می‌کردند تا شیعیان راه را گم نکنند. شیعیان واقعی هم در طول تاریخ این‌گونه بوده‌اند.

* * *

- گروهی از شیعیان نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودند، امام از آنان پرسید:
- محکم‌ترین دستاویز چیست؟
 - آقای ما! نماز محکم‌ترین دستاویز است.
 - نماز فضیلت زیادی دارد ولی پاسخ سؤال من، نماز نیست.
 - زکات.
 - زکات فضیلت زیادی دارد، ولی محکم‌ترین دستاویز نیست.
 - روزه و حجّ و جهاد در راه خدا.
 - همه این‌ها فضیلت و ثواب زیادی دارند، اما محکم‌ترین دستاویز چیز دیگری است.
 - آقای ما! هیچ‌کس جز شما جواب این سؤال را نمی‌داند.
 - بدانید که محکم‌ترین دستاویز ایمان، دوستی و دشمنی به خاطر خداست. اگر شما دوستان خدا را دوست بدارید و از دشمنان خدا بیزاری بجویید به محکم‌ترین دستاویز ایمان چنگ زده‌اید.^{۱۲}

* * *

پس از رحلت پیامبر، مردم با ابوبکر بیعت کردند، حوادث دردنگی برای عزیزان پیامبر پیش آمد، چند ماه گذشت. فاطمه علیها السلام در بستر بیماری افتاد، ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند به عیادت فاطمه علیها السلام بروند. آنان به علی علیها السلام خبر دادند و قرار شد نزد فاطمه علیها السلام بروند.

ابوبکر و عمر وارد خانه فاطمه علیها السلام شدند. سلام کردند و نشستند،

فاطمه^{علیها السلام} جواب آنان را نداد و روی خود را برگرداند.^{۱۳}

عُمر نگاهی به ابوبکر کرد و از او خواست تا سخن خود را آغاز کند.

ابوبکر چنین گفت: «ای دختر پیامبر! آیا می‌شود ما را ببخشی؟».^{۱۴}

فاطمه^{علیها السلام} همان‌طور که روی خود را به دیوار کرده بود، چنین گفت:

— آیا شما از پیامبر شنیدید که فرمود: «فاطمه، پاره تن من است و من از او هستم، هر کس او را آزار دهد ادله است و هر کس مرا آزار دهد خدا را آزرده است؟»

— آری، ای دختر پیامبر! ما این حدیث را از پیامبر شنیدیم.

— شکر خدا که شما به این سخن اعتراف کردید.

فاطمه^{علیها السلام} دستان خود را به سوی آسمان گرفت و روی خود را به سوی آسمان کرد و از سوز دل چنین فرمود: «بارخدا! تو شاهد باش، این دو نفر مرا آزار دادند و من از آن‌ها راضی نیستم».^{۱۵}

سپس رو به آن‌ها کرد و فرمود: «به خدا قسم! هرگز از شما راضی نمی‌شوم، من منتظر هستم تا به دیدار پدرم بروم و شکایت شما را به او کنم».^{۱۶}

* * *

من برای زندگی در این دنیا دو راه بیشتر ندارم، یا باید به حزب خدا پیوندم یا به حزب شیطان. وقتی من از دشمنان حق بیزاری می‌جویم، از شیطان و حزب او و دوستانش بیزار شده‌ام. حقیقت دین چیزی جز تولی و تبری نیست.

تولیٰ یعنی با دوستان خدا دوست بودن!

تبریٰ یعنی با دشمنان خدا دشمن بودن!

دین یعنی این که من دوستان خدا را دوست بدارم و دشمنان خدا را هم
دشمن بدارم!

تبریٰ، یعنی بی‌رنگی تمام جاذبه‌ها و جلوه‌های شیطانی در زندگی من!

تبریٰ، یعنی بریدن از همهٔ پلیدی‌ها و پیوستن به همهٔ خوبی‌ها!

دعای بعد از
نماز عشاء

□ ترجمه دعا

خدایا! تو را تسبیح می‌کنم، تو آن خدایی هستی که پاک و منزه هستی! از
همه عیب‌ها به دوری! همه چیز در مقابل تو، فروتن و ذلیل است، تو بر
همه چیز قدرت داری، قدرت تو بی‌انتهاست.

تو را ستایش می‌کنم، کسی که تو را یاد کند تو او را فراموش نمی‌کنی، هر
کس تو را بخواند تو او را نامید نمی‌کنی، هر کس بر تو توکل کند، تو او را
کفایت می‌کنی.

تو را ستایش می‌کنم که آسمان‌ها را برافراشتی، زمین را آفریدی، دریاها،
کوه‌ها، حیوانات و درختان و چشم‌های آب را آفریدی! ابرها را به گردش
درآورده و نعمت‌های فراوان به بندگان خود دادی، فقط من نیستم که تو را
ستایش می‌کنم، همه موجودات تو را ستایش می‌کنند...

تو آن خدایی هستی که گناهان بندگانت را می‌بخشی، توبه آنان را قبول می‌کنی، عیب‌های آنان را می‌پوشانی، دعای آنان را مستجاب می‌کنی، مردگان را زنده می‌کنی... .

این توفیقی از طرف توست که من تو را ستایش می‌کنم، پس باید به خاطر این که توفیق ستایش خودت را به من دادی، تو را شکر کنم. من به خاطر این که تو را یاد می‌کنم و شکر نعمت‌های تو را می‌کنم، تو را سپاس می‌گوییم.

به خاطر این که در بلاها صیر می‌کنم، نماز می‌خوانم، روزه می‌گیرم، بندگی تو را می‌کنم، تو را ستایش می‌گوییم.

به خاطر همه نعمت‌ها، راحتی‌ها، سختی‌ها، مصیبت‌ها، فقر و ثروتمندی‌ام تو را ستایش می‌کنم، من در هر حالی که هستم تو را ستایش می‌کنم!

* * *

□ شرح دعا

من خدا را به خاطر نعمت‌ها، ستایش می‌کرم ولی در اینجا از فاطمه علیها السلام درس دیگری آموختم، این سخن چه معرفت عمیقی دارد:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ ... شِدَّةٍ وَرَحْمَاءٍ وَمُصِيبَةٍ وَبَلَاءٍ وَعُسْرٍ وَيُسْرٍ...».

«ستایش خدا را به خاطر هر راحتی و سختی و مصیبت و فقر و ثروتمندی...».

من چقدر با این نگاه بیگانه بودم، باید چه کنم که این سخنان را با عمق وجودم بگویم، باید به چه سطحی از معرفت برسم؟ وقتی باور کنم که به

این دنیا آمده‌ام تا رشد کنم و به کمال برسم، این سخنان فاطمه^{علیها السلام} را عین حقیقت می‌یابم.

خدایی که مرا آفریده است برای کمال بیشتر، مرا به این دنیا آورده است، او برای من برنامه دارد، من باید به برنامه او راضی و خشنود باشم، از یأس و نالمیدی و نفرت سخن نگویم، باید در سختی‌ها هم به رضای او، راضی باشم و با او انس بگیرم و او را دوست داشته باشم.

من باید نگاه خود را به زندگی عوض کنم، باید بدانم برای چه به اینجا آمده‌ام، اگر به جواب این سؤال رسیده باشم، زندگی را زیبا می‌بینم، در اوج سختی‌ها و بلا نیز خدا را شکر می‌گویم و از زیبایی دم می‌زنم.

چه کسی بهتر از حسین^{علیه السلام} توانست سخن فاطمه^{علیها السلام} را تحقق بخشد؟ من باید راز کربلا را بیابم! افسوس که برای حسین^{علیه السلام} گریستم، اما ندانستم راه حسین^{علیه السلام} چه بود و او مرا به کدامین زندگی فرا خواند...

عصر عاشورا بود و حسین^{علیه السلام} در میدان ایستاد، جگر او از تشنگی می‌سوخت، همهٔ یاران و عزیزانش شهید شده بودند و اکنون او آماده شهادت بود، او به قلب لشکر هجوم برد... ساعتی بعد، یاران تیر و سنگ و نیزه باریدن گرفت، تیرها بر بدنش نشست.

سنگی به پیشانی او اصابت کرد و خون از پیشانی او جاری شد و سپس تیری بر قلب او نشست.

صدای او در دشت کربلا پیچید: «من به رضای خدا راضی هستم».^{۱۷}
حسین^{علیه السلام} در اوج قلّه بلا ایستاد و این‌گونه فریاد عشق برآورد.

اکنون می خواهم از زینب^{علیہ السلام} سخن بگویم، من زینب را چگونه شناخته ام؟ وقتی حوادث روز دوازدهم محرم سال ۶۱ هجری را می خوانم، می بینم که او را اسیر کردند و به شهر کوفه بردند. ابن زیاد فرماندار کوفه بود و از پیروزی خود سرمست شده بود، او رو به زینب^{علیہ السلام} کرد و گفت: «ای زینب! دیدی که چگونه برادرت کشته شد. دیدی که چگونه همه عزیزانت کشته شدند». ابن زیاد منتظر بود تا صدای گریه و شیون زینب بلند شود، اما زینب^{علیہ السلام} فریاد برآورد: «من در کربلا جز زیبایی ندیدم».^{۱۸}

تاریخ برای همیشه، مات و مبهوت این جمله زینب است. زینب معماًی بزرگ تاریخ است، او در اوج قله بلا ایستاد و جز زیبایی ندید! و چقدر او در میان دوستانش غریب مانده است، دوستانش او را با گریه و ناله می شناسند، اما زینب^{علیہ السلام} در آن روز، خود را مظہر زیبایی، معرفی کرد. من باید از حسین و زینب^{علیہ السلام} درس بگیرم، آنان در دامن مادری همچون فاطمه^{علیہ السلام} تربیت شده بودند و به این معرفت و شناخت رسیده بودند، باید پیرو آنان باشم... .



□ ترجمه دعا

خدایا! به تو پناهنده می‌شوم، مرا پناه بده! از تو یاری می‌خواهم مرا یاری نما! از تو کمک می‌خواهم، به فریادم برس! تو را می‌خوانم پس جواب مرا بده! از تو می‌خواهم گناهانم ببخشی، پس مرا ببخش! از تو هدایت می‌خواهم پس هدایتم کن! بر تو توگل می‌کنم پس کفایتم کن.

خدایا! مرا در پناه خودت قرار بده تا از هر طرف در امنیت باشم و آزاری از کسی به من نرسد، حسد حسودان و ظلم ستمکاران و نیرنگ مکاران را از من دور کن! من از شرّ و بدی همه موجودات به تو پناه می‌برم مرا از شرّ آنان دور بگردان!

خدایا! تو را به حق آن اسم اعظم تو که از مردم پوشیده است تو را می‌خوانم تا گناهانم ببخشی، همان اسمی که آسمان‌ها و زمین به آن استوار

شده است و تاریکی‌ها با آن روشن شده است، به همان اسم که مرده‌ها، به برکت آن اسم تو زنده می‌شوند، به حق آن اسم، همه گناهان مرا ببخش و به من یقین و علم و فهم عطا کن تا قرآن را به پا دارم و حلال تو را حلال بدانم و از حرام تو دوری کنم و دستورات تو را انجام دهم و سنت پیامبر تو را زنده کنم.

خدایا! مرا با نیکوکاران محشور کن، مرا در گروه نیکوکاران قرار بده، من دوست دارم که پرونده اعمال من با زیباترین عمل بسته شود، پس وقتی که مرگ من نزدیک می‌شود، توفیقم بده که بهترین کار در زندگی ام را آن وقت انجام بدهم.

خدایا! وقتی که مرگ من فرا رسید، از تو می‌خواهم در بهشت جایگاهی به من بدهی که همه به من حسرت ببرند و به مقام من، غبظه بخورند.
من تو را ستایش کردم، پس ستایش مرا بپذیر، من به گناهانم اعتراف کردم، پس به من رحم کن، من تو را صدا زدم پس صدایم را بشنو که تو خدایی هستی که به بیچارگان رحم می‌کنی و بی‌پناهان را پناه می‌دهی و فریادرس مؤمنان هستی!

* * *

□ شرح دعا

فاطمه^{علیها السلام} چنین از خدا می‌خواهد:

«فَاسْأَلْكَ ... مَنْزِلًا يَغْبُطُنِي بِهِ الْأَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ».

«خدایا! در بهشت جایگاهی به من بده که همه به من حسرت ببرند و به

مقام من، غبظه بخورند».

چه پیام مهمی در این سخن است، فاطمه^{علیها السلام} به من یاد داد که از گناهانم توبه کنم و از خدا بخواهم خطایم را ببخشد و از او چنین خواسته‌ای را طلب کنم و همت خود را تا این اندازه بالا ببرم و از خدا مقامی در بهشت را بخواهم که همه انسان‌ها به من حسرت ببرند.

خدا دوست دارد که بندگانش همت بلند داشته باشند و آرزوهای بزرگ را از او طلب کنند، ماجراهی این پیروز نشیدنی است:

بنی اسرائیل در انتظار بودند که موسی^{علیه السلام} آن‌ها را از دست فرعون نجات دهد، سرانجام وعده خدا فرا رسید، خدا به موسی^{علیه السلام} فرمان داد تا بنی اسرائیل را از مصر به سوی فلسطین ببرد.

همه آماده حرکت شدند، موسی^{علیه السلام} می‌خواست از تاریکی شب استفاده کند و قبل از آن که سپاه فرعون متوجه حرکت آن‌ها بشود، از مصر بیرون برود. اینجا بود که خدا با موسی^{علیه السلام} چنین گفت: «ای موسی! قبل از این که از مصر بروی، باید قبر یوسف را پیدا کنی و پیکر او را همراه خود ببری و آن را در بیت المقدس دفن کنی».«

موسی^{علیه السلام} رو به یاران خود کرد و گفت: آیا کسی می‌داند قبر یوسف کجاست؟

هیچ کس جواب نداد، بار دیگر او سخن خود را تکرار کرد، یکی پاسخ داد: مادر بزرگ پیری دارم، گمانم او می‌داند که قبر یوسف کجاست.

موسی^{علیه السلام} نزد آن پیروز نزد آن پیروز رفت و گفت:

– مادر! آیا تو می‌دانی قبر یوسف کجاست؟

– آری! می‌دانم.

– خوب. آن قبر را نشان ما بده تا ما هر چه زودتر حرکت کنیم.

– ای موسی! اگر قبر یوسف را می‌خواهی باید هر چه من می‌گوییم قبول کنی.

موسی ﷺ به فکر فرو رفت، او نمی‌دانست آن پیرزن چه خواهد خواست، او نگران بود مبادا آن پیرزن چیزی بخواهد که او نتواند آن را انجام بدهد، ولی خدا از راز دل همه بندگان آگاه است، به موسی ﷺ چنین گفت: «ای موسی! شرط او را قبول کن.»

موسی ﷺ رو به پیرزن کرد و گفت:

– مادر! باشد، هر چه بگویی قبول می‌کنم، بگو بدانم چه می‌خواهی؟

– می‌خواهم که مقام من در بهشت، همچون مقام تو باشد و من همدرجه تو باشم.

موسی ﷺ از همت والای این پیرزن تعجب کرد و سپس به آن پیرزن قول داد که در روز قیامت، همدرجه او باشد.^{۱۹}

آری، آن روز همه فهمیدند که چرا خدا به موسی ﷺ گفت که سخن آن پیرزن را قبول کند، خدا همت بالای او را دوست داشت، هر کس جای او بود، جوانی و ثروت دنیا را می‌خواست، اما او چیزی را خواست که هیچ‌کس به آن فکر نمی‌کرد.

فاطمه ؓ در این دعا این درس را به من می‌دهد که همت خود را بالا ببرم

و از خدا حاجتی به این بزرگی بخواهم؛ ««خدایا! در بهشت جایگاهی به من
بده که همه به من حسرت ببرند و به مقام من، غبطه بخورند».

این حاجت در فکر من بزرگ است، ولی برای خدا هرگز این حاجت بزرگ
نیست، آرزوی من هر چقدر بزرگ هم باشد، برای خدا بسیار کوچک است.



□ ترجمه دعا

از تو می خواهم بر محمد که فرستاده توست و چراغ فروزان هدایت است و
بر همه فرشتگان و پیامبران، درود بفرستی!

از تو می خواهم بهترین درودها و سلامها را بر محمد بفرستی که او
فرستاده تو و امین بر وحی توست، از تو می خواهم تا درجه او را بالا و بالاتر
ببری

خدايا! من دين، جان و تمام نعمت‌هایي را که به من داده‌اي به خودت
می‌سپارم، پس مرا در حفظ و حراست قرار ده!
هر کس به تو پناه آورد، عزیز و سریلند شد، خدایي جز تو نیست، بر این
باور هستم تو در سختی و آسایش، برایم کافی هستی!

خدايا! ما بر تو توگل نموديم و به درگاه تو رو آورده‌ایم و می‌دانیم که در روز
قيامت تو ما را زنده می‌کني و همه برای حسابرسی به پيشگاه تو می‌آييم.
بارخدايا! ما را از دست کافران نجات بده! کاري کن که آنان نتوانند ما را
شکنجه و اذیت و آزار کنند، گناهان ما را ببخش که تو توانا هستي و همه
کارهای تو از روی حکمت است.

خدايا! عذاب جهنم را از ما دور کن، چرا که عذاب آن جاودان است، و به
راستی که آنجا بد جایگاهی است.

خدايا! میان ما و مردمی که به ما ستم می‌کنند به حق داوری کن که تو
بهترین داوران هستی!

خدايا! ما به تو ايمان آورديم، پس گناهان ما را ببخش، از بدی‌های ما
چشم بپوش و ما را در شمار نيكوکاران بمیران.

خدايا! پیامبران به ما وعده ثواب و پاداش داده‌اند، اين وعده‌های آنان از
طرف تو بود، اکنون از تو می‌خواهيم تا در روز قيامت، ما را به آن وعده‌ها
برسانی و در آن روز، ما را خوار نگردانی، بی‌گمان تو در وعده خود، تخلف
نمی‌کني!

خدايا! اگر فرمان تو را فراموش کردیم، یا اشتباهی کردیم، ما را ببخش،
تكلیف سخت را برو شمان قرار نده، چیزی را برو ما واجب نکن که ما
طاقت آن را نداشته باشیم! گناهان ما را ببخش و رحمت را برو ما نازل کن و

ما را بر کافران پیروز بگردان.
خدایا به ما در دنیا و آخرت، نیکی و خوبی عطا فرما، و به رحمت خود ما را
از عذاب آتش حفظ کن!
از تو می خواهم بر آقای ما، محمد ﷺ (که فرستاده توست) و خاندان او
دروع بفرستی که سلام بی پایان بر آنان باد!

دعای بعد از

نماز صبح

□ ترجمهٔ دعا

خدایا! روز تازه‌ای آغاز شده است، تو را شاهد می‌گیرم که خدایی جز تو
نیست و هر چیزی غیر از تو عبادت شود، باطل است، من می‌دانم که وقتی
تو را شاهد گرفته‌ام، دیگر مرا کفایت می‌کند، من همهٔ فرشتگان، پیامبران،
مؤمنان و آفریده‌های تو را نیز بر این باور خود، شاهد می‌گیرم، تو برتر و
بالاتر از آن هستی که کسی بتواند بزرگی تو را وصف کند، هیچ‌کس
نمی‌تواند نهایت بزرگی تو را درک کند!

ای خدایی که بالاتر از ستایش‌های ما هستی، ای خدایی که بزرگی تو
بالاتر از سخن ماست، از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان او درود بفرستی و
با من آنگونه رفتار کنی که شایستهٔ مقام توست که تو همواره گناهکاران را
می‌بخشی!

خدایی جز تو نیست، تو از همه بدی‌ها به دور هستی، همه خوبی‌ها از آن توست، تو را ستایش می‌کنم، از گناهانم توبه می‌کنم و از تو می‌خواهم مرا ببخشی، در جهان هر چه تو بخواهی، همان واقع می‌شود، هیچ قدرتی جز قدرت تو نیست، تو جاودانه هستی، همیشه بوده‌ای و تا ابد خواهی بود، پادشاهی جهان در دست توست، تو خدایی هستی که زنده می‌کنی و می‌میرانی، تو هرگز نمی‌میری! کلید همه خیرها به دست توست و تو بر هر کاری توانا هستی!

تو از همه بدی‌ها به دوری! همه خوبی‌ها از آن توست، خدایی جز تو نیست. تو بزرگ‌تر از آن هستی که به وصف درآیی! خدایا! گناه مرا ببخش که من به سوی تو، توبه می‌کنم، در جهان هر چه تو بخواهی، همان واقع می‌شود، هیچ قدرتی جز قدرت تو نیست.

تو حلم فراوان داری و بزرگواری! مهربان و بخشنده‌ای! فرمانروای جهانی! از هر عیبی و نقصی، پاک می‌باشی! تو حق آشکاری! من تو را به عدد همه آفریده‌های ستایش می‌کنم، تو را بی‌نهایت حمد می‌کنم... .

* * *

□ شرح دعا

به این سخن فاطمه ؑ فکر می‌کنم:

«...إِنَّ تَهْتَدِيَ الْفُلُوْبُ لِكُلِّ عَظَمَتِهِ».

«هیچ‌کس نمی‌تواند نهایت بزرگی خدا را درک کند».

این حقیقت مهمی است که من باید به آن توجه کنم، هیچ‌کس نمی‌تواند

به حقیقت خدا پی ببرد، برای همین است که خدا را در زبان عربی به نام «الله» می‌خوانند. «الله» از ریشه «آلَهُ» است، وقتی یک نفر در بیابانی، راه را گم کند، متحیر و سرگردان شود و نداند چه کند، در زبان عربی می‌گویند: «آلَةِ الرَّجُلُ»، یعنی آن مرد متحیر شد. یک نظر این است که نام خدا را از این ریشه گرفته‌اند.

وقتی می‌خواهم در مورد حقیقت خدا فکر کنم، چیزی جز تحریر نصیب من نمی‌شود، هیچ‌کس نمی‌تواند ذات خدا را درک کند، خدا را نمی‌توان با چشم‌ها دید و با خیال تصور کرد، او هیچ‌کدام از صفات مخلوقات را ندارد، او غیب است، برای همین هر کس که بخواهد ذات او را بشناسد، چیزی جز تحریر نصیب او نمی‌شود.^{۲۰}

امام باقر علیه السلام به ما دستور داده است که از فکر کردن در مورد ذات خدا پرهیز کنیم، زیرا هیچ‌گاه عقل بشر به آنجا راه ندارد، آری! ما می‌توانیم در مورد آیات و نشانه‌های خدا هر چقدر می‌خواهیم سخن بگوییم، برای شناخت صفات خدا باید به قرآن مراجعه کنیم، بینیم که خدا، خودش را برای ما چگونه معرفی کرده است.

حضرت فاطمه علیها السلام با این سخن خویش به ما می‌آموزد که همه از درک حقیقت خدا، متحیر و سرگشته‌اند، خدایی که از دیده‌ها پنهان است، خدایی که عقل بشری نمی‌تواند ذات او را درک کند.



□ ترجمهٔ دعا

خدايا! بر محمد و خاندان با برکت او درود بفرست، از تو مى خواهم بر جبرئيل، ميكائيل، اسرافيل و فرشتگان مقرّب درود بفرستي تا آنجا که از آنان خشنود شوي، خدايا! وقتی از آنان خشنود شدی باز به اندازه‌ای که تو شايستگی آن را داري بر آنان درود بفرست!

خدايا! بر «عزرائيل» که فرشته مرگ است و ياران او درود بفرست! بر «رضوان» که فرشته بهشت است و همه ياران او، درود بفرست! بر «مالک» که مأمور جهنم است و ياران او درود بفرست، بر فرشتگانی که اعمال ما را ثبت مى کنند، بر فرشتگانی که ما را از بلاها حفظ مى کنند، بر همه فرشتگانی که در جهان مأموریت دارند، درود بفرست، درود تو آنگونه باشد که از آنان خشنود شوي، سپس به اندازه‌ای که تو شايستگی آن را داري باز

هم بر آنان درود بفرست!

خدایا! بر پدر و مادر ما، آدم و حوا، درود بفرست، بر همه پیامبران،
صدیقان، شهیدان و نیکوکاران درود بفرست... .

از تو می خواهم بر محمد و اهل بیت پاک او، بر یاران برگزیده اش، بر
همسران پاکش، بر ذریّه او... درود بفرستی، درود تو آنگونه باشد که از آنان
خشند شوی، سپس به اندازه ای که تو شایستگی آن را داری باز هم بر آنان
درود بفرست!

خدایا! همانگونه که درود، برکت و رحمت خود را بر ابراهیم و خاندان او نثار
کردی، پس بر محمد و آل محمد نیز درود، برکت و رحمت خود را نثار کن
که تو بزرگوار هستی!

از تو می خواهم بالاترین مقام در بهشت را به محمد عطا کنی، آن قدر
مقام او را بالا ببری که او خشنود گردد و بعد از خشنودی او، باز هم مقام او
را آن طور که تو شایستگی آن را داری بالاتر ببری!

خدایا! بر محمد و خاندان او درود بفرست همان طور که از ما خواسته ای بر
او درود بفرستیم. از تو می خواهم بی نهایت بر محمد و خاندان او درود
بفرستی... به عدد همه مخلوقاتی که تاکنون خلق کرده ای، به عدد همه
مخلوقاتی که تا روز قیامت خلق خواهی کرد، بر محمد و آل محمد درود
بفرست... .

خدایا! همه خوبی ها از آن توسّت، تو بر بندگانیت منّت می نهی، بر آنان
نعمت فراوان می دهی، شکوه و بزرگی از توسّت، پادشاهی جهان از آن

توست، تو قدرت و عظمت داری، بزرگواری و مهربانی و پاکی و بخشش...
همه از توست، خدایی جز تو نیست، تو بزرگتر از آن هستی که به وصف
درآیی، ستایش مخصوص توست... .

من تو را ستایش می‌کنم، کاش من از لحظه اول خلقت جهان بودم و از آن
روز تا روز قیامت تو را ستایش می‌کردم، از تو می‌خواهم ستایش مرا
این‌گونه قرار بدھی: «ستایشی که از اول خلقت آغاز می‌شد و تا روز قیامت
ادامه پیدا می‌کرد».

من به عدد قطره‌های آب اقیانوس‌ها، به عدد برگ درختان، به عدد
ستارگان، به عدد قطره‌های باران، به عدد همه ذرات جهان... تو را ستایش
می‌کنم، من بی‌نهایت تو را حمد می‌کنم و به یگانگی تو اعتراف می‌کنم و
فریاد برمی‌آورم: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر».

تو خدایی نیستی که ما تو را ساخته باشیم! تو همیشه بوده‌ای و خواهی
بود، هیچ شریکی نداری و به کمک هیچ‌کس نیاز نداری، تو از همه
بی‌نیازی! از آن چه به ذهن ما می‌گذرد، بالاتری، تو آن‌گونه هستی که
خودت در قرآن بیان کرده‌ای، عقل ما نمی‌تواند حقیقت تو را درک کند.

* * *

□ شرح دعا

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

«خدایا! بر محمد و آل محمد درود بفرست».

فاطمهؑ در این دعا، چهارده بار این جمله را تکرار می‌کند و از خدا

می خواهد که بی نهایت درود خودش را بر پیامبر و خاندان او نازل کند.
فاطمه^{علیها السلام} به من یاد می دهد که در دعاهای خود، صلوات بر محمد و آل
محمد بفرستم، هیچ ذکر و دعایی همانند صلوات نیست، وقتی می گوییم:
«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»، در واقع از خدا می خواهیم که بر
پیامبر و خاندان او درود بفرستد، از خدا می خواهیم دین پیامبر را در جهان
گسترش بدهد.

وقتی من صلوات می فرستم از خدا درخواست می کنم که عظمت و شکوه
پیامبر و خاندانش بیشتر شود و بر جلال دین اسلام افزوده گردد. این
بهترین درخواست است.

وقتی من برای پیامبر و خاندان او، طلب رحمت می کنم و بر آنان صلوات
می فرستم، در حقیقت برای خودم هم طلب رحمت کرده ام، زیرا خدا آنان را
واسطه خیر و رحمت قرار داده است. آنان معدن رحمت خدا هستند، اساس
و اصل مهربانی خدا هستند.

در هر کجای دنیا که من مهربانی و عطوفت می بینم باید بدانم که آنان
واسطه جاری شدن آن مهربانی هستند. وقتی خدا می خواهد بر بندگان خود
مهربانی کند، خیر و برکتی را بر بندگان عطا نماید، آن رحمت را ابتدا بر
پیامبر و خاندان پاکش نازل می کند، زیرا خدا آنان را واسطه میان خود و
بندگانش قرار داده است.

هیچ کس نمی تواند رحمت خدا را به طور مستقیم دریافت کند مگر این که
لیاقت و شایستگی خاصی داشته باشد و خدا این شایستگی را فقط و فقط

به پیامبر و خاندان او داده است، برای همین است که فرشتگان هم بر پیامبر صلوات می‌فرستند.

* * *

در یک زمان، بیش از یک نفر نمی‌تواند حجت خدا باشد، هنگامی که فاطمه این دعا را می‌خواند پیامبر، حجت خدا بود، فاطمه^{علیها السلام} وقتی می‌خواهد با خدا سخن بگوید به یاد پیامبر است و از آن راه، رحمت خدا را به سوی خود جذب می‌کند.

لحظه‌ای فکر می‌کنم، اگر فاطمه^{علیها السلام} امروز در میان ما بود، در این دعا، از حضرت مهدی^{علیه السلام} سخن می‌گفت، چون در روزگار ما مهدی^{علیه السلام}، حجت خدا است.

کسی که دست به دعا بر می‌دارد اما از حجت خدا غافل شده است، خدا دعای او را نمی‌پذیرد و در حق او مهربانی نمی‌کند. من باید به این نکته توجه کنم، باید راه را گم کنم.

شخصی به کوهستان پناه برده بود، در آنجا خلوت کرده بود، روزها روزه می‌گرفت و شبها هم دعا می‌خواند. او هزاران بار خدا را صدا زد تا شاید صدایش را بشنود و حاجتش را روای کند.

چهل روز گذشت، او فکر می‌کرد که حالا دیگر خدا حاجت او را می‌دهد. غروب آن روز هم فرا رسید و او به خواسته خود نرسید! او دیگر طاقت نیاورد، به سوی شهر بازگشت. وقتی دوستانش او را دیدند از علت ناراحتی او سوال کردند. او ماجرا را گفت، آن‌ها به او گفتند: خوب

است نزد عیسیٰ بروی و از او علّت این ماجرا را سؤال کنی.
او نزد عیسیٰ آمد و جریان خود را تعریف کرد، عیسیٰ تعجب کرد که
چرا خدا حاجت این بندۀ خود را نداده است؟ او می‌خواست راز این کار را
بداند.

اینجا بود که خدا به عیسیٰ چنین گفت:
— ای عیسی! اگر او تا آخر عمر هم دعا می‌کرد من دعای او را مستجاب
نمی‌کرم!
— برای چه؟ مگر او چه کرده است؟
— اگر او می‌خواست من صدایش را بشنوم باید از دری می‌آمد که من آن را
معرّفی کرده‌ام. من تو را پیامبر و نماینده خود روی زمین قرار داده‌ام، او به
تو اعتقادی ندارد، چگونه می‌شود که من دعای او را مستجاب کنم در حالی
که می‌دانم در قلب خود، به پیامبری تو هیچ اعتقادی ندارد؟^{۲۱۵}
آری! این یک قانون خداست، اگر می‌خواهم خدا صدایم را بشنوی، باید به
حجت خدا اعتقاد داشته باشم. کسی که امام زمان خود را نشناسد، بیگانه
درگاه خداست، هر چقدر خدا را صدا بزند، جوابش را نمی‌دهد، او باید «بابُ
الله» را پیدا کند، باید از دروازه رحمت خدا وارد شود.



□ ترجمه دعا

از تو می خواهم بر محمد و آل محمد درود بفرستی و بهترین‌ها را به
محمد که فرستاده توست عطا کنی.

خدایا! خاندان پیامبر را در پناه تو قرار می‌دهم، خودم، مالم، فرزندانم،
خویشانم، همسایگانم را در پناه تو قرار می‌دهم، کسانی که در حق من دعا
کرده‌اند و به من نیکی کرده‌اند را در پناه تو قرار می‌دهم.

همگی این‌ها را در پناه تو و در پناه نامهای پاک و مبارک تو قرار می‌دهم،
آنان را در پناه قرآن و سوره حمد و همه سوره‌های آن قرار می‌دهم، آنان را
در پناه تورات، انجیل، زبور، کتاب ابراهیم و موسی و به هر کتابی که بر
پیامبرانت نازل کردی، قرار می‌دهم... .

خدایا! من به تو پناه می‌برم از بدی هر انسان بدخواه به تو پناه می‌برم از
هر چیزی که از آن می‌ترسم، از شرّ جنّها و انسان‌هایی که به تو ایمان
ندارند، از دست شیطان و پادشاهان ستمگر و پیروان آنان به تو پناه می‌برم.
به تو پناه می‌برم از شرّ غم و اندوه و پشیمانی و بلا! از شرّ هر چه که
می‌خواهد به من بدی برساند، از دست جادوگران و حسودان و بدخواهان به
تو پناه می‌برم... .

از شرّ هر جنبدهای که تو زمام او را در دست داری، به تو پناه می‌برم که تو
پناه من هستی و مرا کفایت می‌کنی و خدایی جز تو نیست و من بر تو توکل
می‌کنم که تو صاحب قدرت برتر هستی و همه جهان در قدرت توست.
خدایا! به تو پناه می‌برم از غم و اندوه و ناتوانی و کسالت و ترس و بخل! به
تو پناه می‌برم از این‌که دینم را از دست بدھم و دیگران بر من غلبه کنند.
به تو پناه می‌برم از عملی که سود نمی‌رساند و از چشمی که نمی‌گرید و از
قلبی که فروتنی نمی‌کند و از دعایی که تو آن را اجابت نمی‌کنی!
به تو پناه می‌برم از دوستانی که مرا از خطاباز نمی‌دارند و از جمعی که به
سوی گناه می‌رود و از محبتی که نتیجه‌ای جز خسaran ندارد، پس مرا حفظ
کن!

خدایا! من از هر چه (که محمد و فرشتگان و پیامبران و امامان پاک و
شهیدان و نیکوکاران و پرهیزکاران از آن به تو پناه برده‌اند) به تو پناه
می‌برم!

از تو می خواهم بر محمد و آل محمد درود بفرستی و هر خیری را که آنان
از تو خواسته‌اند به من هم از آن خیر عطا کنی و از هر شری که آنان از آن
به تو پناه برده‌اند، مرا هم از آن شر، پناه بدھی!

خدایا! من از تو همه خیرها را می خواهم، (چه آن خیر برای الان باشد و
چه برای آینده) (چه به آن خیر، علم داشته باشم یا به آن خیر علم نداشته
باشم)، من همه آن خیرها را از تو می خواهم.

خدایا! از وسوسه‌های شیطان به تو پناه می آورم، خدا! از این که شیطان
به من نزدیک شود به تو پناه می برم.

من نام تو را بر زبان جاری می کنم و «بسم الله» می گویم که همه بدی‌ها با
نام تو دور می شود. (بسم الله به اسم أعظم تو بسیار نزدیک است)، من به
نام تو این‌گونه پناه می برم:
بسم الله بر خاندان پیامبرم!

بسم الله بر خودم! بسم الله بر دینم!
بسم الله بر خاندان و مال و ثروت‌م!
بسم الله بر هر آنچه خدا به من عطا کرده است!
بسم الله بر دوستان و فرزندان و خویشانم!
بسم الله بر همسایگان و دوستانم!
بسم الله بر هر کس در حق من دعا کرده است!
بسم الله بر هر کس که به من نیکویی کرده است!

بسم الله بر رزق و روزی من!
به نام تو که به برکت اسم تو هیچ چیز نمی‌تواند ضرر بزند و شری برساند
که تو شنوا و بینا هستی!

* * *

□ شرح دعا

در این دعا چنین می‌خوانم:
«أُعِيدُ أَهْلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَنَفْسِي...».
«خاندان پیامبر و خودم و ... را در پناه تو قرار می‌دهم».
فاتحه علیها السلام به من یاد می‌دهد که قبل هر چیز برای سلامتی اهل بیت علیهم السلام
دعا کنم، امروز من باید قبل از هر چیز برای حضرت مهدی علیها السلام دعا کنم و از
خدا بخواهم تا شر دشمنان را از او دور گرداند، این درسی است که من از
فاتحه علیها السلام فرا گرفتم.

* * *

دعای فاطمه علیها السلام این گونه ادامه پیدا می‌کند:
«بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِي وَمَالِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ أَعْطَانِي رَبِّي...».
«بسم الله بر خودم! بسم الله بر دینم! بسم الله بر خاندان و مال و ثروتم!
بسم الله بر هر آنچه خدا به من عطا کرده است...».
از فاطمه علیها السلام یاد گرفتم که در برابر بدی‌ها نالمید نشوم و بدانم در مقابل
وسوشهای شیطان و بدخواهی دشمنان، راه نجات دارم، راه نجات من این

است که به خدا پناه ببرم.

«بسم الله» آنقدر عظمت دارد که می‌تواند بدی‌ها را از من دور گرداند،
چقدر اسم اعظم خدا به «بسم الله» نزدیک است.

هر کس به خدا پناه ببرد، خدا او را پناه می‌دهد، مؤمن هرگز تنها نیست،
مؤمن خدا را دارد و هنگام ترس‌ها و وحشت‌ها به لطف او پناه می‌آورد،
کسی که به خدا پناه ببرد، ناامید نمی‌شود.



□ ترجمه دعا

بار خدایا بر محمد و خاندان پاک او درود بفرست! خدایا! فرج آل محمد را
نزدیک کن (ظهور مهدی علیه السلام را نزدیک کن)! خدایا! گره از کار من و کار همه
مؤمنان بگشا!

خدایا! بر محمد و خاندان پاک او درود بفرست و توفیقم بده تا بتوانم آنان
را یاری کنم و روزگار دولت و حکومت آنان را درک کنم. خدایا! در دنیا و
آخرت مرا با آنان قرار بده و مرا از آنان جدا مکن!
خدایا! خودت آنان را از بلاها حفظ نما تا به آنان خیر و خوبی برسد، خدایا!
من و همه شیعیان و محبان و دوستان و همه مؤمنان را از بلاها حفظ نما
که تو بر هر کاری توانایی!

به نام تو! تو همه ما را آفریدی، سرانجام برای حسابرسی به نزد تو
می‌آییم، فقط تو پیروز هستی و همه ناتوانند، هر چه تو بخواهی، همان
می‌شود، هیچ قدرتی جز قدرت تو نیست، تو برای من کفایت می‌کنی.
به تو توکل می‌کنم، همه امور را به تو می‌سپارم، به تو پناه می‌برم، تو
تکیه‌گاه من هستی!

چون خدایی همچون تو دارم پس به دیگران فخر می‌فروشم و افتخار
می‌کنم و احساس عزت می‌کنم! خدایی جز تو نیست، تو همواره زنده و
پاینده هستی! جهان در دست باکفایت توست. تو را به عدد ریگ‌های بیابان
و ستارگان و فرشتگان به یگانگی یاد می‌کنم. خدایی جز تو نیست، تو
یگانه‌ای و هیچ شریکی نداری، تو بلند مرتبه‌ای، عظمت تو به درک ما
نمی‌آید.

خدایی جز تو نیست، تو از هر عیبی و نقصی به دور هستی، این من هستم
که به خودم ستم کرده‌ام!

هر قدرتی که می‌بینم از تو قدرت گرفته است، تو خدای بلند مرتبه هستی!
تو برای یاری من، کفایت می‌کنی و من بر تو توکل می‌کنم، از تو می‌خواهم
تا بر محمد و خاندان پاک او درود بفرستی!

* * *

□ شرح دعا

در این دعا فاطمه^{علیها السلام} از خدا چنین می‌خواهد:

«وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ فَرَجِّعْهُمْ».

«خدا فرج آل محمد را نزدیک کن! ظهور مهدی علیه السلام را نزدیک کن».

این ندای فاطمه علیها السلام است که در تاریخ پیچیده است، او از همه ما می‌خواهد تا مهدی علیه السلام را از یاد نبریم و او را فراموش نکنیم که او حجت خدا بر ماست. چه دردی از این بالاتر که شیعیان، امام خود را از یاد ببرند و عهد و پیمانی را که با او داشته‌اند فراموش کنند.

غیبت امام زمان، یک علت بیشتر ندارد و آن غفلت شیعیان است، غفلتی که برای خیلی‌ها عادی شده است، خیلی‌ها هفته‌ها می‌گذرد و از امام خود یادی نمی‌کنند، آنان به غیبت امام، عادت کرده‌اند و به فکر غمها و غصه‌های او نیستند و به سرابی دلخوش شده‌اند.

خدا مزد رسالت پیامبر را محبت به اهل بیت علیهم السلام قرار داده است، کسی که برای ظهور تو دعا می‌کند به این دستور خدا عمل کرده است.

امام زمان برای شیعیانش این پیام را داده‌اند: «ای شیعیان! برای ظهور من زیاد دعا کنید که گشایش شما در ظهور من است».

منتظران واقعی هرگز از چشم انتظاری خسته نمی‌شوند و دست از دعا برای ظهور امام زمان برنمی‌دارند، آنان می‌دانند که گشایش در همه امور، فقط به ظهور او وابسته است.

دعا برای آمدن او، بهترین عبادت است و هیچ‌چیز مانند آن، خدا را خوشحال نمی‌کند. همه شیعیان باید بدانند که خدا هیچ کاری را به اندازه

دعا برای ظهر امام زمان دوست ندارد، این کار باعث شادی دل پیامبر و حضرت فاطمه علیها السلام و امامان معصوم می‌شود.

این سخن امام کاظم علیه السلام است: «مهدی از دیده‌ها پنهان می‌شود ولی یادش از دل‌های مؤمنان هرگز فراموش نمی‌شود». ۲۲

آری، شیعه واقعی در هر زمان و مکان به وظایفی که بر عهده دارد، عمل می‌کند و همراه آن وظایف تلاش می‌کند با دعا برای ظهر، یاد امام زمان را زنده نگاه دارد، دعا برای ظهر، دعا برای همه زیبایی‌هاست.

* * *

این دعا را حضرت فاطمه علیها السلام بعد از نماز صبح می‌خواند و آن را به فرزندان خود یاد داد، سال‌ها گذشت تا این‌که زمان امام سجاد علیه السلام رسید، در آن زمان بود که این دعا به «دعای حریق» مشهور شد، یعنی دعایی که آتش‌سوزی را رفع می‌کند.

روزی از روزها امام سجاد علیه السلام از خانه خود خارج شده بود، به او خبر دادند که خانه امام در آتش سوخته است، امام در پاسخ گفت: «خانه من در آتش نمی‌سوزد»، بعداً معلوم شد که همه خانه‌هایی که در آن محله بوده است، دچار آتش‌سوزی شده است ولی آتش به خانه امام سراحت نکرده است.

اینجا بود که امام باقر علیه السلام علت را از پدرش جویا شد، امام سجاد علیه السلام در پاسخ چنین گفت: «پسر عزیزم! من دعایی را در اختیار دارم که برای من از دنیا و آنچه در دنیاست، بهتر است، این دعا از رازهای خداست و جبرئیل آن را

برای پیامبر آورده است. پیامبر آن را به علی و فاطمه علیهم السلام یاد داد، این دعا به من رسیده است. هر کس صبح این دعا را بخواند، خدا هزار فرشته را مأمور می‌کند تا او و خاندانش و فرزندانش و مالش را از آتش سوزی، غرق، زیر آوار ماندن و دیگر بلاها حفظ کنند و خدا شرّ شیطان و حاکم ستمگر را از او دور می‌کند و او را از شرّ هر انسان بدخواه نجات می‌دهد و او در امن و امان خدا خواهد بود. اگر کسی با ایمان و با اخلاص این دعا را بخواند، خدا ثواب صد صدیق را به او می‌دهد و اگر آن روز بمیرد به برکت این دعا، اهل بیهشت خواهد بود. این دعا را به خاطر بسپار و آن را فقط به کسانی که به آنان اطمینان داری، یاد بده که هر کس خدا را به این دعا بخواند خدا حاجت او را می‌دهد».

این‌گونه بود که این دعا (که حضرت فاطمه علیهم السلام بعد از نماز صبح می‌خواند) به «دعای حریق» شناخته شد، دعایی که به اذن خدا، آتش‌سوزی و همه بلاها را رفع می‌کند.

دعای حاجت

دعاهای حضرت فاطمهؑ را که بعد از نمازهای روزانه می‌خواند، ذکر کردم، در پایان کتاب، دعای مهمی را (که خواندن آن برای رواشدن حاجت‌ها، تأثیر زیادی دارد) می‌نویسم.

امام حسن عسکری این ماجرا را نقل کرده است: مادرم فاطمهؑ برايم چنین گفت: روزی از روزها، پیامبر به دیدار من آمد و به من گفت: «ای فاطمه! آیا می‌خواهی دعایی به تو یاد بدhem؟ هر کس، خدا را با این دعا بخواند، دعایش به اجابت می‌رسد و دیگر زهری که دشمن به او می‌دهد در او اثر نمی‌کند، جادوی بدخواهان در او اثر نمی‌کند، شیطان نمی‌تواند به او آسیبی برساند، و حاجت‌های او برآورده می‌شود».

فاطمهؑ در پاسخ گفت: «بله. ای پدر بزرگوارم! به خدا دوست دارم این دعا را از تو بیاموزم، بدان که این دعایی را که تو می‌گویی از دنیا و آنچه در

دنیاست، بیشتر دوست می‌دارم».

اینجا بود که پیامبر این دعا را به فاطمه^{علیها السلام} یاد دادند، در پایان دعا، پیامبر به دخترش چنین گفتند: «وقتی تو این دعا را خواندی و حاجت خود را طلب کردی و خدا را صدا زدی، خدا در پاسخ به تو چنین می‌گوید: ای فاطمه! بله!
بله!».

اکنون ترجمه این دعا را ذکر می‌کنم و در قسمت پایانی کتاب، متن عربی آن را به عنوان «دعای حاجت» می‌آورم.

* * *

يا الله! اى خدایی که نام تو گرامی‌ترین نامی است که به زبان جاری
می‌شود، نام تو در عزّت و فرمانروایی، قدیمی‌ترین نام است.
يا الله! اى کسی که هر کس از تو طلب مهربانی کند تو به او مهربانی
می‌کنی، اى پناه کسانی که به تو پناه می‌آورند، هر کس غم و غصه به دل
داشته باشد و دردش را به تو بگوید تو به او رحم می‌کنی.
من از درگاه تو گدایی می‌کنم و می‌دانم که درگاه تو، بهترین جا برای گدایی
کردن است و تو خیلی زود به گدای خویش، پاسخ می‌دهی! اى کسی که
فرشتگان که از جنس نور هستند از عظمت تو در هراسند!
تو را می‌خوانم به حق آن اسم‌های تو که فرشتگان تو را به آن می‌خوانند،
آن فرشتگانی که نظام هستی را به اذن تو اداره می‌کنند و از هراس عذاب،
ذکر تو را بر زبان دارند و تو را تسبیح می‌کنند.

تو را به آن نامهایت می‌خوانم که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل تو را به آن
می‌خوانند، از تو می‌خواهم دعایم را اجابت کنی و گره از کارم بگشایی و
گناهانم را پوشانی!

تو در روز قیامت فرمان می‌دهی تا اسرافیل در «صور» بددم و همه
مردگان به قدرت تو زنده می‌شوند و همه برای حسابرسی حاضر می‌شوند.
به حق آن نامی که با آن، استخوان‌های پوسیده را زنده می‌کنی، از تو
می‌خواهم که قلبم را زنده کنی، سینه‌ام را گشاده گردانی تا بر طاقتمن افزوده
شود، از تو می‌خواهم امور زندگی مرا اصلاح کنی!

ای کسی که جاودانگی را فقط برای خودت قرار دادی و مرگ و زندگی و
فنا را برای آفریده‌های خود قرار دادی و همه سرانجام نابود می‌شوند و فقط
تو می‌مانی!

ای کسی که هر کاری بخواهی انجام بدهی، فقط دستور آن را می‌دهی،
دستور تو بر همه چیز جاری می‌شود، انجام هر کاری برای تو آسان است و
کافی است فقط اراده کنی.

وقتی ابراهیم علیه السلام را در آتش انداختند، او تو را به نامی از نامهایت صدا زد و
تو او را از آتش نجات دادی، من اکنون تو را به همان نام می‌خوانم.

وقتی موسی علیه السلام در کوه طور گرفتار سرما شد و راه را گم کرد، تو را به نامی
از نامهایت صدا زد و او را نجات دادی، من تو را به همان نام می‌خوانم.

وقتی ایوب به بلاهای فراوان گرفتار شد، تو را به نامی از نامهایت خواند و
تو بلاها را از او دور کردی، من تو را به همان نام می‌خوانم.
خدایا! توبه داود علیه السلام را پذیرفتی چون او تو را به آن نام صدا زد.

خدایا! باد را در اختیار سلیمان قرار دادی، جنّ‌ها را تسلیم فرمان او کردی،
زبان پرنده‌گان را به او یاد دادی، زیرا سلیمان ﷺ تو را به آن نام خواند.
وقتی ایوب به بلاهای فراوان گرفتار شد، تو را به نامی از نام‌هایت خواند و
تو بلاها را از او دور کردی، من تو را به همان نام می‌خوانم.

یحییٰ ﷺ فرزندی نداشت، به سن پیری رسیده بود، او تو را به آن نام
خواند و تو به او فرزندی چون زکریا دادی.
تو عیسیٰ ﷺ را بدون آن‌که پدر داشته باشد از «روح القدس» با آن نام
خودت خلق کردی.

خدایا! تو را به آن نام می‌خوانم که عرش و کرسی را با آن نام آفریدی، تو
را به آن نام می‌خوانم که فرشتگانی را که در بالاترین جایگاه عرش تو
هستند، آفریدی، تو را به آن نام می‌خوانم که جنّ‌ها و انسان‌ها را با آن نام
خلق کردی!

تو را با آن نام می‌خوانم که آفریده‌ها را با آن نام، خلق کردی، تو هر چه که
اراده کنی با آن اسم خلق می‌کنی، با آن نام، بر هر کاری توانایی داری!
خدایا! تو را به حق این اسم‌های بزرگ می‌خوانم که حاجتم را برآوری، و
خواسته‌هایم را اجابت فرمایی که تو بزرگواری!

* * *

ارتباط با نویسنده و ارسال نظر: پیامک به شماره ۴۵۶۹ ۳۰۰۰

همراه نویسنده ۹۱۳۲۶۱ ۹۴۳۳ سایت نویسنده: www.Nabnak.ir

متن عربی

ادعیه

دعاى بعد

نماز ظهر

سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَادِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاتِحِ الْقَدِيرِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ بَلَغْتُ مَا بَلَغْتُ مِنَ الْعِلْمِ بِهِ وَ الْعَمَلُ لَهُ وَ الرَّغْبَةُ إِلَيْهِ وَ الطَّاعَةُ لِأَمْرِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي جَاهِدًا لِشَيْءٍ مِنْ كِتَابِهِ وَ لَا مُتَحِيرَةً فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي إِلَى دِينِهِ وَ لَمْ يَجْعَلْنِي أَعْبُدُ شَيْئًا غَيْرَهُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَوْلَ التَّوَابِينَ وَ عَمَلَهُمْ وَ نَجَاهَةَ الْمُجَاهِدِينَ وَ ثَوَابَهُمْ وَ تَصْدِيقَ الْمُؤْمِنِينَ وَ تَوْكِلَهُمْ وَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْأَمْنَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَ اجْعَلْ الْمَوْتَ خَيْرًا غَائِبًا أَنْتَظِرُهُ وَ خَيْرًا مَطْلَعًا يَطْلُعُ عَلَيَّ وَ ارْزُقْنِي عِنْدَ حُضُورِ الْمَوْتِ وَ عِنْدَ نُزُولِهِ وَ فِي عَمَرَاتِهِ وَ حِينَ تَنْزِلُ النَّفْسُ مِنْ بَيْنِ الشَّرَاقِي وَ حِينَ تَبْلُغُ الْحُلُوقَوْمَ وَ فِي حَالِ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا وَ تِلْكَ السَّاعَةُ الَّتِي لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي فِيهَا ضَرًًا وَ لَا نَعًَا وَ لَا شَدَّةً وَ لَا رَحَاءً رَوْحًا مِنْ رَحْمَتِكَ وَ حَطَّاً مِنْ رِضْوَانِكَ وَ بُشْرَى مِنْ كَرَامَتِكَ قَبْلَ أَنْ تَتَوَفَّ نَفْسِي وَ تَقْبِضَ رُوحِي وَ تُسَلِّطَ مَلَكُ الْمَوْتِ عَلَى

إِخْرَاجٍ نَفْسِيٍّ بِسُشْرَىٰ مِنْكَ يَا رَبَّ لَيْسَتْ مِنْ أَحَدٍ غَيْرَكَ تُشْلُجُ بِهَا صَدْرِيٍّ وَ تَسْرُّ
بِهَا نَفْسِيٍّ وَ تُقْرُّ بِهَا عَيْنِيٍّ وَ يَتَهَلَّلُ بِهَا وَ جَهِيٌّ وَ يَسْفُرُ بِهَا لَوْنِيٍّ وَ يَطْمَئِنُّ بِهَا
قَلْبِيٍّ وَ يَتَبَاشِرُ بِهَا سَائِرُ جَسَدِيٍّ يَغْبِطُنِيٍّ بِهَا مِنْ حَضَرَنِيٍّ مِنْ حَلْقِكَ وَ مَنْ سَمَعَ
بِي مِنْ عِبَادِكَ تُهَوَّنُ عَلَيَّ بِهَا سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَ تُفَرُّجُ عَنِّي بِهَا كُرْبَتَهُ وَ تُحَفَّفُ
عَنِّي بِهَا شِدَّتَهُ وَ تَكْشِفُ عَنِّي بِهَا سُقْمَهُ وَ تَدْهَبُ عَنِّي بِهَا هَمَّهُ وَ حَسْرَتَهُ وَ
تَعْصِمُنِي بِهَا مِنْ أَسْفِهِ وَ فِتْنَتِهِ وَ تُجَيِّزُنِي بِهَا مِنْ شَرِّهِ وَ شَرًّا مَا يَحْضُرُ آهْلُهُ وَ
تَرْزُقُنِي بِهَا خَيْرَهُ وَ خَيْرًا مَا يَحْضُرُ عِنْدَهُ وَ خَيْرًا مَا هُوَ كَائِنُ بَعْدَهُ.

ثُمَّ إِذَا تَوْفَّيْتَ نَفْسِيٍّ وَ قَبْضَتْ رُوحِيٍّ فَأَجْعَلْ رُوحِيٍّ فِي الْأَرْوَاحِ الرَّابِحَةِ وَ اجْعَلْ
نَفْسِيٍّ فِي الْأَنْفُسِ الصَّالِحَةِ وَ اجْعَلْ جَسَدِيٍّ فِي الْأَجْسَادِ الْمُطَهَّرَةِ وَ اجْعَلْ عَمَلِيٍّ
فِي الْأَعْمَالِ الْمُنْقَبَلَةِ ثُمَّ ارْزُقُنِي فِي خِطْطِيٍّ مِنَ الْأَرْضِ حِصْتِيٍّ وَ مَوْضِعَ جَنْبِيٍّ
حَيْثُ يُرْفَعُ لَحْمِيٍّ وَ يُدْفَنُ عَظْمِيٍّ وَ أُثْرَكُ وَ حِيدَأً لَا حِيلَةَ لِي قَدْ لَعَظَتِنِي الْبِلَادُ وَ
تَخَلَّى مِنِّي الْعِبَادُ وَ افْتَقَرَتُ إِلَى رَحْمَتِكَ وَ احْتَجَتُ إِلَى صَالِحِ عَمَلِيٍّ وَ الْقَى مَا
مَهَدْتُ لِنَفْسِيٍّ وَ قَدَّمْتُ لِأَخْرِيَتِيٍّ وَ عَمِلْتُ فِي أَيَّامِ حَيَاةِيٍّ فَوْزًا مِنْ رَحْمَتِكَ وَ
صِيَاءً مِنْ نُورِكَ وَ تَبَيَّنَتَا مِنْ كَرَامَتِكَ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ
إِنَّكَ تُضِلُّ الظَّالِمِينَ وَ تَفْعُلُ مَا تَشَاءُ.

ثُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْبَعْثِ وَ الْحِسَابِ إِذَا أَنْشَقَتِ الْأَرْضُ عَنِّي وَ تَخَلَّى الْعِبَادُ مِنِّي وَ
عَشِيشَتِي الصَّيْحَةُ وَ أَفْزَعَتِي النَّفَحَةُ وَ نَشَرَتِي بَعْدَ الْمَوْتِ وَ بَعَثَتِي لِلْحِسَابِ
فَابْعَثْ مَعِي يَا رَبَّ نُورًا مِنْ رَحْمَتِكَ يَسْعَى بَيْنَ يَدَيَّ وَ عَنْ يَمِينِي تُؤْمِنِي بِهِ وَ
تَرْبِطُ بِهِ عَلَى قَلْبِيٍّ وَ تُظْهِرُ بِهِ عُدْرِيٍّ وَ تُبَيِّضُ بِهِ وَ جَهِيٍّ وَ تُصَدِّقُ بِهَا حَدِيثِيٍّ وَ
تُفْلِجُ بِهِ حُجَّتِيٍّ وَ تُبَلَّغُنِي بِهَا الْعُرْوَةَ الْوُثْقَى مِنْ رَحْمَتِكَ وَ تُحَلِّنِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا

مِنْ جَنَّتِكَ وَ تَرْزُقُنِي بِهِ مُرَافَقَةً مُحَمَّدٌ النَّبِيُّ عَبْدِكَ وَ رَسُولَكَ فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ
دَرَجَةً وَ أَبْلَغِهَا فَضْيَلَةً وَ أَبْرَهَا عَطِيَّةً وَ أَوْفَقِهَا نُفْسَةً مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ
النَّبِيِّينَ وَ الصَّدِيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حُسْنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ عَلَى
الْمَلَائِكَةِ أَجْمَعِينَ وَ عَلَى أَلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ عَلَى أَئِمَّةِ الْهُدَى أَجْمَعِينَ أَمِينَ
رَبِّ الْعَالَمِينَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا رَحْمَتَنَا بِهِ وَ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا عَزَّزْنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا فَصَلَّتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
كَمَا شَرَّفْنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَصَرْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا آنْقَدْنَا
بِهِ مِنْ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ.

اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهُهُ وَ أَعْلَى كَعْبَهُ وَ أَفْلِحْ حُجَّتَهُ وَ أَثْمِمْ نُورَهُ وَ ثَقْلُ مِيزَانَهُ وَ عَظِيمُ
بُرْهَانَهُ وَ افْسَحْ لَهُ حَتَّى يَرْضَى وَ بَلْغُهُ الدَّرَجَةُ وَ الْوَسِيلَةُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ ابْعَثْهُ الْمَقَامَ
الْمَحْمُودُ الَّذِي وَعَدْتَهُ وَاجْعَلْهُ أَفْضَلَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَ وَسِيلَةً
وَ افْصُصْ بِنَا آثَرَهُ وَ اسْقِنَا بِكَاسِهِ وَ أُورِدْنَا حَوْضَهُ وَ احْسِرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَ تَوَفَّنَا
عَلَى مِلَّتِهِ وَ اسْلُكْ بِنَا سُبْلَهُ وَ اسْتَعْمِلْنَا بِسُسْتِهِ غَيْرَ خَرَابِاً وَ لَا نَادِمِينَ وَ لَا شَاكِينَ
وَ لَا مُبَدِّلِينَ.

يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِدَاعِيهِ وَ حِجَابُهُ مَرْفُوعٌ لِرَاجِيهِ يَا سَائِرَ الْأَمْرِ الْفَبِيجِ وَ مُدَاوِيَ
الْقُلُوبِ الْجَرِيجِ لَا تَعْصَخْنِي فِي مَشْهَدِ الْقِيَامَةِ بِمُوبِقاتِ الْأَثَامِ وَ لَا ثُعْرِضْ
بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ عَنِي مِنْ بَيْنِ الْأَنَامِ يَا غَايَةَ الْمُضْطَرِ الْفَقِيرِ وَ يَا جَابِرَ الْعَظِيمِ
الْكَسِيرِ هَبْ لِي مُوبِقاتِ الْجَرَائِرِ وَ اعْفُ عَنْ فَاخِحَاتِ السَّرَائِرِ وَ اغْسِلْ قَلْبِي مِنْ

وِزْرِ الْحَطَايَا وَ اِرْفُنِي حُسْنَ الْاِسْتِعْدَادِ لِنُزُولِ الْمَنَائِيَا يَا اَكْرَمَ الْاَكْرَمِيْنَ وَ مُنْتَهَى
اُمْيَّةِ السَّائِلِيْنَ.

اَنْتَ مَوْلَايَ فَتَحْتَ لِي بَابَ الدُّعَاءِ وَ الْإِنْبَاهَةِ فَلَا تُعْلِقْ عَنِّي بَابَ الْقَبُولِ وَ الْاجَابَةِ وَ
نَجِّنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ وَ بَوْئِنِي غُرْفَاتِ الْجَنَانِ وَ اجْعَلْنِي مُسْتَمْسِكًا بِالْعُرْوَةِ وَ
الْوُثْقَى وَ اخْتِمْ لِي بِالسَّعَادَةِ وَ اَخْبِنِي بِالسَّلَامَةِ يَا ذَا الْفَضْلِ وَ الْكَمَالِ وَ الْعِزَّةِ وَ
الْجَلَالِ لَا تُشْمِثْ بِي عَدُوًا وَ لَا حَاسِدًا وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ سُلْطَانًا عَنِيدًا وَ لَا شَيْطَانًا
مَرِيدًا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ وَ صَلَّى
اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيْمًا.^{٢٣}

دعاى بعد

نماز عصر

سُبْحَانَ مَنْ يَعْلَمُ خَوَاطِرَ الْقُلُوبِ سُبْحَانَ مَنْ يُحْصِي عَدَادَ الدُّنُوبِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَحْفَى عَلَيْهِ حَافِيَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي كَافِرًا لِأَنْعُمَهُ وَ لَا جَاهِدًا لِفَضْلِهِ فَالْخَيْرُ فِيهِ وَ هُوَ أَهْلُهُ .
وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حُجَّتِهِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ مِمْنَ أَطَاعَهُ وَ مِمْنَ عَصَاهُ فَإِنْ رَحِمَ فَوْنَى مَنْهُ وَ إِنْ عَاقَبَ فِيمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ «وَ مَا اللَّهُ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ» .

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، الْعَلِيِّ الْمَكَانِ، وَ الرَّفِيعُ الْبُشِّيرُ، الشَّدِيدُ الْأَرْكَانِ، الْعَزِيزُ السُّلْطَانُ، الْعَظِيمُ الشَّانُ، الْواضِحُ الْبَرْهَانُ، الرَّحِيمُ الرَّحْمَنُ الْمُنْعِمُ الْمَنَانُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي احْتَجَبَ عَنْ كُلِّ مَخْلُوقٍ يَرَاهُ بِحَقِيقَةِ الرُّؤُوبِيَّةِ وَ قُدْرَةِ الْوَحْدَانِيَّةِ فَلَمْ تُذْرِكْهُ الْأَبْصَارُ وَ لَمْ تُحِيطْ بِهِ الْأَخْبَارُ وَ لَمْ يُعِينْهُ مِقْدَارٌ وَ لَمْ يَتَوَهَّمْهُ اعْتِيَازُ لِاَنَّهُ الْمَلِكُ الْجَبارُ .

اللَّهُمَّ قَدْ تَرَى مَكَانِي وَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَ تَطْلُعُ عَلَى أَمْرِي وَ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَ لَيْسَ يَحْفَى عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِي وَ قَدْ سَعَيْتُ إِلَيْكَ فِي طَلَبِي وَ طَلَبْتُ إِلَيْكَ فِي حَاجَتِي وَ تَضَرَّعْتُ إِلَيْكَ فِي مَسَالَتِي وَ سَأَلْتُكَ لِقَعْدَرَ وَ حَاجَةٍ وَ ذِلَّةٍ وَ ضِيقَةٍ وَ

بُوْسٍ وَ مَسْكَنَةٍ وَ أَنْتَ الرَّبُّ الْجَوَادُ بِالْمَغْفِرَةِ تَجِدُ مَنْ تُعَذِّبُ غَيْرِي وَ لَا أَجِدُ مَنْ يَعْفُرُ لِي غَيْرَكَ وَ أَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِي وَ أَنَا فَقِيرٌ إِلَى رَحْمَتِكَ فَاسْأَلْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ وَ غَنِاكَ عَنِي وَ بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ وَ قَلَّةً امْتِنَاعِي مِنْكَ أَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي هَذَا دُعَاءً وَاقِفَ مِنْكَ إِجَابَةً وَ مَجْلِسِي هَذَا مَجْلِسًا وَاقِفَ مِنْكَ رَحْمَةً وَ طَلِيتِي هَذِهِ طَلِبَةً وَاقِفَتْ نَجَاحًا وَ مَا حَفِظْتُ عُسْرَتَهُ مِنَ الْأُمُورِ فَيَسِّرْهُ وَ مَا حَفِظْتُ عَجْزَهُ مِنَ الْأَشْيَاءِ فَوَسِّعْهُ وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءِ مِنَ الْخَلَائِقِ كُلُّهُمْ قَاتِلُهُمْ أَمِينٌ يَا أَرَحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ هَوْنُ عَلَيَّ مَا خَشِيَتُ شِدَّتُهُ وَ اكْسِفَ عَنِي مَا خَشِيَتُ كُرْبَتُهُ وَ يَسِّرْ لِي مَا خَشِيَتُ عُسْرَتُهُ أَمِينٌ رَبُّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ انْزِعْ الْعُجُبَ وَ الرِّيَاءَ وَ الْكِبْرَ وَ الْبُنْيَ وَ الْحَسَدَ وَ الْضَّعْفَ وَ الشَّكَ وَ الْوَهْنَ وَ الظُّرُّ وَ الْأَسْقَامَ وَ الْخِدْلَانَ وَ الْمُكْرَ وَ الْخَدِيَعَةَ وَ الْبَلِيَّةَ وَ الْفَسَادَ مِنْ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ جَمِيعِ جَوَارِحِي وَ خُذْ بِنَاصِيَتِي إِلَى مَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى يَا أَرَحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفُرْ ذَنْبِي وَ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَ أَمِنْ رَوْعَتِي وَ اجْبُرْ مُصِيبَتِي وَ أَعْنِ فَقْرِي وَ يَسِّرْ حَاجَتِي وَ أَفْلَنِي عَشْرَتِي وَ اجْمَعْ شَمْلِي وَ اكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي وَ مَا غَابَ عَنِي وَ مَا حَضَرَنِي وَ مَا أَتَخَوَّفُهُ مِنْكَ يَا أَرَحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ فَوَضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ وَ الْجَاهُ ظَهْرِي إِلَيْكَ وَ أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ بِمَا جَنَيْتُ عَلَيْهَا فَرَقًا مِنْكَ وَ خَوْفًا وَ طَمَعاً وَ أَنْتَ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَقْطَعُ الرَّجَاءَ وَ لَا يُخَيِّبُ الدُّعَاءَ فَاسْأَلْكَ بِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ حَلِيلَكَ وَ مُوسَى كَلِيمَكَ وَ عِيسَى رُوْجَكَ وَ مُحَمَّدٍ صَفِيكَ وَ نَبِيِّكَ أَلَا تَصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِي حَتَّى تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَ تَرْحَمَ عَبْرَتِي وَ تَغْفِرَ لِي حَطِيَّتِي يَا أَرَحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ اللَّهُمَّ اجْعُلْ ثَارِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَ انْصُرْنِي عَلَى مَنْ عَادَنِي اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ

مُصِيبَتِي فِي دِينِي وَ لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هِمَّتِي وَ لَا مُبْلَغٌ عِلْمِي، إِلَهِي أَضْلِخْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي وَ أَصْلَحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي وَ أَصْلَحْ لِي أَخِرَّتِي الَّتِي إِلَيْهَا مَعَادِي وَ اجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي مِنْ كُلِّ حَيْرٍ وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِي، اللَّهُمَّ أَحِينِي مَا عَلِمْتَ الْحَيَاةَ حَيْرًا لِي وَ تَوَفَّنِي إِذَا كَانَتِ الْوَفَاهُ حَيْرًا لِي وَ اسْأَلُكَ حَشْيَتَكَ فِي الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ وَ الْعَدْلِ فِي الْغَضَبِ وَ الرِّضَا وَ اسْأَلُكَ الْقَضَادِ فِي الْفَقْرِ وَ الْغَنَى وَ اسْأَلُكَ نَعِيْمًا لَا يَبِيدُ وَ قُرْءَةَ عَيْنٍ لَا يَنْقِطُعُ وَ اسْأَلُكَ الرِّضا بَعْدَ الْقَضَاءِ وَ اسْأَلُكَ لَدَةَ النَّظَرِ إِلَيْ وَ جِهَتَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَهْدِيْكَ لِإِرْشَادِ أَمْرِي وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي اللَّهُمَّ عَمِلْتُ سُوءً وَ طَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفُ لِي إِنَّهُ لَا يَعْفُرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي اسْأَلُكَ تَعْجِيلَ عَافِيَتِكَ وَ صَبَرًا عَلَى بَلِيَّتِكَ وَ خُرُوجًا مِنَ الدُّنْيَا إِلَى رَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهِدُكَ وَ أَشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَ أَشْهِدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ اسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَا كَائِنُ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ شَيْءٌ وَ الْمُكَوَّنُ لِكُلِّ شَيْءٍ وَ الْكَائِنُ بَعْدَ مَا لَا يَكُونُ شَيْءٌ اللَّهُمَّ إِلَى رَحْمَتِكَ رَفَعْتُ بَصَرِي وَ إِلَى جُودِكَ بَسَطْتُ كَفَّيَ فَلَا تَحْرِمْنِي وَ أَنَا اسْأَلُكَ وَ لَا تُعَذِّبْنِي وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ فَاعْفُ لِي فَإِنَّكَ بِي عَالِمٌ وَ لَا تُعَذِّبْنِي فَإِنَّكَ عَلَيَّ قَادِرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ ذَا الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ وَ الصَّلَةِ النَّافِعَةِ الرَّافِعَةِ صَلَّى عَلَى أَكْرَمِ خَلْقِكَ عَلَيْكَ وَ أَحَبِّهِمْ إِلَيْكَ وَ أَوْجَهِهِمْ لَدِيْكَ مُحَمَّدٌ عَبْدِكَ وَ رَسُولُكَ الْمُحْصُوصِ بِقَضَائِلِ الْوَسَائِلِ آشْرَفَ وَ أَكْمَلَ وَ أَرْفَعَ وَ أَعْظَمَ وَ أَكْرَمَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى مُبْلِغٍ عَنْكَ مُؤْتَمِنٍ

عَلَى وَحْيِكَ اللَّهُمَّ كَمَا سَدَدْتَ بِهِ الْعُمَى وَ فَتَحْتَ بِهِ الْهُدَى فَاجْعُلْ مَنَاهِجَ سُبْلِهِ
لَنَا سُنَّةً وَ حُجَّةً بُرْهَانِهِ لَنَا سَبَبًا نَاتِمٌ بِهِ إِلَى الْقُدُومِ عَلَيْكَ.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِلْأَ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مِلْأَ طَبَاقِهِنَّ وَ مِلْأَ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا
مِلْأَ بَيْنَهُمَا وَ مِلْأَ عَرْشِ رَبِّنَا الْكَرِيمِ وَ مِيزَانَ رَبِّنَا الْفَقَارِ وَ مِدَادَ كَلِمَاتِ رَبِّنَا الْفَهَارِ وَ
مِلْأَ الْجَنَّةِ وَ مِلْأَ النَّارِ وَ عَدَدَ الْمَاءِ وَ التَّرَى وَ عَدَدَ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى.

اللَّهُمَّ وَ اجْعُلْ صَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ مَنَّكَ وَ مَغْفِرَتَكَ وَ رَحْمَتَكَ وَ رِضْوانَكَ وَ
فَضْلَكَ وَ سَلَامَتَكَ وَ ذِكْرَكَ وَ نُورَكَ وَ شَرَفَكَ وَ نِعْمَتَكَ وَ خَيْرَتَكَ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ
خَمِيدٌ مَحِيدٌ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ الْعَظِيمَ وَ كَرِيمَ جَرَائِكَ فِي الْعُقُبَى حَتَّى
تُشَرِّفَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا إِلَهَ الْهُدَى.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى جَمِيعِ مَلَائِكَتِكَ وَ آنِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ
سَلَامٌ عَلَى جَبَرِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ حَمَلَةِ الْعَرْشِ وَ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ
الْكَرِامُ الْكَاتِبِينَ وَ الْكَرُوبِيِّينَ وَ سَلَامٌ عَلَى مَلَائِكَتِكَ أَجْمَعِينَ وَ سَلَامٌ عَلَى أَبِينَا
آدَمَ وَ عَلَى أَمْنَا حَوَاءَ وَ سَلَامٌ عَلَى النَّبِيِّنَ أَجْمَعِينَ وَ الصَّدِيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ
الصَّالِحِينَ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ أَجْمَعِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ لَا حَوْلَ وَ
قُوَّةً إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ حَسِيَّ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ وَ صَلَى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِهِ وَ سَلَّمَ كَثِيرًا.^{٢٤}

دعاى بعد

نماز مغرب

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُخْصِي نَعْمَاءَهُ
الْعَادُونَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُوَدِّي حَقَّهُ الْمُجْتَهِدُونَ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ
وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمُحْبِي الْمُمِيتُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ دُو
الطَّوْلِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ دُو الْبَقَاءِ الدَّائِمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُدْرِكُ الْعَالَمُونَ عِلْمَهُ وَ لَا
يَسْتَخِفُ الْجَاهِلُونَ حِلْمَهُ وَ لَا يَبْلُغُ الْمَادِحُونَ مِدْحَتَهُ وَ لَا يَصِفُ الْوَاصِفُونَ صِفَتَهُ
وَ لَا يُخْسِنُ الْخَلْقُ نَعْتَهُ.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ ذِي الْمُلْكِ وَ الْمَلْكُوتِ وَ الْعَظَمَةِ وَ الْجَبَرُوتِ وَ الْكَبِيرِيَاءِ وَ الْجَلَالِ وَ
الْبَهَاءِ وَ الْمَهَابَةِ وَ الْجَمَالِ وَ الْعِزَّةِ وَ الْقُدْرَةِ وَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ وَ الْمِنَّةِ وَ الْغَلَبةِ وَ
الْفَضْلِ وَ الطَّوْلِ وَ الْعَدْلِ وَ الْحَقِّ وَ الْخَلْقِ وَ الْعَلَا وَ الرِّزْقَةِ وَ الْمَجْدِ وَ الْفَضْيَلَةِ وَ
الْحِكْمَةِ وَ الْغِنَاءِ وَ السَّعَةِ وَ الْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ وَ الْحِلْمِ وَ الْعِلْمِ وَ الْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ وَ
النُّعْمَةِ السَّابِعَةِ وَ التَّنَاءِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ وَ الْأَلَاءِ الْكَرِيمَةِ مَلِكِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ
الْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَ مَا فِيهِنَ تَبَارَكَ اللَّهُ وَ تَعَالَى.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلِمَ أَسْرَارَ الْغُيُوبِ وَ اطْلَعَ عَلَى مَا تَجْنِي الْقُلُوبُ فَلَيْسَ عَنْهُ

مَدْهُبٌ وَ لَا مَهْرُبٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُتَكَبِّرِ فِي سُلْطَانِهِ الْعَزِيزِ فِي مَكَانِهِ الْمُتَجَبِّرِ فِي مُلْكِهِ الْقُوِيِّ فِي بَطْشِهِ الرَّفِيعِ فَوْقَ عَرْشِهِ الْمُطْلَعِ عَلَى خَلْقِهِ وَ الْبَالِغِ لِمَا أَرَادَ مِنْ عِلْمِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِكَلِمَاتِهِ قَامَتِ السَّمَاوَاتِ الشَّدَادُ وَ تَبَيَّنَتِ الْأَرْضُونَ الْمِهَادُ وَ اتَّصَبَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِيُّ الْأَوْتَادُ وَ جَرَتِ الرِّيَاحُ الْلَّوَاقُونُ وَ سَارَتِ فِي جَوَّ السَّمَاءِ السَّحَابُ وَ وَقَفَتِ عَلَى حُدُودِهَا الْبِحَارُ وَ وَجَلَتِ الْفُلُوبُ عَنْ مَخَافِتِهِ وَ اتَّقَمَتِ الْأَرْبَابُ لِرُبُوبِتِهِ.

تَبَارَكَتْ يَا مُحْصِي قَطْرِ الْمَطَرِ وَ وَرَقِ الشَّجَرِ وَ مُحْبِي أَجْسَادِ الْمَوْتَى لِلْحَسْرِ سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْأَكْرَامِ مَا فَعَلْتَ بِالْغَرِيبِ الْفَقِيرِ إِذَا آتَاكَ مُسْتَحِيرًا مُسْتَغِيشًا مَا فَعَلْتَ بِمَنْ أَنْأَيْتَ بِفَنَائِكَ وَ تَعَرَّضَ لِرِضَاكَ وَ غَدَا إِلَيْكَ فَحَثَا بَيْنَ يَدِيكَ يَئْسُكُو إِلَيْكَ مَا لَا يَحْفَى عَلَيْكَ فَلَا يَكُونَنَّ بِاَرَبَّ حَظِيٍّ مِنْ دُعَائِي الْحِرْمَانَ وَ لَا نَصِيبِي مِمَّا أَرْجُو مِنْ مَنْكَ الْخِدْلَانَ يَا مَنْ لَمْ يَزَلْ وَ لَا يَزَالُ وَ لَا يَرُولُ كَمَا لَمْ يَرَلْ قَائِمًا عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ يَا مَنْ جَعَلَ أَيَّامَ الدُّنْيَا تَرُولُ وَ شُهُورَهَا تَحَوَّلُ وَ سَيِّهَا تَدُورُ وَ أَنْتَ الدَّائِمُ لَا تُبْلِيَكَ الْأَزْمَانُ وَ لَا تُعَيِّرَكَ الدُّهُورُ يَا مَنْ كُلُّ يَوْمٍ عِنْدَهُ جَدِيدٌ وَ كُلُّ رُوقٍ عِنْدَهُ عَتِيدٌ لِلْعَصِيفِ وَ الْقَوِيِّ وَ الشَّدِيدِ قَسَمْتَ الْأَرْزَاقَ بَيْنَ الْحَلَاقِ فَسَوَيْتَ بَيْنَ الدَّرَةِ وَ الْعُصْفُورِ.

اللَّهُمَّ إِذَا ضَاقَ الْمَقْامُ بِالنَّاسِ فَعُوْدِي بِكَ فِي صِيقِ الْمَقْامِ اللَّهُمَّ إِذَا طَالَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ عَلَى الْمُجْرِمِينَ فَقَصِّرْ طُولَ ذِلِكَ الْيَوْمِ عَلَيْنَا كَمَا بَيْنَ الصَّلَاةِ إِلَى الصَّلَاةِ اللَّهُمَّ إِذَا دَنَتِ الشَّمْسُ مِنَ الْجَمَاجِمِ فَكَانَ بَيْهَا وَ بَيْنَ الْجَمَاجِمِ مِقْدَارٌ مِيلٌ وَ زِيدَ فِي حَرْهَا حَرُّ عَشْرِ سِينِينَ فَإِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تُنْظِلَنَا بِالْغَمَامِ وَ تَنْصِبَ لَنَا الْمَنَابِرَ وَ الْكَرَاسِيَّ نَجْلِسُ عَلَيْهَا وَ النَّاسُ يَنْتَلِقُونَ فِي الْمَقْامِ أَمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ الْمَحَامِدِ إِلَّا غَفَرْتَ لِي وَ ثَجَاؤْتَ عَنِي وَ أَبْسُنْتَ الْعَافِيَةَ فِي

بَدَنِي وَ رَزَقْتَنِي السَّلَامَةَ فِي دِينِي فَإِنِّي أَسْأَلُكَ وَ أَنَا وَاثِقٌ بِإِجَابَتِكَ إِيَّاَيِ فِي
مَسَالَّتِي وَ أَدْعُوكَ وَ أَنَا عَالِمٌ بِاسْتِماعِكَ دَعْوَتِي فَاسْتَمِعْ دُعَائِي وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِي
وَ لَا تَرُدَّ تَنَائِي وَ لَا تُحِبِّبْ دُعَائِي.

أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رِضْوَانِكَ وَ فَقِيرٌ إِلَى عُفْرَانِكَ أَسْأَلُكَ وَ لَا آيْسُ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ
أَدْعُوكَ وَ أَنَا عَيْرُ مُحْتَرِزٍ مِنْ سَخْطِكَ رَبَّ فَاسْتَجِبْ لِي وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ
تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَ الْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ رَبَّ لَا تَمْنَعْنِي فَضْلَكَ يَا مَنَانُ وَ لَا تَكِلْنِي
إِلَى نَفْسِي مَحْذُولًا يَا حَنَانُ.

رَبَّ ارْحَمْ عِنْدَ فِرَاقِ الْأَحِبَّةِ صَرْعَتِي وَ عِنْدَ سُكُونِ الْقُبْرِ وَحْدَتِي وَ فِي مَفَازَةِ
الْقِيَامَةِ غُرْبَتِي وَ بَيْنَ يَدِيْكَ مَوْقُوفًا لِلْحِسَابِ فَاقْتَيْ رَبَّ أَسْتَجِهِرُكَ مِنَ النَّارِ وَ
أَجْرِنِي رَبَّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَاعْدِنِي أَفْرَعُ إِلَيْكَ مِنَ النَّارِ فَأَبْعَدِنِي رَبَّ
أَسْتَرْجِمُكَ مَكْرُوبًا فَأَرْحَمْنِي رَبَّ أَسْتَغْفِرُكَ لِمَا جَهَلْتُ فَاغْفِرْ لِي قَدْ أَبْرَزَنِي
الدُّعَاءُ لِلْحَاجَةِ إِلَيْكَ فَلَا تُؤْسِنِي يَا كَرِيمُ ذَا الْأَلَاءِ وَ الْأَحْسَانِ وَ التَّجَاوِرِ.

يَا سَيِّدِي يَا بَرُّ يَا رَحِيمُ اسْتَجِبْ بَيْنَ الْمُتَضَرِّعِينَ إِلَيْكَ دَعْوَتِي وَ ارْحَمْ بَيْنَ
الْمُتَتَحِّسِينَ بِالْعَوِيلِ عَبْرَتِي وَ اجْعَلْ فِي لِقَائِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ مِنَ الدُّنْيَا رَاحِتِي وَ
اَسْتُرْ بَيْنَ الْأَمْوَاتِ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ عَوْرَتِي وَ اعْطِفْ عَلَيَّ عِنْدَ التَّحَوُّلِ وَ حِيدَأَ إِلَى
حُفْرَتِي إِنَّكَ أَمْلِي وَ مَوْضِعُ طَلَبِتِي وَ الْعَارِفُ بِمَا أُرِيدُ فِي تَوْجِيهِ مَسَالَّتِي فَاقْضِ
يَا قَاضِي الْحَاجَاتِ حَاجَتِي فَالْيَكَ الْمُشْتَكِي وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَنُ وَ الْمُرْتَجَى.

أَفِرُّ إِلَيْكَ هَارِبًا مِنَ الدُّنْوِبِ فَاقْبِلْنِي وَ التَّبِّعِي مِنْ عَدْلِكَ إِلَى مَغْفِرَتِكَ فَادْرِكْنِي
وَ الْتَّاذِ بِعَفْوِكَ مِنْ بَطْشِكَ فَامْتَعْنِي وَ اسْتَرْوُحْ رَحْمَتِكَ مِنْ عِقَابِكَ فَنَجِنِي وَ
أَطْلُبُ الْقُرْبَةَ مِنْكَ بِالْإِسْلَامِ فَقَرِبْنِي وَ مِنَ الْفَزْعِ الْأَكْبَرِ فَأَمِنِي وَ فِي ظِلِّ عَرْشِكَ
فَظَلَّلْنِي وَ كِفَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ فَهَبْ لِي وَ مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا فَنَجِنِي وَ مِنَ الظُّلُمَاتِ

إِلَى النُّورِ فَأَخْرِجْنِي وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَبَيْضُ وَجْهِي وَ حِسَابًا يَسِيرًا فَحَاسِبِنِي وَ إِسْرَائِيلِي فَلَا تَفْضَحْنِي وَ عَلَى بَلَائِكَ فَصَبِّرْنِي وَ كَمَا صَرَفْتَ عَنْ يُوسُفَ السُّوءَ وَ الْفَحْشَاءَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَ مَا لَآ طَاقَةَ لِي بِهِ فَلَا تُحَمِّلْنِي وَ إِلَى دَارِ السَّلَامِ فَاهْدِنِي وَ بِالْقُرْآنِ فَانْفَعْنِي وَ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فَثَبِّنِي وَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ فَاحْفَظْنِي وَ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ وَ جَبْرُوتِكَ فَاعْصِمْنِي وَ بِحِلْمِكَ وَ عِلْمِكَ وَ سَعَةَ رَحْمَتِكَ مِنْ جَهَنَّمَ فَنَجِّنِي وَ جَنَّتَكَ الْفَزْدُوسَ فَاسْكِنِي وَ النَّظرَ إِلَى وَجْهِكَ فَارْزُقْنِي وَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدِ فَالْحِقْنِي وَ مِنَ الشَّيَاطِينِ وَ أُولَائِهِمْ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍ فَاكْفِنِي.

اللَّهُمَّ وَ أَعْذَّنِي وَ مِنْ كَادِنِي بِسُوءِ إِنْ أَتَوْ بَرًّا فَجَبَّنْ شَحِيعَهُمْ فُضَّ جَمْعُهُمْ كَلْ سِلَاحَهُمْ عَرْقِبَ دَوَابَهُمْ سَلْطُ عَلَيْهِمُ الْعَوَاصِفَ وَ الْقَوَاصِفَ أَبَدًا حَتَّى تُصْلِيهِمُ التَّارِ آنِلَهُمْ مِنْ صَيَاصِبِهِمْ أَمْكِنَنَا مِنْ نَوَاصِبِهِمْ أَمِينَ رَبُّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّأَ يَشْهَدُ الْأَوْلُونَ مَعَ الْأَبْرَارِ وَ سَيِّدِ الْمُقْتَيْنَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّنَ وَ فَائِدِ الْحَيْرِ وَ مِفتَاحِ الرَّحْمَةِ.

اللَّهُمَّ رَبُّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَ الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَ رَبُّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ رَبُّ الرُّكْنِ وَ الْمَقْامِ وَ رَبُّ الْحِلْ وَ الْأَحْرَامِ أَبْلِغُ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنَا التَّحِيَّةَ وَ السَّلَامَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ.

سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ فَهُوَ كَمَا وَصَفْتَهُ بِالْمُؤْمِنِينَ رَوْفٌ رَحِيمٌ اللَّهُمَّ أَعْطِهِ أَفْضَلَ مَا سَالَكَ وَ أَفْضَلَ مَا سُئِلَتَ لَهُ وَ أَفْضَلَ مَا هُوَ مَسْئُولٌ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

دعاى بعد

نماز عشاء

سُبْحَانَ مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ سُبْحَانَ مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعَزَّتِهِ سُبْحَانَ
مَنْ حَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِأَمْرِهِ وَ مُلْكِهِ سُبْحَانَ مَنِ انْقَادَتْ لَهُ الْأُمُورُ بِأَرْتَهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي لَا يَنْسَى مَنْ ذَكَرَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُحِبُّ مَنْ دَعَاهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنْ
تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَامِكِ السَّمَاءِ وَ سَاطِحِ الْأَرْضِ وَ حَاسِرِ الْبِحَارِ وَ نَاصِدِ
الْجِبَالِ وَ بَارِئِ الْحَيَوَانِ وَ خَالِقِ الشَّجَرِ وَ فَاتِحِ يَتَابِعِ الْأَرْضِ وَ مُدَبِّرِ الْأُمُورِ وَ
مُسَيِّرِ السَّحَابِ وَ مُجْرِي الرِّيحِ وَ الْمَاءِ وَ النَّارِ مِنْ أَعْوَارِ الْأَرْضِ مُتَصَادِعَاتٍ فِي
الْهَوَاءِ وَ مُهْبِطِ الْحَرَّ وَ الْبَزْدِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُ الصَّالِحَاتُ وَ بِشُكْرِهِ تُسْتَوْجَبُ
الرِّيَادَاتُ وَ بِأَمْرِهِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ بِعِزَّتِهِ اسْتَقَرَّتِ الرَّأْسِيَاتُ وَ سَبَحَتِ الْوُحُوشُ
فِي الْقَلَوَاتِ وَ الطَّيْرُ فِي الْوُكُنَاتِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ مُنْزِلُ الْآيَاتِ وَاسِعِ
الْبَرَكَاتِ سَاتِرِ الْعَوْرَاتِ قَابِلِ الْحَسَنَاتِ مُقِيلِ الْعَرَبَاتِ مُنْفَسِ الْكُرُبَاتِ مُنْزِلُ
الْبَرَكَاتِ مُجِيبِ الدَّعَوَاتِ مُحِبِّي الْأَمْوَاتِ إِلَهُ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَاتِ الْحَمْدُ
لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَمْدٍ وَ ذِكْرٍ وَ شُكْرٍ وَ صَبْرٍ وَ صَلَاةٍ وَ زَكَاةٍ وَ قِيَامٍ وَ عِبَادَةٍ وَ سَعَادَةٍ وَ

بَرَكَةٌ وَ زِيَادَةٌ وَ رَحْمَةٌ وَ نِعْمَةٌ وَ كَرَامَةٌ وَ فَرِيضَةٌ وَ سَرَاءٌ وَ ضَرَاءٌ وَ شَدَّةٌ وَ رَخَاءٌ وَ
مُصِيبَةٌ وَ بَلَاءٌ وَ عُسْرٌ وَ يُسْرٌ وَ غَنَاءٌ وَ فَقْرٌ وَ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ فِي كُلِّ أَوَانٍ وَ زَمَانٍ
وَ كُلِّ مَوْعِيٍّ وَ مُنْقَلِبٍ وَ مَقَامٍ.

اللَّهُمَّ إِنِّي عَايَدُكَ فَاعِذْنِي وَ مُسْتَحِيرُكَ فَاجْرِنِي وَ مُسْتَعِينُكَ فَاعِنِي وَ
مُسْتَعِيشُكَ فَاغْنِنِي وَ دَاعِيكَ فَاجْبِنِي وَ مُسْتَغْفِرُكَ فَاغْفِرْ لِي وَ مُسْتَصْرِكَ
فَاصْرِنِي وَ مُسْتَهْدِيكَ فَاهْدِنِي وَ مُسْتَكْفِيكَ فَاكْفِنِي وَ مُلْتَجِ الِّيْكَ فَاوْنِي وَ
مُتَمَسِّكُ بِحَبْلِكَ فَاعْصِمْنِي وَ مُتَوَكِّلُ عَلَيْكَ فَاكْفِنِي وَ اجْعَلْنِي فِي عِبَادِكَ وَ
جِوارِكَ وَ حَوْزِكَ وَ كَنْفِكَ وَ حِيَاطَتِكَ وَ حِرَاسَتِكَ وَ كِلَائِتِكَ وَ حَرَمِكَ وَ أَمْنِكَ وَ
تَحْتِ ظِلِّكَ وَ تَحْتِ جَنَاحِكَ وَ اجْعَلْ عَلَيَّ جَنَّةً وَاقِيَّةً مِنْكَ وَ اجْعَلْ حِفْظَكَ وَ
حِيَاطَتِكَ وَ حِرَاسَتِكَ وَ كِلَائِتِكَ مِنْ وَرَائِي وَ أَمَامِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي وَ
مِنْ فُوقِي وَ مِنْ تَحْتِي وَ حَوْالِي حَتَّى لَا يَصِلَّ أَحَدٌ مِنَ الْمَحْلُوقِينَ إِلَى مَكْرُوهِيِّ
وَ أَدَاءِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمُنَانُ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ دُوَّالِجَالِ وَ الْأَكْرَامِ.

اللَّهُمَّ اكْفِنِي حَسَدَ الْحَاسِدِينَ وَ بَعْيَ الْبَاغِينَ وَ كَيْدَ الْكَائِدِينَ وَ مَكْرُ الْمَاكِرِينَ وَ
حِيلَةَ الْمُحْتَالِينَ وَ غِيلَةَ الْمُعْتَالِينَ وَ غَيْبَةَ الْمُعْتَابِينَ وَ ظُلْمَ الظَّالِمِينَ وَ جَوْرَ
الْجَائِرِينَ وَ اعْتِدَاءَ الْمُعْتَدِينَ وَ سَخْطَ الْمُتَسْخَطِينَ وَ تَسْحُبَ الْمُتَسْحِبِينَ وَ صَوْلَةَ
الصَّائِلِينَ وَ اقْتِسَارَ الْمُفْتَسِرِينَ وَ غَشْمَ الْغَاشِمِينَ وَ خَبْطَ الْخَابِطِينَ وَ سِعَايَةَ
السَّاعِينَ وَ نَمِيمَةَ النَّمَامِينَ وَ سِحْرَ السَّحَرَةِ وَ الْمَرَدَةِ وَ الشَّيَاطِينِ وَ جَوْزَ
السَّلَاطِينَ وَ مَكْرُوهَةَ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسَّالُكَ بِاسْمِكَ الْمَحْزُونِ الطَّيِّبِ الطَّاهِرِ الَّذِي قَامَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَ
الْأَرْضُ وَ أَشْرَقَتْ لَهُ الظُّلْمُ وَ سَبَّحَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ وَ وَجَلَتْ مِنْهُ الْقُلُوبُ وَ خَضَعَتْ

لَهُ الرِّقَابُ وَ أَحْبَيْتَ بِهِ الْمُؤْتَى أَنْ تَعْفِرَ لِي كُلَّ دَنْبٍ أَدْنَبْتُهُ فِي ظُلْمِ اللَّيْلِ وَ ضَوْءِ
النَّهَارِ عَمْدًاً أَوْ خَطَّأً سِرًّاً أَوْ عَلَانِيَةً وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا وَ هَدْيَاً وَ نُورًا وَ عِلْمًا وَ فَهْمًا
حَتَّى أَقِيمَ كِتَابَكَ وَ أَجِلَ حَلَالَكَ وَ أَحْرَمَ حَرَامَكَ وَ أُودِي فَرَائِصَكَ وَ أَقِيمَ سُنَّةَ
نَبِيِّكَ مُحَمَّدَ اللَّهُمَّ احْقِنِي بِصَالِحٍ مَنْ مَضَى وَ اجْعُلْنِي مِنْ صَالِحٍ مَنْ بَقَى وَ
اخْتِمْ لِي عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ إِنَّكَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ.

اللَّهُمَّ إِذَا فَنَيَ عُمْرِي وَ تَصَرَّمْتُ أَيَّامُ حَيَايِي وَ كَانَ لَا بُدَّ لِي مِنْ لِقَائِكَ فَلَأْسأُوكَ
يَا لَطِيفُ أَنْ تُوْجِبَ لِي مِنَ الْجَنَّةِ مَنْزِلًا يَعْطِينِي بِهِ الْأَوْلَوْنَ وَ الْآخِرُونَ اللَّهُمَّ افْبِلْ
مِدْحَاتِي وَ التَّهَافِي وَ ازْحَمْ ضَرَاعَتِي وَ هِتَافِي وَ افْرَارِي عَلَى نَفْسِي وَ اعْتِزَافِي فَقَدْ
أَسْمَعْتُكَ صَوْتِي فِي الدَّاعِينَ وَ خُشُوعِي فِي الضَّارِعِينَ وَ مِدْحَاتِي فِي الْقَائِلِينَ وَ
تَسْبِيحِي فِي الْمَادِحِينَ وَ أَنْتَ مُجِيبُ الْمُضْطَرِّينَ وَ مُغِيْثُ الْمُسْتَغْيَرِينَ وَ غِيَاثُ
الْمُلْهُوفِينَ وَ جِرْزُ الْهَارِبِينَ وَ صَرِيخُ الْمُؤْمِنِينَ وَ مُقْيِلُ الْمُذْنِبِينَ وَ صَلَى اللَّهُ عَلَى
الْبَشِيرِ النَّذِيرِ وَ السَّرَّاجِ الْمُنَنِيرِ وَ عَلَى جَمِيعِ الْمُلَائِكَةِ وَ النَّبِيِّينَ.

اللَّهُمَّ ذَاهِي الْمَذْهُوَاتِ وَ بَارِي الْمَسْمُوَكَاتِ وَ جَبَالَ الْقُلُوبِ عَلَى فِطْرَتِهَا شَقِيقَهَا
وَ سَعِيدَهَا اجْعَلْ شَرَائِفَ صَلَواتِكَ وَ نَوَامِي بَرَكَاتِكَ وَ رَوَافِهَ تَحْيَاتِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ
عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ الْقَائِمِ بِحُجَّتِكَ وَ الدَّابَّ عَنْ حَرَمِكَ وَ
الصَّادِعِ بِأَمْرِكَ وَ الْمُشَيَّدِ بِأَيَّاتِكَ وَ الْمُؤْفِي لِنَدِيرِكَ.

اللَّهُمَّ فَأَعْطِهِ بِكُلِّ فَضْلِهِ مِنْ فَضَائِلِهِ وَ مَنْقَبَةِ مِنْ مَنَاقِبِهِ وَ حَالِ مِنْ أَحْوَالِهِ وَ
مَنْزِلَةِ مِنْ مَنَازِلِهِ رَأَيْتَ مُحَمَّدًا لَكَ فِيهَا نَاصِرًا وَ عَلَى مَكْرُوهِ بَلَائِكَ صَابِرًا وَ لِمَنْ
عَادَكَ مُعَادِيًّا وَ لِمَنْ وَالاَكَ مُؤَالِيًّا وَ عَنْ مَا كَرِهْتَ نَائِيًّا وَ إِلَى مَا أَحْبَبْتَ دَاعِيًّا
فَضَائِلَ مِنْ جَزَائِكَ وَ حَصَائِصَ مِنْ عَطَائِكَ وَ حَبَائِكَ ثُسْنِي بِهَا أَمْرَهُ وَ تُعْلِي

بِهَا دَرَجَتْهُ مَعَ الْفُؤَامِ يَقْسِطِكَ وَ الدَّاَبِينَ عَنْ حَزِمِكَ حَتَّى لَا يَيْقِنَ سَنَاءً وَ لَا يَهْأَءِ
وَ لَا رَحْمَةً وَ لَا كَرَامَةً إِلَّا خَصَصْتَ مُحَمَّدًا بِذَلِكَ وَ أَتَيْتَهُ مِنْهُ الدُّرَى وَ بَلَغْتُهُ
الْمَقَامَاتِ الْعَلَى آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ دِينِي وَ نُفْسِي وَ جَمِيعَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَ اجْعَلْنِي فِي كَنْفِكَ
وَ حِفْظِكَ وَ عِزِّكَ وَ مَئِعَكَ عَزَّ جَارُكَ وَ جَلَّ شَنَاؤُكَ وَ تَقَدَّسْتُ أَسْمَاؤُكَ وَ لَا إِلَهَ
غَيْرُكَ حَسْبِي أَنْتَ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَاءِ وَ الشَّدَّةِ وَ الرَّحَاءِ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ
﴿رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَ إِلَيْكَ أَنْبَنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾، ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ
كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾، ﴿رَبَّنَا اضْرَفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ
عَذَابَهَا كَانَ غَرَاماً إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقاَمًّا﴾.

﴿رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ﴾، ﴿رَبَّنَا إِنَّنَا أَمْنًا فَاغْفِرْ
لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفَرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَ أَتَنَا مَا وَعَدْنَا عَلَى رُسُلِكَ وَ
لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾.

﴿رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَلْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اعْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا
أَنَّ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾، ﴿رَبَّنَا أَتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ
حَسَنَةً وَ قِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ﴾.

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدِ النَّبِيِّ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً.
٢٦

دعای بعد

نماز صبح (دعای حريق)

● متن زیر را سه بار می خوانی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أُشْهِدُكَ وَ كَفَىٰ بِكَ شَهِيدًا وَ أُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَ سُكَّانَ سَبْعِ سَمَاوَاتِكَ وَ أَرْضِكَ وَ آنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلِكَ وَ وَرَثَةَ آنْبِيَاءِكَ وَ رُسُلِكَ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكَ وَ جَمِيعَ خَلْقِكَ فَأَشْهَدُ لِي وَ كَفَىٰ بِكَ شَهِيدًا أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَعْبُودُ وَ حَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ أَنَّ كُلًّا مَعْبُودٌ مِمَّا دُونَ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ السَّابِعةِ السُّفْلَى بَاطِلٌ مُضْمَحِلٌ مَا خَلَّ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ فَإِنَّهُ أَعَزُّ وَ أَكْرَمُ وَ أَجْلُ وَ أَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَصِفَ الْوَاصِفُونَ كُنْهَ جَلَالِهِ أَوْ تَهْتَدِيَ الْقُلُوبُ إِلَى كُنْهِ عَنْمَتِهِ يَا مِنْ فَاقَ مَدْحَ الْمَادِحِينَ فَخُرُّ مَدْحِهِ وَ عَذَا وَصَفَ الْوَاصِفِينَ مَا ثُرَّ حَمْدِهِ وَ جَلَّ عَنْ مَقَالَةِ النَّاطِقِينَ تَعْظِيمُ شَانِهِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَهْلَ التَّعْوَى وَ أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ .

● سپس این متن زیر را یازده بار می خوانی:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوْبُ إِلَيْهِ،
ما شاءَ اللَّهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ
الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمْسِي وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْحَيْزُ وَهُوَ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

● سپس این متن زیر را یازده بار می خوانی:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوْبُ إِلَيْهِ مَا شاءَ
اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ الْعَلِيِّ الْعَنَظِيمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْمُلِكِ
الْقُدُّوسِ الْحَقِّ الْمُبِينِ عَدَدَ حَلْقِهِ وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمِلْأَا سَمَاوَاتِهِ وَأَرْضِهِ وَعَدَدَ مَا
جَرَى بِهِ قَلْمَهُ وَأَحْصَاهُ كِتَابَهُ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَرِضَى نَفْسِهِ.

● سپس ادامه دعا را یک بار می خوانی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ الْمُبَارَكِينَ وَصَلِّ عَلَى جَبْرِيلَ وَ
مِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ أَجْمَعِينَ وَالْمَلَائِكَةَ الْمُقَرَّبِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَيْهِمْ جَمِيعاً حَتَّى تُبْلِغَ عَنْهُمُ الرِّضا وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضا مِمَّا أَنْتَ آهُلُهُ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى مَلَكِ الْمَوْتِ وَأَعْوَانِهِ وَصَلِّ
عَلَى رِضْوَانَ وَخَزَنَةِ الْجِنَانِ وَصَلِّ عَلَى مَالِكٍ وَخَزَنَةِ النَّبِيَّنَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ
حَتَّى تُبَلَّغُهُمُ الرِّضا وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضا مِمَّا أَنْتَ آهُلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَفَظَةِ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَالسَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ وَالْحَفَظَةِ لِبْنِي

آدم و صلٰ عَلَى مَلَائِكَةِ الْهَوَاءِ وَ مَلَائِكَةِ السَّمَاوَاتِ الْعُلَى وَ مَلَائِكَةِ الْأَرْضِينَ
السُّفْلَى وَ مَلَائِكَةِ الْلَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ الْأَرْضِ وَ الْأَقْطَارِ وَ الْبِحَارِ وَ الْأَنْهَارِ وَ الْبَرَارِي وَ
الْفَلَوَاتِ وَ الْقِفَارِ وَ الْأَشْجَارِ وَ صلٰ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الَّذِينَ أَعْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ
الشَّرَابِ بِتَسْبِيحِكَ وَ تَقْدِيسِكَ وَ عِبَادَتِكَ اللَّهُمَّ صلٰ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبَلِّغُهُمُ الرَّضَا
وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرَّضَا مِمَّا أَنْتَ آهُلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صلٰ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ صلٰ عَلَى أَبِينَا آدَمَ وَ أَمْنَا حَوَاءَ وَ مَا وَلَدَاهُ
مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّدِيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ اللَّهُمَّ صلٰ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبَلِّغُهُمُ
الرَّضَا وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرَّضَا مِمَّا أَنْتَ آهُلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صلٰ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَ آهُلِ بَيْتِهِ الطَّلَيْبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ عَلَى أَصْحَابِهِ الْمُتَبَّجِينَ وَ عَلَى أَرْوَاجِهِ
الْمُطَهَّرَاتِ وَ عَلَى ذُرَيْتَهُ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى كُلِّ نَبِيٍّ بَشَرٍ بِمُحَمَّدٍ وَ عَلَى كُلِّ نَبِيٍّ وَ لَدَهُ
مُحَمَّداً وَ عَلَى كُلِّ امْرَأٍ صَالِحةٍ كَفَلَتْ مُحَمَّداً وَ عَلَى كُلِّ مَلَكٍ هَبَطَ إِلَيْهِ مُحَمَّدٍ وَ
عَلَى كُلِّ مَنْ فِي صَلَواتِكَ عَلَيْهِ رِضَى لَكَ وَ رِضَى لِتَبِيكَ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ صلٰ
عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبَلِّغُهُمُ الرَّضَا وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرَّضَا مِمَّا أَنْتَ آهُلُهُ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صلٰ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ازْخِمْ
مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَافَضَلِ مَا صَلَيْتَ وَ بَارِكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ
إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً وَ الْفَضْلَ وَ الْفَضْلِيَّةَ وَ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ
وَ أَعْطِهِ حَتَّى يَرْضَى وَ زِدْهُ بَعْدَ الرَّضَا مَا أَنْتَ آهُلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صلٰ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَمْرَنَا أَنْ نُصَلِّي عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صلٰ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا يَبْغِي لَنَا أَنْ نُصَلِّي عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صلٰ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

مُحَمَّدٌ بِعَدَدِ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ كُلِّ حَرْفٍ فِي صَلَاةِ صُلُّيَّتْ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ كُلِّ شَعْرَةٍ وَلَفْظَةٍ وَلَحْظَةٍ وَنَفَسٍ وَصِفَةٍ وَسُكُونٍ وَحَرَكَةٍ مِمَّنْ صَلَّى عَلَيْهِ وَمِمَّنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ وَبِعَدَدِ سَاعَاتِهِمْ وَدَقَائِقِهِمْ وَسُكُونِهِمْ وَحَرَكَاتِهِمْ وَحَقَائِقِهِمْ وَمِيقَاتِهِمْ وَأَيَامِهِمْ وَشُهُورِهِمْ وَسِينِيهِمْ وَأَسْعَارِهِمْ وَأَبْشَارِهِمْ وَبِعَدَدِ زَيْنَةِ ذَرٍّ مَا عَمِلُوا أَوْ يَعْمَلُونَ أَوْ بَلَغَهُمْ أَوْ رَأَوْا أَوْ ظَلَّوْا أَوْ كَانَ مِنْهُمْ أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَكَأَسْعَافِ ذَلِكَ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَا خَلَقْتَ وَمَا أَنْتَ خَالِقُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ صَلَّاهُ تُرْضِيَهُ اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَا ذَرْتَ وَبَرَأْتَ.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَالثَّنَاءُ وَالسُّكْرُ وَالْمَنْ وَالْفَضْلُ وَالطَّوْلُ وَالْخَيْرُ وَالْحُسْنَى وَالنِّعْمَةُ وَالْعَظَمَةُ وَالْجَبَرُوتُ وَالْمَلْكُ وَالْمَلْكُوتُ وَالْقَهْرُ وَالسُّلْطَانُ وَالْفَحْرُ وَالسُّودُدُ وَالإِمْتَانُ وَالْكَرَمُ وَالْجَلَالُ وَالْخَيْرُ وَالتَّوْحِيدُ وَالْتَّمْجِيدُ وَالْتَّحْمِيدُ وَالثَّهْلِيلُ وَالثَّكِبِيرُ وَالْتَّقْدِيسُ وَالرَّحْمَةُ وَالْمَعْفَرَةُ وَالْكِبِيرِيَاءُ وَالْعَظَمَةُ وَلَكَ مَا زَكَا وَطَابَ وَطَهَرَ مِنَ الشَّنَاءِ الطَّيِّبِ وَالْمَدِيْحِ الْفَاغِرِ وَالْقُولِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ الَّذِي تَرْضَى بِهِ عَنْ قَائِلِهِ وَيَرْضَى بِهِ قَائِلُهُ وَهُوَ رَضِيَ لَكَ يَتَّصِلُ حَمْدِي بِحَمْدِ أَوَّلِ الْحَامِدِينَ وَثَنَائِي بِشَنَاءِ أَوَّلِ الْمُثَنِّينَ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ مُتَّصِلًا ذَلِكَ بِذَلِكَ وَتَهْلِيلِي بِتَهْلِيلِ أَوَّلِ الْمُهَلِّلِينَ وَتَكْبِيرِي بِتَكْبِيرِ أَوَّلِ الْمُكَبِّرِينَ وَفَوْلِي الْحَسَنِ الْجَمِيلِ بِقَوْلِ أَوَّلِ الْفَاقِلِينَ الْمُجْمِلِينَ الْمُثَنِّينَ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ مُتَّصِلًا ذَلِكَ بِذَلِكَ مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ وَبِعَدَدِ زَيْنَةِ ذَرٍّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرَضِينَ وَالرِّمَالِ وَ

الشَّالِ وَ الْجِبَالِ وَ عَدَدِ جُرْعٍ مَاءِ الْبِحَارِ وَ عَدَدِ قَطْرِ الْأَنْفَلَارِ وَ وَزْقِ الْأَشْجَارِ وَ عَدَدِ
الْتُّجُومِ وَ عَدَدِ التَّرَى وَ الْحَصَى وَ التَّوَى وَ عَدَدِ زَنَةٍ ذَلِكَ كُلُّهُ وَ عَدَدِ زَنَةٍ ذَرَّ
السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَيْنَ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ مَا بَيْنَ ذَلِكَ وَ مَا
فَوْقَهُنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ لَدُنِ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ السَّابِعَةِ السُّفْلَى وَ بَعْدَ
حُرُوفِ الْفَاظِ أَهْلِهِنَّ وَ عَدَدِ رِمَاقِهِمْ وَ أَرْمَانِهِمْ وَ دَفَائِقِهِمْ وَ شَعَائِرِهِمْ وَ سَاعَاتِهِمْ
وَ أَيَّامِهِمْ وَ شُهُورِهِمْ وَ سِنِينِهِمْ وَ سُكُونِهِمْ وَ حَرَكَاتِهِمْ وَ أَسْعَارِهِمْ وَ أَبْشَارِهِمْ وَ
عَدَدِ زَنَةٍ ذَرَّ مَا عَمِلُوا أَوْ يَعْمَلُونَ أَوْ بَلَغُهُمْ أَوْ رَأَوْا أَوْ ظَنُوا أَوْ فَطَنُوا أَوْ كَانَ مِنْهُمْ أَوْ
يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ عَدَدِ زَنَةٍ ذَرَّ ذَلِكَ وَ أَصْعَافِ ذَلِكَ وَ كَآصْعَافِ ذَلِكَ
أَصْعَافًا مُضَاعَفَةً لَا يَعْلَمُهَا وَ لَا يُخْصِيهَا غَيْرُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْأَكْرَامِ وَ أَهْلُ ذَلِكَ
أَنْتَ وَ مُسْتَحْقُهُ وَ مُسْتَوْجِبُهُ مِنِّي وَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا بَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَ
الْأَرْضِ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَسْتَ بِرَبِّ اسْتَحْدَثُنَاكَ وَ لَا مَعَكَ إِلَهٌ فَيُشَرِّكَكَ فِي رُبُوبِيَّتِكَ وَ لَا
مَعَكَ إِلَهٌ أَعَانَكَ عَلَى خَلْقِنَا أَنْتَ رَبُّنَا كَمَا تَقُولُ وَ فَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَاتِلُونَ أَسَالُكَ
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعْطِيَ مُحَمَّدًا أَفْضَلَ مَا سَالَكَ وَ أَفْضَلَ
مَا سَيْلَتَ لَهُ وَ أَفْضَلَ مَا أَنْتَ مَسْئُولُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
أُعِيدُ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّيْ مُحَمَّدٍ وَ نَفْسِي وَ دُرْبَتِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي وَ
قَرَابَاتِي وَ أَهْلَ بَيْتِي وَ كُلَّ ذِي رَحْمٍ لِي دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ أَوْ يَدْخُلُ إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ وَ حُرَّاتِي وَ خَاصَّتِي وَ مَنْ قَلَّدَنِي دُعَاءً أَوْ أَسَدَى إِلَيَّ يَدًا أَوْ رَدَّ عَنِي غَيْبَةً
أَوْ قَالَ فِي حَيْرَأً أَوْ اتَّحَدْتُ عِنْدَهُ يَدًاً أَوْ صَنِيعَةً وَ جِيرَانِي وَ إِخْوَانِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ
الْمُؤْمِنَاتِ بِاللَّهِ وَ بِاسْمَائِهِ الثَّامِنَةِ الْعَامِمَةِ الشَّامِلَةِ الْكَامِلَةِ الطَّاهِرَةِ الْفَاضِلَةِ الْمُبَارَكَةِ

الْمَتَّعَالِيَّةِ الزَّكِيَّةِ الشَّرِيفَةِ الْمَبَيْعَةِ الْكَرِيمَةِ الْعَظِيمَةِ الْمُخْزُونَةِ الْمَكْتُوَنَةِ الَّتِي
لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرًّا وَ لَا فَاجِرًّا وَ بِأَمْ الْكِتَابِ وَ خَاتِمِهِ وَ مَا بَيْنَهُمَا مِنْ سُورَةٍ شَرِيفَةٍ وَ
آيَةٍ مُحْكَمَةٍ وَ شِفَاءٍ وَ رَحْمَةٍ وَ عُودَةٍ وَ بَرَكَةٍ وَ بِالتَّوْرَاةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ
الْفُرْقَانِ وَ صُحْفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ بِكُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلَهُ اللَّهُ وَ بِكُلِّ رَسُولٍ أَرْسَلَهُ
الَّهُ وَ بِكُلِّ حُجَّةٍ أَفَاقَمَهَا اللَّهُ وَ بِكُلِّ بُرْهَانٍ أَظْهَرَهُ اللَّهُ وَ بِكُلِّ نُورٍ أَنَارَهُ اللَّهُ وَ بِكُلِّ
الْأَلَاءِ اللَّهِ وَ عَظَمَتِهِ أَعْيُدُ.

وَ أَسْتَعِيدُ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ مَا رَبَّيَ مِنْهُ
أَكْبَرُ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الشَّيَاطِينِ وَ
السَّلَاطِينِ وَ إِلَيْسَ وَ جُنُودِهِ وَ أَشْيَاوِهِ وَ أَتَبَاوِهِ وَ مِنْ شَرِّ مَا فِي التُّورِ وَ الظُّلْمَةِ وَ
مِنْ شَرِّ مَا دَهَمَ أَوْ هَجَمَ أَوْ آلَمَ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ عَمٍّ وَ هَمٍّ وَ أَفَةٍ وَ نَدَمٍ وَ نَازَلَةٍ وَ سُقُمٍ
وَ مِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ تَأْتِي بِهِ الْأَقْدَارُ وَ مِنْ شَرِّ مَا فِي النَّارِ وَ
مِنْ شَرِّ مَا فِي الْأَرْضِينَ وَ الْأَقْطَارِ وَ الْفَلَوَاتِ وَ الْقِفَارِ وَ الْبِحَارِ وَ الْأَنْهَارِ وَ مِنْ شَرِّ
الْفُسَاقِ وَ الْفُجَّارِ وَ الْكُفَّارِ وَ السَّحَارِ وَ الْحُسَادِ وَ الدُّعَارِ وَ الْأَشْرَارِ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَلْجُ
فِي الْأَرْضِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَعْرُجُ فِيهَا وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ
ذِي شَرٍّ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذَبَابٍ رَبِّي أَخِذُ بِنَاصِيَتِهَا لَنْ رَبِّي عَلَى صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ «فَإِنْ
تَوَلُّوا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ».

وَ أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ مِنَ الْهَمِّ وَ الْعَمَّ وَ الْحَزَنِ وَ الْعَجْزِ وَ الْكَسْلِ وَ الْجُنُبِ وَ الْبَحْلِ
وَ مِنْ ضَلَالِ الدِّيَنِ وَ غَلَبَةِ الرِّجَالِ وَ مِنْ عَمَلٍ لَا يَنْفَعُ وَ مِنْ عَيْنٍ لَا تَدْمَعُ وَ مِنْ
قَلْبٍ لَا يَحْشُعُ وَ مِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَ مِنْ نَصِيحةٍ لَا تَتَبَعَّ وَ مِنْ صَحَابَةٍ لَا تَرْدَعُ وَ
مِنْ اجْتِمَاعٍ عَلَى نُكُرٍ وَ تَوَدُّدٍ عَلَى حُسْرٍ أَوْ تَوَاحُذٍ عَلَى حُبُثٍ وَ مِمَّا اسْتَعَادَ مِنْهُ

مُحَمَّدٌ وَ مَلَائِكَتَكَ الْمَقْرُبُونَ وَ الْأَنْبِيَاءُ الْمُرْسَلُونَ وَ الْأَئِمَّةُ الْمُطَهَّرُونَ وَ الشُّهَدَاءُ وَ
الصَّالِحُونَ وَ عِبَادُكَ الْمُتَّقُونَ وَ أَسْلَكَ اللَّهُمَّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
وَ أَنْ تُعْطِينِي مِنَ الْخَيْرِ مَا سَأَلَوْا وَ أَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرٍّ مَا اسْتَغَدَوْا وَ أَسْلَكَ اللَّهُمَّ
مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ عَاجِلًا وَ آجِلَهُ مَا عِلِّمْتُ مِنْهُ وَ مَا لَمْ أَعْلَمْ وَ أَعُوذُ بِكَ رَبِّ مِنْ
هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَ أَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ.

بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِي وَ مَالِي بِسْمِ اللَّهِ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ أَعْطَانِي رَبِّي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَحِبَّتِي وَ وُلْدِي وَ قَرَابَاتِي بِسْمِ اللَّهِ
عَلَى جِبَرِيلِي وَ إِحْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ قَلَّدَنِي دُعَاءً أَوْ اتَّخَذَ عِنْدِي صَنِيعَةً أَوْ
أَسْدَى إِلَيَّ يَدًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِسْمِ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَ يَرْزُقُنِي
بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ وَ هُوَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصِلْنِي بِجَمِيعِ مَا سَأَلَكَ عِبَادُكَ الْمُؤْمِنُونَ
أَنْ تَصِلَّهُمْ بِهِ مِنَ الْخَيْرِ وَ اصْرِفْ عَنِّي جَمِيعَ مَا سَأَلَكَ عِبَادُكَ الْمُؤْمِنُونَ أَنْ
تَضْرِفَهُمْ مِنَ السُّوءِ وَ الرَّذَى وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ وَلِيَّهُ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ وَ عَجِّلْ اللَّهُمَّ فَرَجِّهُمْ وَ
فَرِّجِي وَ فَرِّجْ عَنِّي وَ عَنْ كُلِّ مَهْمُومٍ وَ مَعْمُومٍ وَ مَدْعُونِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ
الْمُؤْمِنَاتِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي نَصْرَهُمْ وَ أَشْهِدْنِي أَيَامَهُمْ وَ اجْمَعْ
بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ اجْعَلْ مِنْكَ عَلَيْهِمْ وَاقِيَّةً حَتَّى لَا تَخْلُصَ
إِلَيْهِمْ إِلَّا بِسَبِيلِ خَيْرٍ وَ عَلَيَّ مَعَهُمْ وَ عَلَى شَيْعَتِهِمْ وَ مُحِبِّيَّهُمْ وَ عَلَى أَوْلَائِهِمْ وَ

عَلَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ
مِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَلَا غَالِبَ إِلَّا اللَّهُ مَا شاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ حَسْبِيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ
عَلَى اللَّهِ وَأَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ وَالْتَّجْهِيَّ إِلَى اللَّهِ وَبِاللَّهِ أَحَوْلُ وَأَصَوْلُ وَأَكَاثِرُ
وَأَفَارِخُ وَأَعْتَزُ وَأَعْتَصُمُ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَقِيقُ الْقَيُومُ عَدَدَ
الثَّرَى وَالنُّجُومِ وَالْمَلَائِكَةِ الصُّفُوفِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ الْعَالِيُّ الْعَظِيمُ
﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾. وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ. ٢٧

دعاى حاجت

يَا أَعَزَّ مَذْكُورٍ وَ أَقْدَمَهُ قَدَمًا فِي الْعِزِّ وَ الْجَبَرُوتِ، يَا اللَّهُ يَا رَحِيمَ كُلُّ مُتَرَحِّمٍ وَ
مَفْزَعَ كُلُّ مَلْهُوفٍ يَا رَاجِحَ كُلُّ حَرَبٍ يَشْكُو بَهُ وَ حُزْنَهُ إِلَيْهِ، يَا اللَّهُ يَا حَبْرَ مَنْ
طَلِبَ الْمَعْرُوفُ مِنْهُ وَ أَسْرَعَهُ إِعْطَاءً، يَا مَنْ تَحَافُظَ الْمَلَائِكَةُ الْمُتَوَقَّدَةُ بِالثُّورِ مِنْهُ
أَسْأَلُكَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي يَدْعُوكَ بِهَا حَمْلَةُ عَرْشِكَ وَ يُسَبِّحُونَ بِهَا شَفَقَةً مِنْ حَوْفِ
عَذَابِكَ وَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي يَدْعُوكَ بِهَا جَبْرِيلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ إِلَّا أَجْبَسْتَنِي وَ
كَشَفْتَ كُرْبَتِي يَا إِلَهِي وَ سَرَّتَ دُنُوبِي

يَا مَنْ يَأْمُرُ بِالصَّيْحَةِ فِي خَلْقِهِ «فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ مَحْشُورُونَ» وَ بِذَلِكَ الاسمِ
الَّذِي تُخْبِي بِهِ الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ أَنْ تُخْبِي قَلْبِي وَ تَشْرَحَ صَدْرِي وَ تُصلَحَ
شَأْنِي يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالْبَقَاءِ وَ خَلَقَ لِبَرِّيَّتِهِ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاةَ، يَا مَنْ فِعْلُهُ قَوْلُ وَ
قَوْلُهُ أَمْرُ وَ أَمْرُهُ مَاضٍ عَلَى مَا يَشَاءُ.

وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهَا حَلِيلُكَ حِينَ الْقِيَ فِي النَّارِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ
قُلْتَ يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ بِالْأَسْمَ الَّذِي دَعَا بِهِ مُوسَى مِنْ
جَانِبِ الطُّورِ الْأَيَّمِنِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ بِالْأَسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ عِيسَى مِنْ رُوحِ
الْقُدُّسِ وَ بِالْأَسْمِ الَّذِي وَهَبْتَ لِرَكَبِيَا يَحْيَى وَ بِالْأَسْمِ الَّذِي كَشَفْتَ بِهِ عَنْ أَئْوَبَ

الصُّرَّ وَ بِالاَسْمِ الَّذِي ثَبَّتَ عَلَى دَاؤَدَ وَ سَحْرَتْ لِسْلَيْمَانَ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ وَ
الشَّيَاطِينَ وَ عَلَمَتَهُ مَنْطِقَ الطَّيْرِ
وَ بِالاَسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الْعَرْشَ وَ بِالاَسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الْكُرْسِيَّ وَ بِالاَسْمِ
الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الرُّوْحَانِيَّينَ وَ بِالاَسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الْجِنَّ وَ الْاَنْسَ وَ بِالاَسْمِ
الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ جَمِيعَ الْخَلْقِ وَ جَمِيعَ مَا أَرْدَتَ مِنْ شَيْءٍ وَ بِالاَسْمِ الَّذِي قَدَرْتَ
بِهِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ.
٢٨. أَسْأَلْكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ لَمَّا أَعْطَيْتَنِي سُؤْلِي وَ قَضَيْتَ حَوَائِجِي يَا كَرِيمُ.

پی نوشت ها

١. الكافي ج ١ ص ١١٨، التوحيد للصدوق ص ٣١٢.
٢. علل الشرایع ج ١ ص ١٥، بحار الأنوار ج ٥٨ ص ١٣٣.
٣. الكافي ج ٣ ص ١٧٨، بحار الأنوار ج ٦ ص ١٩٦.
٤. مناقب آل أبي طالب ج ٢ ص ٢٧٨، بحار الأنوار ج ٣٥ ص ٣٩٦ تفسير العيّاشي ج ١ ص ١٣٩.
٥. الكافي ج ١ ص ٨٢، التوحيد ص ١٥٦.
٦. الخصال ص ٢٠٣، بحار الأنوار ج ص ٨٧، وسائل الشيعة ج ٢٥ ص ٣٣٥.
٧. الإرشاد ج ٢ ص ٢٠٤، تفسير نور الثقلين ج ٣ ص ٤٢٠.
٨. معجم مقاييس اللغة ج ٤ ص ٥٦، التحقيق في كلمات القرآن ج ٨ ص ١٨٣، النهاية في غريب الحديث ج ٣ ص ٣٧٣، لسان العرب ج ٥ ص ٢٥.
٩. مفردات غريب القرآن ص ١٤٩، تاج العروس ج ١ ص ٨٧.
١٠. الأمالی للصدوق ص ٥٤٥، التوحيد للصدوق ص ١٧٨، عيون أخبار الرضا ج ٢ ص ١٠٥، وسائل الشيعة ج ١٤ ص ٣٢٥، الاحتجاج ج ٢ ص ١٨٩، جامع أحاديث الشيعة ج ١٢ ص ٢٢٣، تفسير نور الثقلين ج ٥ ص ٦٠.
١١. كتاب فتوحات مکیه (المحيی الدین عربی) ج ٢ ص ٦.
١٢. المحاسن ج ١ ص ١٦٥، الكافي ج ٢ ص ١٢٦، معانی الاخبار ص ٣٩٨، وسائل الشيعة ج ١٦

- ص ١٦٨.
١٣. بحار الأنوار ج ٢٩ ص ١٥٧.
١٤. بحار الأنوار ج ٢٩ ص ٣٢ وراجع: عمدة القاري ج ١٥ ص ٢٠، كنز العتال ج ٥ ص ٦٠٥، سير أعلام النبلاء ج ٢ ص ١٢١، تاريخ الإسلام للذهبي ج ٣ ص ٤٧، البداية والنهاية ج ٥ ص ٣١٠.
١٥. كتاب سليم بن قيس ص ٣٩١، بحار الأنوار ج ٢٨ ص ٣٠٣، علل الشرائع ج ١ ص ١٨٧، بحار الأنوار ج ٤٣ ص ٢٠٣.
١٦. كتاب سليم بن قيس ص ٣٩١، بحار الأنوار ج ٢٨ ص ٣٠٣ وج ٤٣ ص ١٩٩.
١٧. المناقب لابن شهر آشوب ج ٤ ص ١١١؛ بحار الأنوار ج ٤٥ ص ٥٥.
١٨. بحار الأنوار، ج ٤٥، ص ١١٥.
١٩. الكافي ج ٨ ص ١٥٥ وسائل الشيعة ج ٣ ص ١٦٣، الجوهر السنّية ص ٤٦، جامع أحاديث الشيعة ج ٣ ص ٣٩٥، تفسير نور الثقلين ج ٢ ص ٤٧٤.
٢٠. التوحيد للصدوق ص ٨٩، بحار الأنوار ج ٣ ص ٢٢٢، تفسير مجمع البيان ج ١٠ ص ٤٨٦.
٢١. الكافي ج ٢ ص ٤٠٠، مستدرك الوسائل ج ١ ص ١٦٦.
٢٢. كمال الدين ج ٢ ص ٣٦٨.
٢٣. و من المهمات عقيب الخمس الصلوات ما كانت الزهراء فاطمة سيدة نساء العالمين ع تدعوا به فمن ذلك دُعاً هَا عَقِيبَ فَرِيضَةِ الظَّهَرِ: فلاح السائل ص ١٧٣، بحار الانوار ج ٨٣ ص ٦٦.
٢٤. وَ مِنَ الْمَهَمَّاتِ الدُّعَاءُ عَقِيبَ الْعَصْرِ بِمَا كَانَتِ الرَّزَّهْرَاءُ فَاطِمَةُ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا تَدْعُونَهُ فِي جُمْلَةٍ دُعَائِهَا لِلْخَمْسِ الصَّلَوَاتِ: فلاح السائل ص ٢٠٢، بحار الانوار ج ٨٣ ص ٨٥.
٢٥. ومن تعقب فريضة المغرب ايضا يختص بها مما روي عن مؤايتها فاطمة الزهراء من الدعاء عقيب الخمس الصلوات: فلاح السائل ص ٢٨٣، بحار الانوار ج ٨٣ ص ١٠٢.
٢٦. و من المهمات أيضا بعد صلاة العشاء الآخرة الدعاء المختص بهذه الفريضة... من أدعية مؤايتها

فاطمَةَ عَقِيبَ الْخَمْسِ الْمُفْرُوضَاتِ: فلاح السائل ونجاح المسائل ۲۵۱، بحار الانوار ج ۸۳

ص ۱۱۵.

۲۷. در اینجا سه نکته ذکر می‌کنم:

* نکته اول: چرا این دعا، برای بعد نماز صبح است به دلیل این که شیخ طوسی آن را در باب «تعقیبات نماز صبح» آورده است: قال الشیخ الطوسي فی مصباح المتهجد ص ۲۲۰ فی باب التعقیب المختص لصلة الفجر: «ثم تدعو بدعاء الكامل المعروف بدعاء الحريق» و راجع بحار الانوار ج ۸۳ ص ۱۷۰.

* نکته دوم: چرا این دعا را «دعای حريق» می‌نامند؟ به دلیل کلامی که علامه مجلسی از کتاب «البلد الامین» کفعی نقل کرده است: «إِنَّمَا سُمِّيَ هَذَا الدُّعَاءُ بِدُعَاءِ الْحَرِيقِ لِمَا رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ قَالَ سَمِعْتُ أَبِي مُحَمَّدَ بْنَ عَلَيٍّ الْبَاقِرَ يَقُولُ كُنْتُ مَعَ أَبِي عَلَيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عِبْرَةً يَعُودُ شَيْخًا مِنَ الْأَنْصَارِ إِذَا آتَى أَبِي آتٍ وَقَالَ لَهُ الْحَقُّ دَارَكَ فَقَدِ احْتَرَقَ...»؛ بحار الانوار ج ۸۳ ص ۱۷۲.

* نکته سوم: به چه دلیل این دعا را حضرت فاطمه(س) می‌خوانند؟ ادامه کلامی که علامه مجلسی از کفعی نقل می‌کند چنین است: «وَهُوَ سِرُّ أَتَى بِهِ جَبْرِيلُ إِلَيَّ التَّبِيِّ صَفَعَلَّمَهُ عَلِيًّا وَابْنَتَهُ فَاطِمَةَ وَتَوَازَتْنَا نَحْنُ...»؛ بحار الانوار ج ۸۳ ص ۱۷۲. این کلام ظاهر در این است که حضرت فاطمه^۳ این دعا را از پیامبر آموخته‌اند و آن را می‌خوانند.

۲۸. دلائل الامامة ص ۶، بحار الانوار ج ۹۲ ص ۴۰۴.

منابع

- ١ . الاحتجاج على أهل اللجاج، أبو منصور أحمد بن علي الطبرسي (ت ٦٢٠ هـ)، تحقيق: إبراهيم البهادرى و محمد هادى به، طهران: دار الأسوة، الطبعة الأولى، ١٤١٣ هـ.
- ٢ . الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي المعروف بالشيخ المفید (ت ٤١٣ هـ)، تحقيق: مؤسسة آل البيت، قم: مؤسسة آل البيت، الطبعة الأولى، ١٤١٣ هـ.
- ٣ . أمالى الصدوق، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ)، بيروت: مؤسسة الأعلمى، الطبعة الخامسة، ١٤٠٠ هـ.
- ٤ . بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمد بن محمد تقى المجلسى (ت ١١١٥ هـ)، طهران: دار الكتب الإسلامية، الطبعة الأولى، ١٣٨٦ هـ.
- ٥ . البداية والنهاية، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقى (ت ٧٧٤ هـ)، تحقيق: مكتبة المعارف، بيروت: مكتبة المعارف.
- ٦ . تاج العروس من جواهر القاموس، محمد بن محمد مرتضى الحسيني الزبيدي (ت ١٢٠٥ هـ)، تحقيق: علي الشيرى، ١٤١٤ هـ، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
- ٧ . تاريخ الإسلام ووفيات المشاہير والأعلام، محمد بن أحمد الذهبي (ت ٧٤٨ هـ)، تحقيق: عمر عبد السلام تدمري، بيروت: دار الكتاب، الطبعة الأولى، ١٤٠٩ هـ.
- ٨ . التحقيق في كلمات القرآن، العلامة حسن المصطفوى (معاصر)، طهران: وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامية، الطبعة

الأولی، ١٤١٦ هـ.

- ٩ . تفسیر العیاشی، أبو النصر محمد بن مسعود السلمی السمرقندی المعروف بالعیاشی (ت ٣٢٠ هـ)، تحقيق: السيد هاشم الرسولي المحلاطی، طهران: المکتبة العلمیة، الطبعة الأولى، ١٣٨٠ هـ.
- ١٠ . تفسیر نور التلین، عبد علی بن جمیع العروسي الحویزی (ت ١١١٢ هـ)، تحقيق: السيد هاشم الرسولي المحلاطی، قم: مؤسسة إسماعيلیان، الطبعة الرابعة، ١٤١٢ هـ.
- ١١ . التوحید، أبو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی المعروف بالشیخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ)، تحقيق: هاشم الحسینی الطهرانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة الأولى، ١٣٩٨ هـ.
- ١٢ . جامع أحادیث الشیعہ، السيد البروجردي (ت ١٣٨٣ هـ)، قم: المطبعة العلمیة.
- ١٣ . الجواهر السنیة فی الأحادیث القدسیة، محمد بن الحسن بن علی بن الحسین الحز العاملی (ت ١١٠٤ هـ)، قم: مکتبة المفید.
- ١٤ . الخصال، أبو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی المعروف بالشیخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ)، تحقيق: علي أكبر الغفاری، قم: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمیة.
- ١٥ . دلائل الإمامة، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری الإمامی (ق ٥٥ هـ)، تحقيق: مؤسسة البعلبة، قم: مؤسسة البعلبة.
- ١٦ . سیر اعلام النبلاء، أبو عبدالله محمد بن أحمد الذھبی (ت ٧٤٨ هـ)، تحقيق: شعیب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة العاشرة، ١٤١٤ هـ.
- ١٧ . علل الشرائع، أبو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی المعروف بالشیخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ)، تقديم: السيد محمد صادق بحر العلوم، ١٣٨٥ هـ، النجف الأشرف: منشورات المکتبة الحیدریة.
- ١٨ . عمدة القاری شرح البخاری، أبو محمد بدر الدین أحمد العینی الحنفی (ت ٨٥٥ هـ)، مصر: دار الطباعة المنیریة.
- ١٩ . عيون أخبار الرضا، أبو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی المعروف بالشیخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ)، تحقيق: الشیخ حسین الأعلمی، ١٤٠٤ هـ، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

- ٢٠ . فلاح السائل، أبو القاسم علي بن موسى الحلي المعروف بابن طاووس (ت ٦٤٤ هـ)، قم: مكتب الإعلام الإسلامي.
- ٢١ . الكافي، أبو جعفر ثقة الإسلام محمد بن يعقوب بن إسحاق الكليني الرازى (ت ٣٢٩ هـ)، تحقيق: علي أكبر الغفارى، طهران: دار الكتب الإسلامية، الطبعة الثانية، ١٣٨٩ هـ.
- ٢٢ . كتاب سليم بن قيس، سليم بن قيس الهاشمى العاشرى (ت حوالي ٩٦٠ هـ)، تحقيق: محمد باقر الأنصارى، قم: نشر الهاشمى، الطبعة الأولى، ١٤١٥ هـ.
- ٢٣ . كمال الدين وتمام النعمة، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ)، تحقيق: علي أكبر الغفارى، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة الأولى، ١٤٠٥ هـ.
- ٢٤ . كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، علاء الدين علي المتنقى بن حسام الدين الهندي (ت ٩٧٥ هـ)، ضبط وتفسير: الشيخ بكرى حيانى، تصحیح وفهرسة: الشیخ صفوۃ السقا، بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الأولى، ١٣٩٧ هـ.
- ٢٥ . لسان العرب، أبو الفضل جمال الدين محمد بن مكرم بن منظور المصري (ت ٧١١ هـ)، بیروت: دار صادر، الطبعة الأولى، ١٤١٠ هـ.
- ٢٦ . مجمع البيان في تفسير القرآن، أبو علي الفضل بن الحسن الطبرسي (ت ٥٤٨ هـ)، تحقيق: السيد هاشم الرسولي المحلاطي والسيد فضل الله اليزدي الطباطبائي، بیروت: دار المعرفة، الطبعة الثانية، ١٤٠٨ هـ.
- ٢٧ . المحاسن، أبو جعفر أحمد بن محمد بن خالد البرقى (ت ٢٨٠ هـ)، تحقيق: السيد مهدي الرجائى، قم: المجمع العالمي لأهل البيت، الطبعة الأولى، ١٤١٣ هـ.
- ٢٨ . مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، المیرزا حسين التوری (ت ١٣٢٠ هـ)، تحقيق: مؤسسة آل البيت، قم: مؤسسة آل البيت، الطبعة الأولى، ١٤٠٨ هـ.
- ٢٩ . مصباح المتهجد، أبو جعفر محمد بن الحسن بن علي بن الحسن الطوسي (ت ٤٦٠ هـ)، تحقيق: علي أصغر

مروارید، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، الطبعة الأولى، ١٤١١ هـ.

٣٠ . معانی الأخبار، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن باتویه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ)،

تحقيق: علي أكبر الغفاری، ١٣٧٩ هـ، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجامعة المدرسين، الطبعة الأولى،

١٣٦١ هـ.

٣١ . معجم مقاييس اللغة، أحمد بن فارس الرازي القزوینی، قم: مکتبة الإعلام الإسلامي.

٣٢ . المفردات في غريب القرآن، أبو القاسم الحسین بن محمد الراغب الإصفهانی (ت ٥٠٢ هـ)، تحقيق: صفوان

عدنان داودی، دمشق: دار القلم، الطبعة الأولى، ١٤١٢ هـ.

٣٣ . مناقب آل أبي طالب (مناقب ابن شهر آشوب)، أبو جعفر رشید الدین محمد بن علي بن شهر آشوب المازندرانی

(ت ٥٨٨ هـ)، قم: المطبعة العلمية.

٣٤ . النهاية في غريب الحديث والأثر، أبو السعادات مبارك بن مبارك الجزري المعروف بابن الأثير (ت ٦٠٦ هـ)،

تحقيق: طاهر أحمد الزاوي، قم: مؤسسة إسماعيليان، الطبعة الرابعة، ١٣٦٧ شـ.

٣٥ . وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن الحسن الحر العاملی (ت ١١٠٤ هـ)، تحقيق: مؤسسة آل

البيت، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، الطبعة الثانية، ١٤١٤ هـ.